



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
دوره دوازدهم | شماره ۳ | بهار ۱۳۹۴
پیاک ۳۰۰۸۹۹۵۰۹ | ۶۴ صفحه | ۱۲۵۰۰ ریال

رشد آموزش

۴۱

برای معلمان، مدرسان، هنرجویان و دانشجویان هنر

www.roshdmag.ir

پای صحبت استاد هادی ضیاءالدینی

نقاشی، زبان کودک است

رازهای خط و نقاشی خط

کمک‌هایی برای ترکیب‌بندی





آبستره اثر مسعود عربشاهی، ترکیب مواد روی بوم، ۱۸۰×۱۳۳، گنجینه موزه هنرهای معاصر، ۱۳۴۷



فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
۶۴ صفحه / دوره دوازدهم / شماره ۳ / بهار ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

یادداشت سردبیر / امید بهار و بهار امید / سردبیر ۲

گفت و گو / هر اثر هنری، چکیده تجربه های حسی و بصری هنرمند است (پای صحبت استاد هادی

ضیاء الدینی مجسمه ساز، تندیس ساز و چهره پرداز هنری) / هیئت تحریریه ۴

گفت و گو / کارگاه هنر پلی برای خلاقیت و تجربه دانش آموزان (پای صحبت حسن کشاورز) ۱۱

مقاله / آشنایی بانگاری ایران استاد محمد طریقتی / کاوه تیموری ۱۶

عکس / همدان در آینه هنر ۲۴

مقاله / هنر و تعلیم و تربیت متناسب با زمان / روح الله مال میر ۲۸

مقاله / چگونه کلاس هنر خلاق داشته باشیم؟ / آزاده دهقانی ۳۴

گفت و گو / پیرمردی که هنوز دست به قلم و خودنویس دارد / هیئت تحریریه ۳۸

معرفی هنر مند / سعید دولتی، دبیر هنر ۴۴

مقاله / قوانین رابشکنید / مهسا قباپی ۴۶

یادداشت / نقاشی، زبان کودک است / جبار کشاورز ۵۱

معرفی کتاب / رازهای خط و نقاشی خط / مجتبی بابائیان ۵۲

مقاله / دلایل احیای نقوش برجسته صخره ای در دوره قاجار / مهدی علی آبادی ۵۴

مقاله / مسجد شیخ لطف الله، یادگاری کم نظیر از دوران صفویه / شبنم گلزار ۶۲

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مجله رشد آموزش هنر، آثار هنرمندان، استادان و صاحب نظران، به ویژه معلمان و مدرسان هنر و نیز، هنرجویان و دانشجویان رشته های هنری را که در نشریات عمومی منتشر نشده باشد، برای چاپ می پذیرد. ● مطالب ارسالی باید با اهداف کلان آموزش هنر در نظام آموزشی کشور هم خوان باشد و به حل مشکلات ریز و درشت آموزش هنر در مدارس و مراکز رسمی آموزش کمک کند. ● مطالب باید با خطی خوانا بر یک رو کاغذ نوشته شود و حاشیه صفحه و فاصله سطرها برای اعمال ویرایش مناسب باشد. ● حجم مقالات از ۱۵ صفحه دست نویس و ده صفحه حروف چینی شده بیشتر نباشد. ● اگر مطلبی، عکس یا تصویر و جدول و نمودار دارد، جای قرار گرفتن آن ها در حاشیه صفحات مشخص شود و تمام موارد به صورت لوح فشرده (با فرمت tif یا jpeg و dpi حداقل سیصد) همراه متن فرستاده شود. ● کپی صفحات اصلی متن ترجمه ضمیمه شود تا در صورت لزوم، بررسی صحت ترجمه و هم خوانی آن با متن اصلی ممکن باشد. ● اهداف مقاله و چکیده آن همراه پنج کلیدواژه در صفحه ای مجزا ضمیمه شود. ● معرفی کوتاه پدیدآورنده، همراه نشانی و مخصوصاً شماره تلفن او در برگه ای جدا پیوست باشد. ● پی نوشت ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، مترجم، نام کتاب، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه باشد. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. ● مطالب چاپ شده، لزوماً بیانگر دیدگاه گردانندگان مجله نیست و مسئولیت پاسخ گویی، با پدیدآورنده است. ● دفتر مجله از نگهداری یا بازگرداندن مطالب رد شده، جز در موارد خاص، معذور است. ● ترتیب چاپ مطالب به معنای درجه بندی و ارزش گذاری نیست، بلکه بر حسب ملاحظات فنی و رعایت تناسب و تنوع است.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: کاوه تیموری
مدیر داخلی: اکرم یغماییان
هیئت تحریریه:

علاء الدین کیا لاشکی
مهدی الماسی
مجتبی بابائیان
حمید قاسم زادگان
محمود حاجی آقایی
مهسا قباپی
ویراستار: بهروز راستانی
طراح گرافیک و جلد: سید جعفر ذهنی
عکاس: ابراهیم سیسان
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۶۵۸۵ / ۱۵۸۷۵
تلفن ۹۱۶۱۹۸۸۳۳۰۲۱ (داخلی ۴۱۱)
نمابر: ۸۸۴۹۰۱۰۹

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیامک: ۳۰۰۸۹۹۵۰۹

پیام نگار: honar@roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد دفتر مجله: ۱۱۳

کد مشترکین: ۱۱۴

تلفن امور مشترکین:

۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۰۲۱ ۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

تصویر روی جلد: گل و مرغ، اثر محمد طریقتی،

تصویر صفحه دو جلد: آبنسره اثر مسعود عربشاهی،

ترکیب مواد روی بوم، ۱۳۳×۱۸۰، گنچینه موزه

هنرهای معاصر، ۱۳۴۷

تصویر پشت جلد: نگارگری، اثر پرویز حاصلی،

نمایشگاه هنر مقاومت

امید بهار و بهار امید

را با دانش‌آموزان بهتر درک کرد. دانش‌آموزان دیروز و هنرمندان نام‌آور امروز از نقش تشویق‌ها و راهنمایی‌های معلمان هنر خود می‌گویند؛ همان تشویق‌های اثرگذار و سرنوشت‌سازی که به هنرمند شدن و هنرمند ماندن آن‌ها انجامیده است.

هنرمند وارسته‌ای دربارهٔ چگونگی هنرمند شدنش می‌گفت: «روزی در پاسخ به فراخوان معلم هنر صفحه را به چهار قسمت تقسیم کردم و چهار فصل را در آن کشیدم. حالات خورشید را متناسب با هر فصل طراحی و با مداد رنگی کار کردم. ظرافت آن نقاشی همان حالات خورشید بود. ابتدا فکر نمی‌کردم معلم هنرم به آن توجه کند اما وقتی آن را دید، به سرعت متوجه آن شد و مرا تشویق جانانه‌ای کرد که برایم در آن لحظه بسیار خوشایند و غرورآفرین بود. راه نقاشی از همان جا برایم آغاز شد و با دلی روشن از امید آن را ادامه دادم.»

هنرمند دیگری می‌گفت: «روزی معلم هنر از ما خواست با خط بنویسیم: دلایل قوی باید و معنوی. با تمام ذوق و شوقی که داشتیم آن را نوشتم. معلم مهربان هنر وقتی خطم را دید، گفت خیلی خوب نوشته‌ای. به تونمره ۱۸ می‌دهم. ولی خیلی ساده و صمیمی ادامه داد که اگر بهتر بنویسی به تو ۲۰ خواهیم داد. آن جمله تمام وجود مرا تسخیر کرد و امروز که خوش‌نویس حرفه‌ای هستم، تنها عامل

وزیدن نسیم دل‌انگیز بهاری که با نوید آمدن پرستوها، شادی‌بخش خانه‌ها و کاشانه‌هاست، مبارک باد! بهار و نوروز آیه‌های روشن پاکی و عشق را چونان سفیران صادق کریمانه بر ما ارزانی می‌کنند اما حسابگرانه و غافلگیرانه سالی از عمر ما را به غارت می‌برند تا هنرمند را در این اندیشه فرو برند که آیا رهاورد گذشت یک سال از عمر گران‌مایه، اثر هنری در خوری را به دنبال داشته است؟

فردوسی در نامهٔ حماسی خویش وصف حال هنرمندان که در سودای جاودان شدن هستند را، این‌گونه پرورانده است. او از زبان هنرمند با خود زمزمه می‌کند: «مرا نام باید که باشد به جای». بهاری سرشار از امید و عشق ارزانی‌تان باد.

اما معلم هنر انسانی هنرمندپرور است و در سال نو مرور ارزش‌های شگفت‌انگیز او خالی از لطف نیست. بررسی احوال و آثار هنرمندان و به‌طور ویژه بررسی دوران مدرسه آن‌ها و مواجهه‌شان با دبیران و معلمان هنر نکات خشنودکننده‌ای را به ما یادآوری می‌کنند. این اتفاقات و رخدادها گاهی مس وجود دانش‌آموزان را با کیمیای خود به زر تبدیل می‌کند؛ به گونه‌ای که تأثیر همان واقعه تا پایان عمر پایدار می‌ماند. مخاطب مستقیم این نکات معلمان گران‌قدر هنر هستند، زیرا با ذکر این یادآوری‌ها می‌توان ارزش و اهمیت برخوردهای تربیتی آن‌ها

مهم آن را بر خورد معلم هنرم می دانم.»

آقای دهزاد، معلم هنر مدرسه به دوسه تا از دانش آموزان اجازه داده بود که در حین تمرین سرمشق ها از گذاشتن نقطه ها خودداری کنند تا تمرکز بیشتری روی حروف و کلمات داشته باشند. این کار باعث رشد خیره کننده یکی از بچه ها شد و او به راه گرافیک و تایپوگرافی رفت. این کار معلم هنر نشان می داد که توانایی را در پنجه بچه ها به خوبی حس می کرده است.

یکی از تصویرگران کتاب کودک می گفت: «در آغاز سال، روزی معلم هنر به کلاس آمد. خیلی ها انتظار داشتند او آبپاش یا گلدان با خود آورده باشد و از همه دانش آموزان بخواهد همه آن را نقاشی کنند. اما او طرز تعلیم متفاوتی از نقاشی را شروع کرد. در همان جلسه بعد از خوش و بش با بچه ها، داستان کوتاهی را به شیرینی تعریف کرد و از ما خواست آنچه از هر چیز یا هرکس و یا هر صحنه داستان فهمیده ایم و به آن علاقه مند شده ایم، نقاشی کنیم. آن روز بچه ها کارهای قشنگی کردند. این کار تا پایان سال با شعر و داستان تداوم یافت و معلم با انرژی مثبت کلاس را پیش می برد. این کار به اندیشه بچه ها مجال پرواز می داد که هرکس بتواند با آن به نوعی هم خوان با ذوق و زمینه ذهنی خود روبه رو شود و نیروی تخیل و

فکر و قلمش بارور گردد.

این موارد را می توان با تفصیل بیشتر و افزودن سایر نمونه ها مطرح کرد. اما «در خانه اگر کس است، یک حرف بس است.» نقش معلم هنر در کار بست تکنیک های هنری و شگردهای تدریس می تواند نیروی تصویرسازی بصری و تفکر را فراتر از قالب های ساختگی شکل دهد و دانش آموز را برانگیزد که با تمرین و اظهار نظر احساس و درک خود را به تصویر بکشد.

تازگی و طراوت می تواند ویژگی کلاس هنری باشد که معلمش برای هر لحظه آن برنامه دارد. در حال حاضر، بنیان کتاب هنر بر پرورش حس خلاقیت هنری استوار است و به شکوفا شدن استعداد های بچه ها کمک می کند. باید دید آیا معلمان گران قدر هنر که رفتار و منش هنری آن ها در کلاس تجلی می یابد، می توانند به معلمانی سرنوشت آفرین تبدیل شوند؟ معلمانی که دانش آموزان امروزشان در آینده فعل و قول تعیین کننده آن ها را زبان به زبان نقل کنند و از اهمیت آن ها بگویند.

سردبیر



گفت‌وگو

پای صحبت استاد هادی ضیاءالدینی
مجسمه‌ساز، تندیس‌ساز و چهره‌پرداز هنری

هر اثر هنری، چکیدهٔ تجربه‌های حسی و بصری هنرمند است

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر



اشاره

در خدمت جناب استاد هادی ضیاءالدینی هستیم؛ مجسمه‌ساز، تندیس‌ساز و چهره‌پرداز هنری از دیار کردستان. این گفت‌وگو در عمارت تاریخی «خسروخان اردلان» انجام شده است. مطابق معمول از ایشان درباره سوابق هنری‌شان می‌پرسیم و اینکه چرا مردم سنج (کردستان) این قدر علاقه دارند که در میدان‌های اصلی شهرشان تندیس نصب شود.

رشد آموزش هنر

خود را به آن ادا کنم.

● ظاهراً زمینه کاری شما مجسمه‌سازی، طراحی و نقاشی است؟

من به نسبت مساوی نقاشی کار می‌کنم و هم در شهرهای گوناگون ایران و هم در خارج از کشور، نمایشگاه برگزار کرده‌ام.

● شما در کسوت آموزش و پرورش هم فعالیت می‌کنید؟

فعالیت‌های آموزشی و تدریس دارم، اما کارمند رسمی «میراث فرهنگی» هستم. در حال حاضر هم در «خانه فرهنگ»، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تدریس می‌کنم. تاکنون ۱۷ سال در آنجا آموزش داده‌ام که نتایج خوبی هم داشته است.

● گرایش به تندیس‌ها ناشی از چیست؟

همه مردم ایران مانند مردم کردستان به هنر علاقه دارند. منتها اگر در جای دیگری چنین علاقه‌ای دیده نمی‌شود، به این علت است که زمینه‌اش فراهم نیست. ما حتی شهرهای بزرگی از ایران را می‌شناسیم که مجسمه ندارند و تلاشی هم در این زمینه انجام نمی‌گیرد اما ما با تلاش و سعی این زمینه را در شهرمان فراهم کردیم.



مداد کتبه و ذغال - ۴۰ × ۲۹

داشته‌اند.

من برخلاف هنرمندانی که در تهران تحصیل می‌کنند و بعد از اتمام تحصیل در پایتخت ماندگار می‌شوند، به شهر خودم بازگشتم؛ با این نیت که آنچه را در دانشگاه آموخته‌ام، به دیگران منتقل کنم. به همین دلیل از همان سال ۱۳۵۶ به تدریس نقاشی و طراحی پرداختم.

● رشته دانشگاهی شما چه بود؟

رشته تحصیلی من نقاشی بود. عرض می‌کردم حضور هنرمندان در زادگاه خود پیامدهایی دارد و به تربیت شاگردانی منجر می‌شود. من هم سعی کردم به مرکز استان محروم بازگردم و با تربیت شاگردانی، دین

من هادی ضیاءالدینی متولد ۱۳۳۵ در سنج هستم و کار طراحی، نقاشی و مجسمه‌سازی انجام می‌دهم.

● از محضر چه کسانی بهره گرفته‌اید؟

تا قبل از دانشکده، تجربی کار می‌کردم. در سال ۱۳۵۶ به دانشکده هنرهای زیبای تهران رفتم و زیر نظر استادان آنجا، از جمله «هانپال الخاص»، نقاش بزرگ، آموزش دیدم. شاگرد ایشان بودم تا آخرین لحظات زندگی‌شان.

● پس بیشترین تأثیر را از نقاشی و مجسمه‌سازی ایشان گرفته‌اید؟

بله.

● همان مجسمه‌سازی که مورد توجه جلال آل احمد نیز بود!

دقیقاً، با آقای الخاص ارتباط داشت.

● تحصیلات دانشگاهی شما تا چه مرحله‌ای بود؟

با توجه به شرایط زمانی، با انقلاب فرهنگی مواجه شدم و ۱۱ سال طول کشید تا بتوانم لیسانس بگیرم. البته پس از بررسی و ارزشیابی، به این جانب درجه دکترا دادند. در ارتباط با سؤالی که فرمودید که درباره اینکه چرا هنر مجسمه‌سازی در سنج محبوبیت دارد، باید عرض کنم نه تنها مجسمه‌سازی، بلکه همه هنرهای تجسمی در اینجا رشد چشمگیری

● استاد، شما سوژه‌هایتان را چگونه انتخاب می‌کنید؟

کار مجسمه‌سازی با کار شخصی و نمایشگاهی تفاوت دارد. کار مجسمه حتماً باید سفارش داده شود. من خودم نمی‌توانم به میل خودم در جایی مجسمه نصب کنم؛ مجوز می‌خواهد. تمایل مسئولان را می‌خواهد. به همین دلیل معمولاً مجسمه‌ها را سفارش می‌دهند و به‌طور معمول مجسمه‌ها با توجه به گرایش مردم و تصویب مسئولان شهر سفارش داده می‌شوند.

● در مورد موادی که با آن‌ها مجسمه می‌سازید، برای ما توضیح دهید.

مجسمه به‌خصوص آن‌هایی که برای بیرون سفارش داده می‌شوند، از گچ هستند. هر چیزی که قرار است نصب شود، برای اولین بار از گچ ساخته می‌شود. بعد از تراشکاری و تمیزکاری از آن قالب فایبرگلاس تهیه می‌شود و سپس به جنس محکم‌تری تبدیل می‌گردد. می‌توان مجسمه را به برنز، فایبرگلاس یا بتن تبدیل کرد. وقتی که قالب را از کار جدا می‌کنیم، مدل آسیب می‌بیند ولی قالب بتنی موجود است.

● در کارگاه کار می‌کنید یا در محل نصب مجسمه؟

متأسفانه من کارگاه ندارم و اگر موردی پیش آید، مجسمه را در حیاط خانه‌ام درست می‌کنم.

● با دیدن کارهای شما احساس می‌کنم که از زنده

یاد علی‌اکبر صنعتی تأثیر گرفته‌اید و کارهای وی را مطالعه کرده‌اید.

هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که ایده همه کارها متعلق به

خودش است. قبل از دیستان وقتی برای دیدن اقوام به تهران می‌آمدیم، به موزه استاد صنعتی در توپخانه می‌رفتم و عاشق کارهای ایشان بودم.

● محضر ایشان را درک کردید؟

در آخرین نمایشگاهی که در تهران برگزار کردم، ایشان از نمایشگاه من بازدید کردند. من سعی کرده‌ام از هرکس چیزی یاد بگیرم.

● سهم علی‌اکبر صنعتی را در هنر مجسمه‌سازی ایران چقدر می‌بینید؟

ایشان در دنیای هنر برای من مقدس هستند. اول از این نظر که در شرایطی شروع به کار کردند که هیچ امکاناتی وجود نداشت و خیلی بیشتر از ما رنج کشیدند. ایشان خیلی برایم قابل احترام هستند.

● از لحاظ اینکه این هنر را ارتقا دادند چطور؟

اگر این افراد نبودند، فرایند کار عقب می‌افتاد و به‌طول می‌انجامید.

● در حال حاضر در ایران کدام جریان‌های مجسمه‌سازی حاکم‌اند؟ مثلاً آیا جریان مرحوم صنعتی جریان مستقلی است که می‌تواند پیروانی هم داشته باشد؟

مقصودتان از جریان‌های مجسمه‌سازی، به لحاظ سبک و شیوه کار و موضوع است یا مواد اولیه‌ای که استفاده می‌شود؟

● به لحاظ سبک و مواد مورد استفاده. اما قبل از پاسخ به این سؤال، سؤال



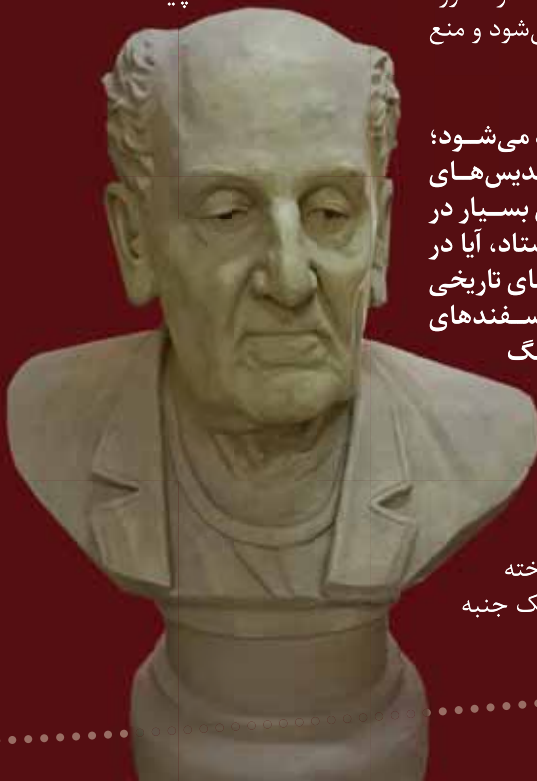
اروپا نتوانست به آن برسد و این آثار به معنای واقعی هنری هستند.

● بی‌دلیل نیست که به آنجا امپراتوری خاموش می‌گویند. در نهایت جمع‌بندی شما از جریان‌های موجود در ایران معاصر چیست؟

من تنها امیدوارم که ان‌شاءالله همه چیز سر جای خودش قرار گیرد. از استعدادها استفاده شود و به جای اینکه شهردار تصمیم بگیرد، هنرمندها و مشاهیر هم تصمیم بگیرند که نمادها و مجسمه‌های ما به چه صورت باشند.

● جای آموزش مجسمه‌سازی در مدارس ما خالی است. نظر شما چیست؟ چگونه می‌توانیم این موضوع را ترویج دهیم؟ این هنر به هر صورت مهجور است.

● خب شما چه راهکاری دارید؟ اگر در جایگاه برنامه‌ریز آموزش مجسمه‌ساز بنشینید، نظرتان چیست؟

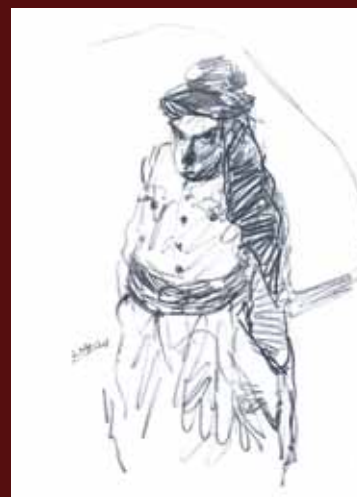


بوعلی را می‌خواهیم. متأسفانه این موارد مزاحمت ایجاد می‌کنند. انکار نمی‌کنیم که نظارت لازم است ولی محدودیت نیز ایجاد می‌کند. به این علت نسبت به اروپا مجسمه‌های داخل ایران بیشتر مشاهیر و بزرگان هستند و یا به اصطلاح مناسبی‌اند.

● پس گرایشی در آن‌ها وجود دارد؟ بله، هر جریانی که مستقر می‌شود، به‌طور طبیعی مجسمه‌های خودش را سفارش می‌دهد.

● پس بعضی مجسمه‌ها سفارش‌های دولتی هستند. بعضی هم مجسمه‌هایی هستند که مجسمه‌ساز برای دل خودش خلق می‌کند. آیا الان در ایران معاصر جریانی مشابه جریان‌های خوش‌نویسی داریم، یا اینکه مجسمه‌سازی هنری است که صرفاً از غرب تقلید می‌کند و فقط موضوعاتش را از ایران می‌گیرد؟ نظر آخری شما را می‌پسندم. علتش این است که ما توالی تاریخ مجسمه‌سازی نداریم. از دوره ساسانی به یکباره قطع می‌شود و منع شرعی پیش می‌آید.

● بله و خلاص بزرگی ایجاد می‌شود؛ با وجود اینکه ما تندیس‌های هخامنشی را با آن غنای بسیار در تخت جمشید داریم. استاد، آیا در جهان معاصر یا در دوره‌های تاریخی اثری به ظرافت پشم گوسفندهای تخت جمشید که با سنگ تراشیده شده‌اند داریم که بتواند با آن برابری کند؟ اجازه بدهید به شیری اشاره کنم که برای سرکله‌های ستون‌ها ساخته شده است. واقعاً از یک جنبه



مداد روی کاغذ - ۲۹ × ۲۱

دیگری مطرح می‌شود: آیا سوژه‌ها مواد مجسمه را تعیین می‌کنند یا برعکس؟ مثلاً آیا انتخاب برنز، بتن یا گچ متناسب با سوژه انجام می‌گیرد؟

این موضوع بی‌تأثیر نیست و معمولاً بین سوژه و مواد سازنده آن ارتباط مستقیم وجود دارد.

● در روش‌شناسی گفته می‌شود موضوع روش را تعیین می‌کند. دقیقاً. هر محتوایی قالب خودش را می‌طلبد و موضوع مجسمه نیز تابع همین موضوع است.

● حالا بازگردیم به جریان‌های موجود در ایران؛ چند جریان داریم؟

قضاوت ما روی دو بعد می‌تواند باشد. مجسمه‌های داخل شهر که در میدان‌ها و پارک‌ها هستند و به آن‌ها مجسمه‌های فضای باز گفته می‌شود و چون سفارش داده می‌شوند، برای ساخت آن‌ها آزادی عمل وجود ندارد. زیرا مجسمه‌ساز باید منتظر باشد تا شهرداری بگوید ما مجسمه

بخوایم مجسمه‌ساز شوم، چه نوع طراحی‌ای را باید دنبال کنیم؟ خوب این مراحل دارد. باید بتوانید از طریق طراحی، هرچه می‌خواهید بکشید و آزاد باشید.

اگر روی کاغذ نتوانید هرچه می‌خواهید بکشید، چگونه می‌توانید با مواد سختی مانند گچ کار کنید؟

● برای رونق گرفتن هنر مجسمه‌سازی در مدارس چه پیشنهادی به دبیران هنر دارید؟ به نسبت زمانی که در اختیار معلمان قرار داده می‌شود، نمی‌توان معجزه کرد. حداقل کاری که معلم می‌تواند انجام دهد، آشنا کردن هنرجویان با ارزش‌های هنری است؛ مثل دیدار از نمایشگاه‌ها و توضیح دادن در مورد آن‌ها.

● اگر بپرسند که کارکرد یک مجسمه در وسط شهر چیست، معلم چه پاسخی باید بدهد؟ یک مجسمه، یک نقاشی و یا هر اثر هنری دیگری، چکیده تجربه‌های حسی و بصری هنرمند است و هنرمند آن را از محیط خود دریافت کرده است. ما دنیایی را که او دیده و تجربه کرده است، به رایگان می‌بینیم و لذت زیبایی‌شناسانه (استاتیک) می‌بریم. معلم به راحتی می‌تواند این مطلب را به دانش‌آموز منتقل کند و او را علاقه‌مند سازد که اگر در آینده استعدادی داشت، با اعتماد در این مسیر قدم بردارد.

● می‌گویند در شعر الهام وجود دارد. در مجسمه‌سازی نیز چنین حس و حالی هست؟ خود ایماژ هنری یا تصویرسازی هنری هم چیزی شبیه الهام است اما کسی می‌تواند آن را دریافت کند که از نظر ذهنی آمادگی لازم را داشته باشد.

در وهله اول شک و تردیدها باید برطرف شوند. هنوز کسانی که تصمیم می‌گیرند و قانون‌گذار هستند، به تصمیم مشخصی در مورد مجسمه‌سازی نرسیده‌اند.

● اگر دبیر هنر مدرسه باشید، برای توسعه مجسمه‌سازی در سطح دانش‌آموزی چه می‌کنید؟ به نظر شما در آموزش مجسمه‌سازی زیر بنای آموزش چیست؟ زیر بنای هنرهای تجسمی و مجسمه‌سازی «طراحی» است.

● در حال حاضر دبیران هنر سر کلاس درس چگونه به دانش‌آموزان آموزش دهند که با طراحی، یک اثر سه‌بعدی ایجاد کنند؟ باید نظام آموزشی معقول باشد.

● شما در این زمینه چند تکنیک بفرمایید که دبیران بتوانند در کلاس استفاده کنند. من معتقدم دو دسته هنرآموز داریم: اول کسانی که استعداد دارند و می‌خواهند تخصصی کار کنند. در مورد این افراد استاد باید روی طراحی تأکید داشته باشد. هیچ چیز به اندازه طراحی، ستون‌های هنرهای تجسمی را استحکام نمی‌بخشد. طراحی مادر هنرهای تجسمی و مجسمه‌سازی است. من شاگردی دارم که در «کن» جایزه گرفته و علتش هم این است که اینجا در کلاس طراحی خوب کار می‌کرد.

● کدام طراحی به نقاشی خوب، و کدام طراحی به مجسمه‌سازی خوب ختم می‌شود؟ موضوع ختم شدن نیست. موضوع این است که از طریق طراحی، در چشم و دید حساسیت به وجود می‌آید؛ یعنی دید بصری پیدا می‌شود.

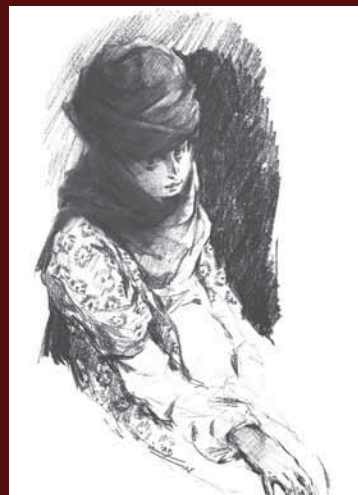
● سؤال این است که من اگر



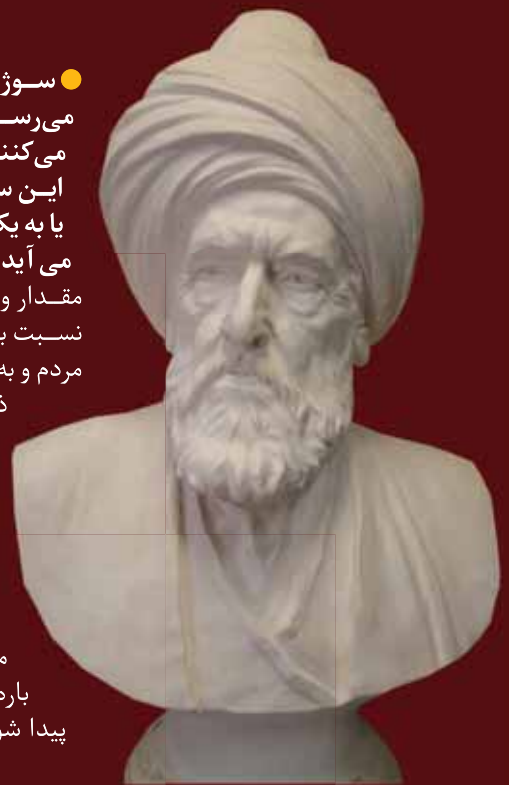
مداد روی کاغذ - ۲۹/۵ × ۴۱



مداد کنته و ذغال - ۲۹/۵ × ۴۱



مداد کنته و ذغال - ۲۹ × ۲۱



● سوژه‌هایی که به ذهن شما می‌رسند، چه فرایندی را طی می‌کنند؟ آیا زمینه‌های مطالعاتی این سوژه‌ها را شکوفا می‌کنند یا به یک‌باره سوژه به سراغ شما می‌آید؟

مقدار و درجه حساسیتی که فرد نسبت به محیط خود شامل مکان‌ها، مردم و به‌طور کلی همه مسائل دارد، ذهن او را حساس می‌کند و نمی‌گذارد که وی از محیط بی‌اعتنا بگذرد. این تعریف نیست، بلکه یک ویژگی است. این باعث می‌شود که خیلی چیزها نسبت به بسیاری از مسائل جمع شده و به یک باره لبریز شود و قالب و ایماژ آن پیدا شود.

● پیام شما به دبیران هنر چیست؟ مسئولیت‌پذیر باشند و در عرصه هنر به وظیفه خود عمل کنند. از رفتار گرفته تا نانو، در جامعه در حال خدمت هستند. به رغم سختی‌هایی که وجود دارد، مانند یک نانو که به وظیفه‌اش عمل می‌کند، شما هم یک معلم هنر خوب باشید و به وظیفه خود عمل کنید. سختی‌ها نباید مانع کار باشند.

● فرایند کوتاهی از ساخت یک تندیس را برای ما بگویید. چگونگی شکل‌گیری و انتخاب و تهیه مواد آن را برای ما بیان کنید. روال معمول به این صورت است که محتوایی با موضوع مشخصی در ذهن است. مجسمه‌ساز آن موضوع و محتوا را روی کاغذ طراحی می‌کند. ممکن است ۵۰ تا ۱۰۰ طرح از آن بزند تا به لحاظ ارزش‌های بصری، به نتیجه

● یعنی از محیطی باشد که ذوق هنری در آن تلطیف شده باشد؟ بله، باید کار کرده باشد و با ابزار بیان هنری آشنا باشد.

● جمع‌بندی شما این است که کسی خلق الساعه مجسمه‌ساز نمی‌شود. آیا شما خود چنین محیطی را تجربه کرده‌اید؟ آیا در محیط هنری بوده‌اید؟ من در کودکی و نوجوانی‌ام برخلاف همسالانم، به هیچ‌عنوان در پی بازی و تفریح نبودم و رنج بسیار بردم. دائماً با عشق و نه اجبار، در تنور خانه‌مان با خاک رس کار می‌کردم. آن موقع رسانه‌ها نمی‌توانستند به این وسعت اطلاع‌رسانی کنند.

● استاد، به‌نظر شما دست‌مایه اصلی هنر چیست؟ آیا رنج است؟ دست‌مایه اصلی هنر عشق است.





● هم استفاده کرده‌اید؟

من متأسفانه نه کلاس رفته‌ام و نه معلمی داشته‌ام که بتوانم از او سؤال کنم. همه چیز برای من تجربی بوده است. در مجموع، کارم را مدیون طراحی و نقاشی هستم. اگر طراحی بلد نبودم، نمی‌توانستم کار کنم. زیربنای کارم طراحی است.

● به‌عنوان پیام آخر، اگر نکته‌ای ناگفته باقی مانده است، بفرمایید.

خوشحالم که مجسمه‌ها و نتیجه تلاش‌های نسبی من توجه شما را جلب کرده است. این جواب آرزوهای من است.

● به‌نظر شما روزی می‌رسد که در ۷۰ هزار مدرسه ایران، ۷۰ هزار مجسمه از مشاهیر و بزرگان علم و ادب و هنر داشته باشیم و آیا نیروهای هنری کافی برای ساخت ۷۰ هزار مجسمه داریم؟

ان‌شاءالله؛ اگر هم هنرمند نداشته باشیم، باید تربیت کنیم.

● استاد از بیانات شما استفاده کردیم و بسیار سپاسگزارم.

مطلوب برسد. بعد از طراحی، ماکت تهیه می‌شود. بعد از تهیه ماکت، مقیاس‌ها را به هر اندازه که لازم باشد بزرگ می‌کند و از آن ماکتی با گچ می‌سازد.

● این مراحل چشمی است یا از دستگاه اوپک استفاده می‌کنید؟

همه به‌صورت بصری انجام می‌شود.

● اسکلتهایی که داخل تندیس‌ها هستند، به چه کار می‌آیند؟

نگهدارنده‌اند. نسبت به سنگینی و عدم تعادل خود مجسمه، از مفتول، میل‌گرد و مانند آن استفاده می‌شود. ماده سازنده در ابتدا گچ است و در ادامه به موادی مثل فایبرگلاس، بتن یا بتن گلاسه تبدیل می‌شود.

● عمر مجسمه‌ها با توجه به این مواد چه قدر است؟

بستگی به این دارد که فاصله میل‌گردها و... رعایت شود و مناسب باشد. بتن به‌خوبی و بیره شده تا حباب‌ها و هر چه ناخالصی است، از آن خارج شده و اصول تهیه بتن رعایت شود.

● شما سالیان زیادی است که مجسمه‌سازی می‌کنید. این تجربیات را خودتان به‌دست آورده‌اید یا از تجربیات مجسمه‌سازان بزرگ

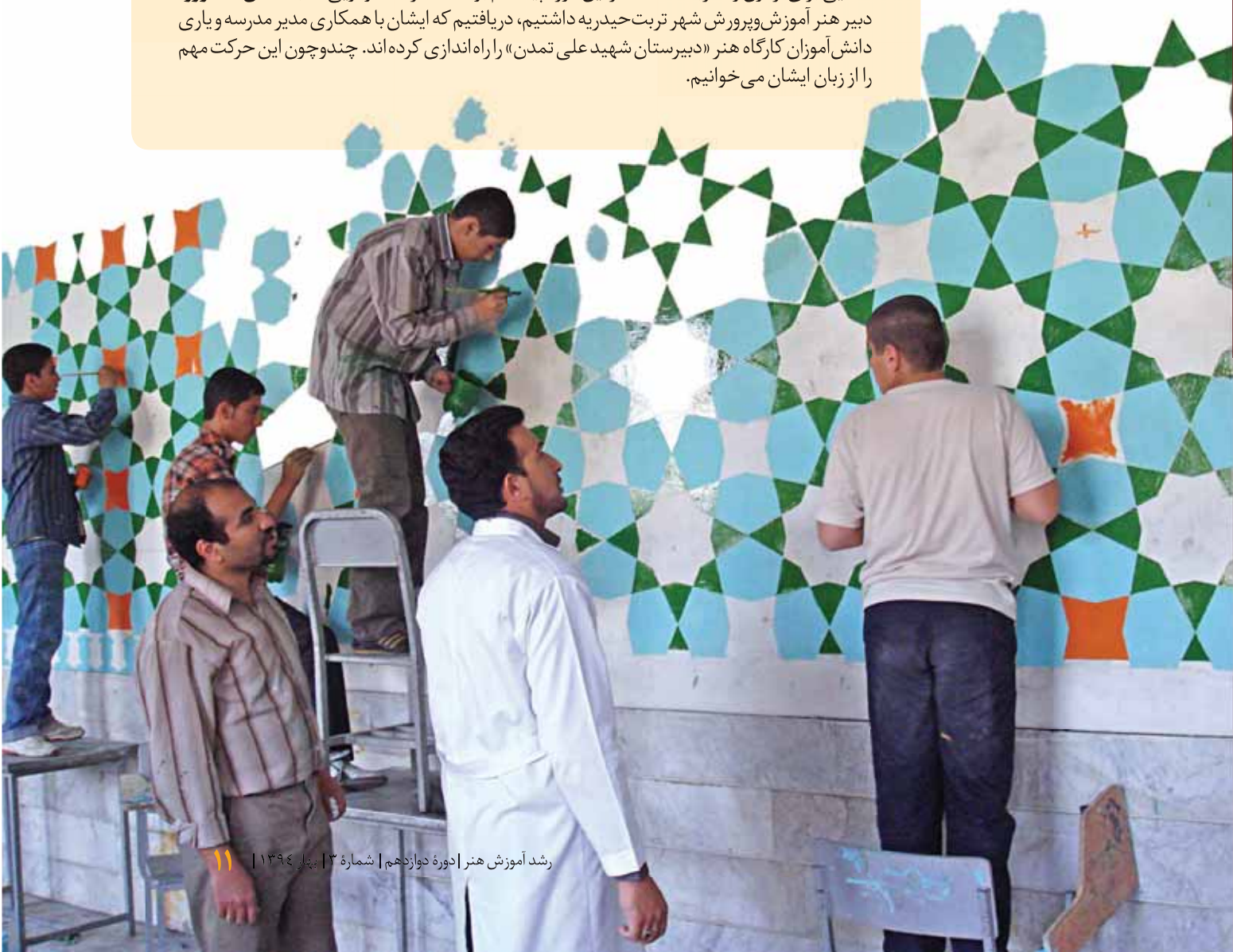
کارگاه هنر پلی برای خلاقیت و تجربه دانش‌آموزان

پای صحبت حسن کشاورز، دبیر هنر مدرسه تمدن تربت حیدریه

رشد آموزش هنر

اشاره

در شماره‌های قبلی ضرورت ایجاد مکانی با نام «کارگاه هنر در مدرسه» مطرح می‌شد. خوش‌بختانه دبیران و مدرسان هنر چون از تأثیر و ارزش چنین مکانی برای تلطیف و شکوفایی حس زیباشناختی و فضایی برای آزمون و تجربه آگاه‌اند، در این مورد پیشگام بوده‌اند. در گفت‌وگویی که با حسن کشاورز، دبیر هنر آموزش و پرورش شهر تربت حیدریه داشتیم، دریافتیم که ایشان با همکاری مدیر مدرسه و یاری دانش‌آموزان کارگاه هنر «دبیرستان شهید علی تمدن» راه‌اندازی کرده‌اند. چندوچون این حرکت مهم را از زبان ایشان می‌خوانیم.



در اینجا لازم می‌دانم از
این استادان یادی کنم تا
گوشه‌ای از دین خود را
نسبت به آنان ادا کرده باشم

● لطفاً خودتان را معرفی کنید و سابقه هنری خود را بیان بفرمایید؟

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما و همکاران محترمتان در مجله «رشد آموزش هنر» و همچنین همکاران فرهنگی که در سراسر این مرز و بوم به آموزش و پرورش آینده‌سازان این مملکت مشغول هستند.

این جانب حسن کشاورز دبیر هنر دبیرستان علی تمدن (متوسطه اول) شهرستان تربت حیدریه، استان خراسان رضوی هستم. ۱۸ سال است که به امر تدریس درس هنر اشتغال دارم. تحصیلات دانشگاهی خود را در «مرکز تربیت معلم شهید بهشتی مشهد» در رشته آموزش هنرهای تجسمی آغاز کردم و پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۷۷، به تدریس هنر مشغول شدم. سپس در «دانشگاه عالی فرهنگیان شهدای مکه» در تهران ادامه تحصیل دادم و آن گاه در «دانشگاه سوره» در رشته صنایع دستی، دوره کارشناسی ارشد را به پایان رساندم.

● درباره تدریس هنر و پیدا شدن ایده راه اندازی کارگاه بفرمایید؟

این فعالیت با راهنمایی‌ها و هدایت استادان

گرامی‌ام در سال‌های تحصیلی در ذهنم نقش بسته بود و بارها برای انجام آن تلاش کرده بودم، ولی به دلایل مختلف کاملاً محقق نمی‌شد. تا اینکه در سال تحصیلی جاری با همکاری مدیریت محترم دبیرستان، جناب آقای منتظری‌نیا امکان پذیر شد و «کارگاه تخصصی هنر» (کلاس موضوعی درس فرهنگ و هنر) را در مدرسه تجهیز و راه اندازی کردیم.

از جمله عنایات خداوند نسبت به خودم را برخورداری از محضر استادانی با تجربه و مو سپید کرده در آسیاب آموزش می‌دانم. آن‌ها مشکلات این مسیر را به بنده و سایر دوستانم گوشزد می‌کردند و این باعث شد از همان ابتدا به دنبال راه حل مشکلات باشم.

در اینجا لازم می‌دانم از این استادان یادی کنم تا گوشه‌ای از دین خود را نسبت به آنان ادا کرده باشم. در مرکز تربیت معلم شهید بهشتی باید از استاد خوش‌نویسی و الگوی اخلاق که فیوضات فراوان از ایشان به تمامی دانشجویان رسیده است، جناب استاد کریمی نام ببرم. همچنین از استاد خلیلی، استاد مهدوی، استاد رزاقی و استاد فرهنگیان و در دوره کارشناسی در «مرکز شهدای مکه» از استاد مرادی، استاد رضایی،

گردش علمی از ریاط طلیس، آبان ۱۳۹۳





کارگاه تخصصی هنر، مهرماه ۱۳۹۳

**به طراحی و رنگ آمیزی
مدرسه با نقوش هندسی
اسلامی و به شیوه قدیم
دست زدیم که تجربه ای
موفق و به یادماندنی برای
من و دانش آموزانم شد**

تغییر فرم چیدن میزها در کلاس برای اجرای بخش طراحی و خوش نویسی، یا تهیه و استفاده از لوازم تخصصی طراحی و خوش نویسی توسط دانش آموزان، انجام فعالیت های هنری در اندازه بزرگ و کاربردی، برگزاری اردوها و گردش های هنری در مکان های تاریخی شهرستان و...

با مشاهده تأثیرات و لذتی که دانش آموزان از برگزاری این برنامه ها می بردند، بیشتر به اجرای این هدف، یعنی اختصاص فضایی خاص در مدرسه به درس هنر، ترغیب شدم. البته مشکلاتی در این بین هست که همگی از آن ها واقفیم.

از جمله تجربه های لذت بخشی که برای همیشه در ذهنم خواهد ماند، این است که در سال ۱۳۸۸، با نگاهی خاص به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر توجه ویژه به «تزیینات و معماری اسلامی» و با حمایت مدیران محترم، آقایان **میرزاییگی** و منتظری نیا در مدارس «علی تمدن» و «علامه جعفری» که به صورت دو شیفت صبح و عصر در همین آموزشگاه برگزار می شدند، به طراحی و رنگ آمیزی مدرسه با نقوش هندسی اسلامی و به شیوه قدیم دست زدیم که تجربه ای موفق و به یادماندنی برای من و دانش آموزانم شد. متأسفانه در سال ۱۳۸۹ بر اثر زلزله به مدرسه

استاد زارعی، استاد آقامیری، استاد فتاحی و در دوره کارشناسی ارشد از استاد قلیچ خانی و سایر استادان یاد کنم که قدردان و مدیون آنان هستم، زیرا که «من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا». هر چند همیشه با خود می گویم: قدر استاد نکو دانستن

حیف! استاد به من یاد نداد

● **درباره اهداف و انگیزه های راه اندازی کارگاه برای همکاران هنر سایر نقاط را بیان کنید.**

انگیزه ما برای راه اندازی کارگاه حل مشکلاتی بود که من و اکثر همکاران مدرس درس هنر با آن ها مواجه هستیم؛ مانند وضعیت خاص فیزیکی در انجام بعضی فعالیت های هنری، چون طراحی و خوش نویسی که به فضای بیشتری نیاز دارند. یکی دیگر از این عوامل تغییر کتاب های هنر در دو سال اخیر است که رویداد مهم و مبارکی برای درس هنر محسوب می شود.

در طول دوران تدریس تجربیات آموزنده و با ارزشی کسب کرده ام که از جمله آنان به این موارد می توانم اشاره کنم (البته می دانم اکثر همکاران عزیز این تجربیات را خود آزموده اند):

خوش بختانه مدیریت مدرسه نیز از عزیزان فعال در عرصه هنر هستند

آسیب جدی رسید و بر اثر مرمت دیگر از نقوش
آثاری باقی نمانده است.

● درباره حضور خود و دانش آموزان در فعالیت های هنری در سطح شهر بفرمایید.

در سال تحصیلی جدید (۹۴-۹۳) در شهرستان
تربت حیدریه شاهد دو رویداد بزرگ هنری بودیم.
اولین رویداد برگزاری جشنواره فیلم و عکس
سینمای جوانان کشور و دومین و تأثیرگذارترین
آن ها، برگزاری جشنواره خوش نویسی قیام قلم
با حضور استادان خوش نویسی کشور بود که با
توجه به بازدید دانش آموزان از این نمایشگاه ها و
دیدن آثار خوش نویسان کشوری سبب شد، آن ها
به انجام فعالیت های هنری علاقه مند شوند.

خوش بختانه مدیریت مدرسه نیز از عزیزان
فعال در عرصه هنر هستند و با حمایت های
ایشان و تجربیات موفق سال های قبل و همیاری
دانش آموزان، موفق به ایجاد این کارگاه هنر
شدیم. از همان آغاز به کار کارگاه، تأثیرات و
تغییراتی کیفی در آثار دانش آموزان مشاهده
کردیم.

● هزینه ها و نیازهای اقتصادی این برنامه را

چگونه تأمین کردید؟

درباره هزینه ها باید بگوییم، ما سعی در به حداقل
رساندن هزینه ها داشتیم. مثلاً برای آماده سازی
کارگاه از هم یاری دانش آموزان، برای تزئینات از
پوسترها و عکس هایی که برای یادبود و آشنایی
بازدیدکنندگان به صورت رایگان توزیع می شد،
استفاده کردیم. تعدادی کتاب هنری را نیز از
دانش آموزانی که در رشته هنری تحصیل کرده
بودند و دیگر کتاب های خود را لازم نداشتند،
گرفتیم تعدادی را نیز از کتابخانه شخصی خودم
آوردم.

البته از حمایت های «انجمن اولیا و مربیان»
و همچنین معاونت مدیرکل و مدیریت محترم
آموزش و پرورش، جناب آقای نیرویی برخوردار
بودیم.

● دلیل اهمیت و ضرورت توجه به درس هنر را در چه می دانید؟

همان طور که همه عزیزان و همکاران فرهنگی
دست اندرکار تعلیم و تربیت می دانند و به شهادت
اکثر تحقیقات علمی و زمینه روان شناسی رشد
و تربیتی، فردی در آینده موفق می شود و به
کمال می رسد که از لحاظ ذهنی و حرکتی به



بازدید از مقبره عارف قطب الدین حیدر، ۱۳۹۳



تزئین دیوار مدرسه با نقوش اسلامی در تربیت حیدریه، ۱۳۸۵

یکی از نکات مثبت کتاب‌های جدید که وجود کارگاه تخصصی هنر را برای این درس ضروری می‌کند، معرفی رشته‌های هنری است

می‌شوم که در این سال‌ها فرصتی دست داده است که شاهد تغییراتی در کتاب و ساعات درس هنر باشیم. بیایید از این فرصت استفاده کافی و لازم را ببریم. دیدگاه‌های گذشته نسبت به درس هنر را اصلاح کنیم و باعث ارتقای هنری مدارس و در نتیجه نسل و جامعه آینده شویم. این را بدانیم، هنگامی که انسان در اندیشه خود نیت کار خیر و مثبتی را داشته باشد، یاری خداوند مداوم و بدون اندکی تأخیر به او می‌رسد و ان شاء الله آن اندیشه در اندک زمانی به ظهور و موفقیت خواهد رسید. امیدوارم شاهد روزی باشیم که تمامی مدارس کشورمان به کارگاه‌هایی استاندارد برای تمامی درس‌ها مجهز شده باشند.

● در پایان اگر مطلبی دارید بفرمایید.

در پایان فقط به ارائه این پیشنهاد بسنده می‌کنم که در وزارت آموزش و پرورش ما به استانداردهای جدید ساختمانی، چه از لحاظ ابعاد و چه از نظر تزئینات نیاز داریم؛ البته با توجه و مطالعه پیشینه فرهنگی و معماری کشورمان که برگرفته از فرهنگ اسلامی و ایرانی میهن عزیزمان است. این مهم فقط با تغییر و به‌روز شدن استانداردهای ساختمانی ستاد نوسازی مدارس امکان‌پذیر است.

همانگی درونی دست یافته باشد. در یک فعالیت هنری ما شاهد ظهور و شکوفایی انواع گوناگون ابعاد هوش انسانی (زبانی، حرکتی- جسمانی، منطقی- ریاضی، مکانی، میان فردی، درون فردی، طبیعت‌گرا و موسیقایی) هستیم که هر یک می‌تواند مشخص‌کننده آینده شغلی و اجتماعی دانش‌آموز و عامل طی کردن پله‌های ترقی توسط آنان شود. به این ترتیب، طبعاً آینده‌ای روشن و امیدوارکننده در انتظار کشور عزیزمان خواهد بود؛ ان شاء الله.

یکی از نکات مثبت کتاب‌های جدید که وجود کارگاه تخصصی هنر را برای این درس ضروری می‌کند، معرفی رشته‌های هنری است؛ رشته‌هایی که ریشه در گذشته پر تالو و تابناک فرهنگ و تمدن باستانی کشور عزیزمان ایران دارند، همانند سفالگری، گلیم‌بافی، گره‌چینی ... و

● پیام شما برای سایر همکاران گرامی چیست؟

من کوچک‌تر از آن هستم که برای دوستان و همکاران گرامی و سخت‌کوشم که بسیاری از آنان از بنده با تجربه‌تر و متبحرتر هستند، بخواهم پیامی داشته باشم. فقط همین نکته را متذکر

آشنایی با نگارگری ایران استاد محمد طریقتی

کاوه تیموری

اشاره

نگارگری، تذهیب و نقاشی ایرانی در شمار هنرهای سنتی فاخری هستند که با روح و ضمیر هر ایرانی تناسب و همخوانی کم‌نظیری دارند. کمتر هنردوستی وجود دارد که از دیدن تابلوهای فاخر نگارگری و مینیاتور و تابلوهای شکوهمند تذهیب به وجد نیاید و انبساط خاطر را تجربه نکند.

نگارگری منحنی حس لطیف نگارگر است که از نوک خامه ریزنقش او در رقصی موزون، جلوه‌های زیبای طبیعت را همراه با شکوه رنگ‌ها به ارمان می‌آورد. در دهه‌های پس از انقلاب، این هنر رشد خیره‌کننده‌ای را تجربه کرده و کسانی را که در این عرصه نام‌آور شده‌اند، می‌توان حاصل محیط اجتماعی و فرهنگی این دهه‌ها دانست. محمد طریقتی نگارگری نام‌آشنا و رشدیافته است که بسیاری از نقش‌های مانا و پر از حس و لطافت، از آثار او هستند. در این مقاله با زندگی و آثار وی آشنا می‌شوید.

کلیدواژه‌ها: نگارگری، تذهیب، سلوک، هنری، تحلیل و نقد آثار هنری



مقدمه

محمد طریقتی اگر چه تذهیب کار و نگارگر است، تلاش و سلوک هنری او حداقل از سال ۱۳۶۱ ارتباط تنگاتنگی با هنر خوش نویسی داشته است. او به دلیل همکاری با بخش نمایشگاه های «انجمن خوش نویسان» ارتباط مستمری با اعضای این انجمن داشت و هم اکنون نیز این ارتباط برقرار است.

بسیاری از آثار خوش نویسان معاصر با قلم موها و جدول کشی ها و پاسپارتوی طریقتی ارائه شده اند. طریقتی دست تندی در تذهیب دارد و سرعت عمل در «دست خودکار» او باعث شده است که خوش نویسان برای تذهیب آثارشان زیاد در انتظار نمانند.

در بخش انتشارات انجمن خوش نویسان، آن هم در سال ۱۳۶۷، کتابی با نام «رقم مهر» انتشار یافت. عمده آثار مندرج در این کتاب با تعداد ۶۰ قطعه توسط تعدادی خوش نویس نگاشته شده بود، اما طریقتی هنرمندی بود که با قدرت دست و ایجاد تنوع لازم، اکثر آن قطعات را به تنهایی به زیور تذهیب آراسته بود. او هنرمندی است که در طول ۲۵ سال گذشته به سبب کارمندی در بخش فرهنگی انجمن، توانسته است ارتباط خود را با خوش نویسان حفظ کند. باید اذعان کرد که هم پایه رونق خط و ارتقای کیفی خطوط خوش نویسان، آثار هنری استاد طریقتی نیز در حال رشد بوده است.

او به موازات حضور در بخش فرهنگی انجمن، مسئولیت کلاس های آموزش تذهیب را نیز در دو دهه گذشته عهده دار بوده است. هم اکنون شاگردانی به شیوه او و در سطح بالا، آثار خوش نویسان را با قلم موی تذهیب خود درمی نوردند و لباسی موزون از ختایی، اسلیمی، لچک و عطفوت رنگ بر قامت قطعات می پوشانند.

زمینه اجتماعی

توفیق اصلی طریقتی در شکوفایی هنرش این بود که تنها تذهیب کاری است که در قلب خوش نویسان کشور کار می کند. در واقع، سیل سفارش های هنرمندان خطاط به خاطر دم دست بودن او، شامل حالش شده است؛ در حالی که سفارش انجام شده ای را به خوش نویسی تحویل می دهد، در همان حال قطعه تازه ای را برای تذهیب سفارش می گیرد. مقایسه وی با سایر تذهیب کاران ناشناخته که حتی پس از سال ها تمرین و تحصیل هنر تذهیب، سفارش های محدودی را به دست می آورند، وجه شناخته شدن او را در میان خوش نویسان بهتر نمایان می سازد. این نکته هویت



گل و مرغ ۲۵×۳۵

اجتماعی هنر را نیز مشخص می کند. اصولاً بستر و زمینه اجتماعی در شکوفایی هنر هنرمند عامل مستقیم و مؤثری است.

طریقتی به عنوان مسئول امور نمایشگاهی انجمن خوش نویسان، ارتباط مستمر خودش را با خوش نویسان حفظ و گسترش داد و به همین دلیل، هم توانایی هنری و پویایی خود را تقویت کرد و هم توانمندی مالی مناسبی را برای خویش فراهم ساخت و با فراغت و آسایش بیشتری در گلستان تذهیب و تشعیر، قلم موی خیال انگیز خود را به حرکت درآورد. این حلقه اتصال به کلیه مراکز هنری مرتبط با تذهیب و خوش نویسی موجب حضور پررنگ او در جشنواره ها و رخداد های هنری مرتبط شده است.

او هنرمند پرکاری است که آزمون های سخت و تجربه های دشواری را در عرصه تذهیب آثار از سر گذرانده و کار نیمه تامی در کارنامه او دیده نمی شود.

زمانی که **جواد بختیاری** تابلوهای ۸۰ × ۱۵۰ خود را با قلم پارویی و کتیبه به طریقتی می سپرد، او نیز با هنرنمایی ویژه ای، یک تنه تمام آن ها را به زیور تذهیب و تشعیر می آراست. این کار به راحتی از هر کسی بر نمی آمد. در آن دسته از کارها که به

شناسایی کرد. اگر به او پرکارترین تذهیب‌کار معاصر لقب دهیم، شاید برای این جایگاه کسی با نویسنده مخالفت نکند. او این توفیق را داشته است که خوش‌نویسان تراز اول کشور، از جمله **استاد امیرخانی**، به‌وفور آثارشان را برای تذهیب به وی سپرده‌اند. سال‌هاست که خوش‌نویسان ما با تذهیب او الفت گرفته‌اند. به تعبیری او احتیاجات قطعات خوش‌نویسان را با زبان تذهیب به‌خوبی رفع‌وجوع می‌کند. نقش‌طریقتی در احیای تذهیب نیز اهمیت دارد.

«در دهه پنجاه و شصت تذهیب‌کاران برجسته با خوش‌نویسی ارتباط برقرار نمی‌کردند و آنچه وجود دارد بسیار محدود است. کاری که محمد طریقتی با همان توشه و توان دهه شصت انجام داد، آشتی دادن خط با تذهیب بود. وی در این دهه به تعداد قابل توجهی، قطعات معاصران را تذهیب می‌کرد و به‌عنوان احیاکننده تذهیب در کنار خط بود.» (گفت‌وگو با کیوان شجاعی، ۹۳/۷/۱۴)

شاید او از تأثیر اجتماعی این تلاش آگاه نبود، ولی انصافاً این حرکت خدمتی شایسته به توسعه تذهیب کرد. در واقع نگهداشت تذهیب در کنار خط و از بین رفتن این ویژگی از خدمات اوست.

«حتی داشتیم تذهیب‌کاران برجسته‌ای که می‌گفتند تذهیب خود را فدای خط نخواهیم کرد؛ و با اینکه فعالیت نگارگری آن‌ها معطوف به شاخه مینیاتور بود لذا به تذهیب آثار خوش‌نویسی رغبت نشان نمی‌دادند» (پیشین).

بنابراین از این منظر کار هنری طریقتی و اهتمام جدی برای ماندگاری تذهیب در کنار خط از کارهای ویژه اوست.

زندگی‌نامه و سلوک هنری

محمد طریقتی در سال ۱۳۳۷ در رودسر گیلان به دنیا آمد. سرزمین سرسبز گیلان که به‌خودی خود یکی از زیباترین شعرهای آفرینش است، اولین جرعه‌های ذوق هنری را در وی مایه‌ور کرد. باین حال، او به‌محض اینکه قدرت پرواز یافت، به مرکز کشور مهاجرت کرد. در اولین سال‌های دهه ۱۳۶۰، عباس بنی‌عامریان (مدیر اجرایی انجمن) او را در بخش نمایشگاه‌های انجمن خوش‌نویسان به کار گماشت و هم‌زمان از توانایی هنری او در انجمن استفاده کرد.

طریقتی درس تذهیب و نگارگری را در محضر زنده‌یاد **استاد بیوک احمدی** (۱۳۸۷-۱۲۹۹) آغاز کرد و با صرف سه سال وقت، رموز و ریزه‌کاری‌های این هنر را از او آموخت. طریقتی در ادامه آموزش به شیوه نگارگری و مینیاتور **استاد محمدباقر آقامیری** و **استاد مجید مهرگان** متمایل شد ولی تأثیر بیشتر شیوه احمدی را بر



گل و تشعیر ۲۵×۳۵

نمایش درآمدند، طریقتی تحت تأثیر **استاد مجید مهرگان**، آن‌ها را به قلم‌موی تذهیب خود کشیده بود.

تمام این موارد که به‌شمار آن‌ها می‌توان افزود، ارزش تشکلهای هنری را در مایه‌ور کردن و بروز استعداد هنرمندان نشان می‌دهد. زیرا اگر تشکل مطرحی مانند انجمن خوش‌نویسان ایران نبود، شاید تکوین شخصیت هنری طریقتی این‌گونه شکل نمی‌گرفت.

شیوه شناخته‌شده

شیوه تذهیب طریقتی شیوه‌ای شناخته شده است. آثارش به‌ویژه از یک دهه گذشته (۱۳۸۰) شناسنامه ویژه خود را نزد اهل هنر یافته است. تذهیب طریقتی مردمی و فراگیر است. هنر او به مدد چاپ گسترده کتاب‌های انجمن خوش‌نویسان ترویج و توسعه یافته و همین نکته سیل سفارشات را برای وی به ارمغان آورده است. در دهه ۱۳۶۰، او دوست داشت خوش‌نویسی را نیز آموزش ببیند که این توفیق را نیافت، ولی همین درگیر شدن با خط به او در انتخاب تذهیب برانزده و آرایه‌های نگارگری کمک شایانی کرد.

طریقتی تذهیب‌کار پرکاری است و به احتمال زیاد نمی‌توان تعداد واقعی کارهای او را احصا و



غلامحسین امیرخانی، تذهیب با همکاری مجید مهرگان

۳. صحیفه هستی، به خط استاد غلامحسین امیرخانی

۴. کلیات سعدی، به خط فتحعلی حجاب، به قطع سلطانی

۵. مثنوی معنوی، به خط سیدعلی سجادی، به قطع سلطانی

۶. آلبوم صبح امید، به خط استاد امیر فلسفی، به قطع وزیری

۷. آلبوم سحر شب، به خط استاد جواد بختیاری

۸. شاهنامه فردوسی (داستان زال و رودابه)، به خط استاد فردای

۹. شاهنامه فردوسی (دفتر دانایی)، به خط استاد شیرازی

۱۰. تضمین گلچین سعدی، به خط استاد غلامحسین امیرخانی با مقدمه دکتر حسین الهی قمشه‌ای

۱۱. گلشن راز، به خط اسماعیل نیکبخت، با مقدمه دکتر حسین الهی قمشه‌ای

۱۲. زندگی زیباست، به خط استاد جواد بختیاری

۱۳. آلبوم استاد شهریار، به خط اسرافیل شیرچی

۱۴. آلبوم رباعیات باباطاهر، به خط استاد کابلی

(ج) حضور در نمایشگاه‌ها

گل و تشعیر ۳۵×۲۵



کارهای وی می‌توان ملاحظه کرد. طریقتی به خاطر آشنایی با چاپ و داشتن ششم پیش‌بینی نهایی و درک چشم‌انداز قطعه چاپ‌شده، تناسب لازم را با تذهیب برقرار می‌کند. آثار او بعد از چاپ زیباتر جلوه می‌کنند.

استاد طریقتی در هم‌خوانی سلوک هنری و محیط خانوادگی نیز توفیق قابل توجهی داشته است. تذهیب و نقاشی ایرانی در متن زندگی او جاری است. چه در محل کار و چه در خانه و کاشانه شرایط خلق اثر هنری برای وی مهیاست. به‌ویژه در اتاق انتهایی خانه‌اش همواره چراغ روشن است و با نوازی آرام موسیقی و همراهی همسری مهربان، مانعی برای تداوم کار هنری او وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد مساعد بودن فضای فرهنگی خانواده در فهم و هضم سلوک هنری هنرمند متغیری اثرگذار و تعیین‌کننده است؛ متغیری که طریقتی به مدد همسر علاقه‌مند و دو‌پسرش (مهران و مهرداد) از آن بهره و تأثیر شایسته برده است.

حاصل تلاش هنری طریقتی و دست یافتن او به مرزهای تذهیب و نگارگری نکته‌ای است که قضاوت آن با اهل فن است؛ اما کار طریقتی در تأثیرگذاری بر فضای خوش‌نویسی کشور و بالا بردن عیار زیباشناختی آثار خط به مدد تذهیب، کاری مثبت و درخور توجه است. اهل خط می‌دانند تذهیب در شکوفایی خط و به دل نشاندن آن نزد بیننده، جایگاهی مهم دارد و طریقتی از کسانی است که در کنار سایرین نقش قابل توجه‌تری دارد.

محمد طریقتی به شکل مشخصی در تولید آثار خود تحت تأثیر محیط زیست و زندگی خود یعنی گیلان (رودسر) واقع شده است. این ویژگی به آثار هنری او جلوه و جلای زیبا بخشیده است. به همین سان آثار او می‌تواند تداعی آن نقطه سبز و زیبا را فریاد آورد.

آثار و کتاب‌های تذهیب شده به اختصار

الف) برخی از قرآن‌ها

۱. قرآن مرحوم استاد احمد نجفی زنجانی، قطع جیبی، وزیری، رحلی

۲. قرآن مرحوم استاد سیف‌الله یزدانی، نستعلیق، قطع رحلی

۳. قرآن مرحوم استاد نیریزی، نسخ، قطع سلطانی، رحلی و وزیری

۴. قرآن کاظم صادق نجفی، قطع رحلی، رقعی، وزیری و سلطانی

ب) آثار ادبی

۱. هزار فراز (شاهنامه فردوسی) به خط استادان و مدرسان انجمن خوش‌نویسان ایران

۲. خواجوی کرمانی (اشعار)، به خط استاد



تذهیب و ترنج ۳۰×۴۰

۱۳۶۴: کنگره انجمن خوش‌نویسان ایران
 ۱۳۶۶: کنگره انجمن خوش‌نویسان ایران
 ۱۳۶۶: موزه لاهور
 ۱۳۶۸: کنگره انجمن خوش‌نویسان ایران
 ۱۳۶۴: انجمن فرهنگی ایران - ایتالیا
 ۱۳۶۸: کنگره بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی
 ۱۳۷۰: کنگره بزرگداشت خوش‌نویسان ایران
 ۱۳۷۱: سمینار انجمن خوش‌نویسان ایران
 ۱۳۷۲: نمایشگاه دوسالانه نگارگری
 ۱۳۷۴: نمایشگاه دوسالانه نگارگری
 ۱۳۷۵: پنجمین نمایشگاه قرآن کریم (بخش هنری)
 ۱۳۷۶: هفتمین نمایشگاه قرآن کریم (بخش هنری)
 ۱۳۷۷: هشتمین نمایشگاه قرآن کریم (بخش هنری)
 ۱۳۷۶: نمایشگاه خوش‌نویسی جهان اسلام، موزه هنرهای معاصر
 ۱۳۷۹: مجمع‌نمایندگان انجمن خوش‌نویسان ایران
 او سال‌هاست به هنر نگارگری (تذهیب، تشعیر، گل و مرغ و نقاشی ایران) مشغول است و حاصل تلاش وی در این سه دهه، تذهیب ۱۶۸ جلد کتاب هنری، ادبی و عرفانی (حافظ، خیام، خواجه‌ی کرمانی، نظامی گنجوی، شاهنامه

فردوسی، مولوی و...) است. وی تذهیب آثار انجمن خوش‌نویسان ایران، تذهیب ۲۶ جلد آلبوم (مرقع یا فولدر)، تذهیب و تشعیر بسیاری از قطعات استادان خوش‌نویسی را به مناسبت برگزاری کنگره‌ها و سمینارها (کنگره فردوسی، حافظ، خیام، خواجه‌ی کرمانی، نظامی گنجوی و...) در کارنامه خود دارد.

بالغ بر تذهیب ۱۶۸۰ قطعه خوش‌نویسی و پوستر نیز حاصل تلاش و فعالیت او در این مدت بوده است.

وی در دوران نوجوانی به نقاشی رنگ‌روغن گرایش داشت و پس از کسب تجربیاتی در این زمینه، احساس کرد، تصویرگری سنتی و توجه به هنرهای غنی گذشته، نیازهای درونی او را بیشتر ارضا می‌کند. از این‌رو برای کسب تحصیل به تهران آمد. پس از پایان دوره متوسطه و در ضمن کار به مطالعه آثار قدما و پرداخت و از سرینجه استادان بزرگواری چون احمري و مهرگان و نیز آثار استاد فرشچیان، محمداقصری آقامیری و استادان قدیمی تر نظیر رضا عباسی، بهزاد و آقامیرک خوشه‌چینی کرد.

هم‌زمان به‌عنوان مسئول نمایشگاه‌های انجمن خوش‌نویسان ایران مشغول به کار شد و از این رهگذر توفیق یافت که آثار بزرگان و پیش‌کسوتان خط و خوش‌نویسی را (که از دیرباز ارتباط تنگاتنگی با هنر تذهیب داشته‌اند) به آرایه‌های زیبا بیاراید. همچنان تا آنجا که توان و بضاعت او اجازه می‌داد، به مدت ۲۵ سال به هنر نگارگری پرداخت که هم‌اکنون نیز هنر جوان زیادی در این زمینه با او ارتباط دارند و از طریق کلاس‌های حضوری و مکاتبه‌ای در انجمن خوش‌نویسان ایران، تدریس کلاس‌های نگارگری، در شاخه‌های تذهیب، تشعیر و گل و مرغ و نقاشی ایرانی (میناتور) را عهده‌دار است.

استاد طریقتی در نمایشگاه‌های انجمن خوش‌نویسان ایران در کشورهای فرانسه، آلمان، آذربایجان، لبنان، تونس (۱۳۸۷)، بحرین (۱۳۸۶)، سوریه، انگلیس، پاکستان و ترکیه (آنکارا، استانبول) و در نمایشگاه‌های داخلی شرکت داشته است و در پنجمین نمایشگاه قرآن کریم، به‌عنوان خادم قرآن کریم (تذهیب قرآن کریم) در مقام اول، لوح افتخار و تقدیرنامه‌ای از ریاست‌جمهور وقت دریافت کرد. همچنین او در سفری همراه با استاد جلیل رسولی (در سال ۱۳۸۵) به کانادا رفت و در چند شهر نمایشگاه نگارگری برپا کرد.

باید به نقش طریقتی به‌عنوان کسی که با مؤانست با خوش‌نویسان و قطعات آن‌ها، موجبات تلفیق و ترکیب هر چه بهتر تذهیب را با خوش‌نویسی فراهم ساخت، اشاره کرد. این نقش در مورد هنر کتاب‌آرایی نیز قابل توجه است؛ زیرا فعالیت





گل و مرغ ۳۵×۲۵

اصفهان به اوج و کمال خود رسید که معمولاً تصاویر حیوانات مختلف، پرندگان، فرشتگان، درویش، چوپان و گوسفندان و... فرم‌های مختلف در آثار این دوره مشهود است. روش سیاه‌قلم (طراحی) به‌وسیله رضا عباسی نیز به اوج خود رسید. در این دوره، هنرمندان علاوه بر قدرت قلم و مهارت فنی و تکنیکی، خطوط و رنگ و طرح را با احساس عمیق و درکی عرفانی از طبیعت و هستی طراحی می‌کردند. گویی طرح‌ها می‌خواهند حرکت کنند و با سادگی تمام آن مفهوم را منتقل می‌سازند. در این دوره، نگارگری روح ایرانی به خود می‌گیرد.» (کوهستانی، بی‌تا)

طریقتی با عبور از عصر طلایی به بررسی وضعیت فعلی نگارگری نیز می‌پردازد:

«در شرایط فعلی در رابطه با هنر نگارگری به‌جز یک نمایشگاه دوسالانه چیزی نداریم» (پیشین) در مورد نقد نیز طریقتی به تأثیر این موضوع معتقد است، به‌طوری‌که می‌گوید: «در دوره صفویه از مکاتب نگارگری هر چه بخواهیم می‌توانیم صحبت کنیم؛ هم‌مایه‌اش را داریم و هم آثارش را. وقتی به دوره معاصر می‌رسیم، غیر از استاد فرشچیان چه کسی را می‌توانیم نام ببریم؟ درباره آثار چه کسی می‌توانیم به نقد و بحث بنشینیم؟ غیر از این

طریقتی در کتاب‌ها و آلبوم‌ها نیز چشمگیر و مؤثر بوده است.

می‌توان اذعان کرد که سبک تذهیب و نگارگری طریقتی به سبکی تناسب یافته برای خطوط و قطعات خوش‌نویسی معاصران تبدیل شده است. زیرا بیشترین هم‌خوانی و هم‌نشینی را با آثار خط ایجاد می‌کند. این نکته را از آن حیث بیان می‌کنم که در تجربه دیداری سایر آثار تذهیب، استقلال آن‌ها به‌عنوان اثر مستقل تذهیب بیشتر مشهود است، اما کار طریقتی به خاطر آنکه مراحل تکامل خود را با قطعات خطاطی طی کرده، کاری تلفیقی است و با خط پیوند می‌خورد. رمز موفقیت طریقتی این بوده که وی بسیاری از شب‌های طولانی را به جای اینکه به استراحت و خواب پرداخته باشد مشغول تذهیب و نگارگری بوده است. زمانی که قرار بود قطعاتی که استاد امیرخانی نوشته و صبح روز بعد به صاحبش تحویل شود این طریقتی بود که تمام طول شب آن‌ها را پس از تذهیب پاسپارتو و یا با پرس کردن آماده ارائه کردن می‌ساخت. این مهارت‌ها همراه با سرعت عمل باعث شده که برای او تذهیب در اندازه‌های کوچک تا تابلوهای ۱۰×۷ امری شدنی و آسان باشد.

تلاش آموزشی و دیدگاه‌های هنری

یکی از فعالیت‌های آموزشی و مؤثر طریقتی برقرار کردن فعالیت مداوم و مستمر برای تعلیم تذهیب بوده است. او هنر جوانان زیادی را از مرحله مبتدی به سطح قابل قبول در این رشته رسانده است؛ و به‌طور معمول در چند مرحله اول، او طراحی حرکت‌های تذهیب را به هنر جوان خود می‌آموزد و بعد از قوی شدن آن‌ها در طراحی، با وارد کردن رنگ، آموزش‌های پایه را برای آمادگی آن‌ها در تذهیب پی می‌گیرد.

در یک دوره زمانی پنج‌ساله نزدیک به ۳۰۰ هنر جو از کلاس‌های آموزش تذهیب طریقتی بهره گرفته‌اند و این نشان می‌دهد که او موضوع آموزش را به شکل جدی مدنظر داشته است و کلاسش نیازهای آموزشی علاقه‌مندان تذهیب را مرتفع می‌کند. باین حال، طریقتی از وضعیت هنر نگاری در دوره فعلی رضایت ندارد:

«هنر نگارگری در دوره خاص صفوی و تیموری به اوج می‌رسد که به عصر طلایی، هم معروف است. وضعیت سیاسی و اجتماعی در رونق هنر بی‌تأثیر نیست. حاکمی چون شاه طهماسب، به خاطره علاقه و عشقش به این هنر، شاگرد میرزا آقا میرک می‌شود که این خیلی مهم است.» (گفت‌وگو با طریقتی، ۱۳۸۳)

به همین دلیل است که طریقتی عقیده دارد: «نقاشی ایرانی در دوره صفویه به نام مکتب

هنرمند نوگرا و تحول‌گرا نام برد. او با پشتوانه سنت و پابندی به آن، دارای نگاهی جدید و منشأ شیوه‌ای جدید است. بنابراین هنرمند امروز باید با سرمشق قراردادن کارهای برجسته هنری گذشته، با حفظ امانت‌داری و اصالت در تکمیل آن بکوشد و خلاقیت خود را بر این شالوده استوار سازد.» (دسترنج، ۱۳۸۶)

بزرگانی چون بیوک احمري، مجید مهرگان و محمدباقر آقامیری، با دست‌نوشته‌هایی دلنشین، مهر تأیید خود را بر سلوک آموزشی و هنری طریقتی ماندگار کرده‌اند.

استاد طریقتی نشان در جه یک هنر را در نگارگری از «شورای عالی ارزشیابی هنری» دریافت کرده است و داوری در جشنواره‌های تذهیب را در کارنامه فرهنگی خود دارد.

تکنیک‌های طریقتی در تذهیب کدام‌اند؟

شاخص اصلی در کارهای تذهیب و تشعیر طریقتی هماهنگی نقوش و طرح‌ها متناسب با فضای قطعات خط و خوش‌نویسی است. شاخص دوم سرعت در انجام کار است. او دستی روان و سریع دارد. در واقع قدرت و سرعت دست او با روزگار شتابان امروز هماهنگی دارد.

آموزش گل و مرغ در محضر زنده‌یاد بیوک احمري و یادگیری مینیاتور در محضر استاد محمدباقر آقامیری و استاد مجید مهرگان از جمله تلاش‌های آموزش طریقتی است. بعدها طریقتی به کار و تجربه‌های بیشتری روی می‌آورد. نگارنده با مطالعه آثار، گفت‌وگوها و مصاحبه‌های او به این عبارت رسید که بسامد بیشتری در گفته‌های او داشت: «در دوره صفوی هنر نگارگری روح ایرانی به خود پذیرفته است. به همین دلیل اینجا می‌خواهم اشاره کنم: با توجه به زمینه سرسبز دشت‌ها و شادابی سرزمین و زادگاه طریقتی یعنی گیلان، باید گفت که در هنر نگارگری طریقتی، علاوه بر روح ایرانی، روح گیلانی نیز دمیده شده است.

سایه زدن ماهرانه و پرداخت کردن روان از ویژگی‌های تذهیب طریقتی است. طریقتی گل‌بوته‌های شادی‌آفرینی را با رنگ‌های شاد بر صفحات تذهیب می‌گستراند که انبوهی از خرمن‌های گل و برگ را نثار بیننده می‌کند. به نظر می‌رسد تمام این موارد ریشه در خاستگاه اولیه و سرزمین پدری‌اش دارند. زیرا بالیدن در فضای سحرانگیز گیلان و مناظر بی‌همتای طبیعت آن خطه، فکر و ذهن او را مملو از تصاویر بکر و نقوش ساده و موزونی کرده است که خودش آن



حل کاری ۳۵×۲۵

است که کارها کپی بوده‌اند که به معنی کم‌رنگ بودن خلاقیت و نوآوری است؟ قدما نگارگری را عبادت می‌دانستند. خیلی از شاهکارهایی را که می‌بینید، هیچ کدام رقم و امضا ندارند. هنرمندان

آن‌ها می‌گفتند اگر در موزه‌ها رقم و امضا بخورد، ویژگی عبادت آن ضایع می‌شود؛ اما در جامعه امروزی مسائل معیشتی و موانع موجود، از اصالت هنر می‌کاهد. هنرمند با استعداد و اهل تحقیق، بایستی با فکر و آسایش و خیال راحت در خدمت به هنر بکوشد و دغدغه نان شب و گرفتاری روزمره نداشته باشد.» (پیشین)

دیدگاه طریقتی در مورد نگارگر امروز و ضرورت تحول توسط نگارگر حول این محور قرار می‌گیرد که تحول امری ضروری است و: «توجه هنرمندان ایرانی به آثار هنری اصلی و ناب گذشته، مثل دوره تیموری، می‌تواند منشأ تحول جدی در هنرهای تجسمی باشد. حال نگارگری با این پشتوانه غنی و اصیل باید تحول را بپذیرد و این وظیفه نگارگر مطلع و جست‌وجوگر معاصر است. برای مثال، باید از استاد محمود فرشچیان به عنوان



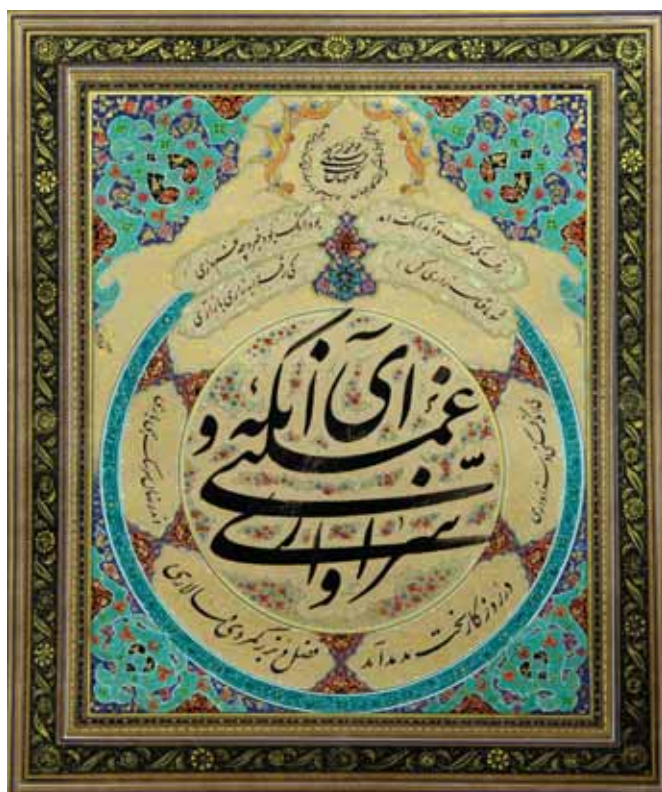
می کردند و از گیاهان طبیعی رنگ می گرفتند و از طلای اصل استفاده می کردند، اما امروزه بیشتر از رنگ های شیمیایی استفاده می شود که دلیل آن هم تحولات اجتماعی است. برای او نام آوران هنر تذهیب و مینیاتور از میان قدما کسانی چون مرحوم عبدا... باقری. مرحوم محمدعلی زاویه، مرحوم هادی تجویدی و مرحوم اسلامیان و از معاصرین نیز استاد فرشچیان، استاد آقا میری، استاد مجید مهرگان، استاد جمال پور و استاد علیجان پور کسانی هستند که طریقتی به هنر آن ها دل بستگی دارد.

برای او آرزوی توفیق روزافزون داریم.

منابع

۱. گفت و گوی کاوه تیموری با کیوان شجاعی، ۱۴/۷/۱۳۹۳.
۲. گفت و گو با محمد طریقتی، ضمیمه روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۱۱۹، ۱۳۸۳.
۳. کامران کوهستانی با محمد طریقتی، روزنامه رسالت.
۴. مریم دسترنج، گفت و گو با استاد طریقتی، کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۶-۲۵۵، دی و بهمن ۱۳۸۶.
۵. گفت و گو با محمد طریقتی به مناسبت برگزاری نمایشگاه نگارگری در کانادا (۱۵ و ۱۶ فوریه ۲۰۰۴)، روزنامه سلام، ۱۳۸۲/۱۱/۲۳.

قطعه نستعلیق با تذهیب ۴۰×۵۰



را مهم ترین دلیل بروز خلاقیت هنری و گرایش به هنرهای تجسمی می داند.

اما اگر از بحث تکنیک های فیزیکی درگذریم، او دارای یک تکنیک روانی است که بر همه کارهای وی سایه افکنده و فرصت کار را همیشه برای او فراهم ساخته است. تکنیک اصلی او نداشتن حاشیه و کنار آمدن با همه گرایش هاست. در حالی که در جمع خوش نویسان تهران حضور دارد و کارمند رسمی آن هاست، بیشترین حجم از قطعات امیرخانی (شاید حدود ۹۰ درصد) که نقطه مقابل انجمن تهران است، توسط وی تذهیب می شود. او به راحتی با همه می جوشد.

به پایان رساندن تذهیب و نگارگری قطعات بزرگ و کتاب های متعدد باعث شده است که طریقتی هنر مورد علاقه خودش را، هنر «سیر و سلوک و ریاضت» و «ابزار تمرین صبر و شکیبایی» معرفی کند. همه این موارد با رعایت اصول زیربنایی و زیباشناختی است. او می گوید: «در این هنر سه اصل بسیار مورد توجه اند که عبارت اند از: توازن، تعادل و تقارن که با تلفیق زیبایی های طبیعت، مذهب کار و نگارگر را بر آن می دارند که در آثارش دیدگاهی را ارائه دهد که نماد بهار را دارد. گل و برگ و سبزه ها با شادابی پراکنده اند که فقط زیبایی مورد نظر نیست، بلکه ارتباط با عظمت جهان آفرینش و تواضع و فروتنی در برابر زیبایی و نظم به چشم می خورد.» (گفت و گو با طریقتی، ۱۳۸۲)

واقعیت این است که هنر تذهیب و تشعیر طریقتی با هم نشینی هنر خوش نویسان شکوفا شده و هم اینکه به این آثار در طول سی سال گذشته برجستگی بیشتری بخشیده است.

در مورد تقسیمات نگارگری طریقتی معتقد است: نگارگری از چهار شاخه تشکیل می شود: تذهیب، به معنای طلاکاری و یا طلا اندود کردن؛ مینیاتور که همان نقاشی اسلامی-سنتی ماست؛ تشعیر که نوعی از تذهیب است که طبیعت و کوه و دشت و صحرا به آن راه پیدا می کنند؛

و گل مرغ که بعد از دوره قاجار قالب های گذشته را می شکند و فضایی از گل و بوته دارد.» (پیشین)

او می گوید تذهیب درعین حال که رابطه تنگاتنگی با خوش نویسی دارد، بخصوص در رشته کتاب آرایی و حاشیه سازی، اما درعین حال یک مکتب مستقل نیز به شمار می رود. در موضوع استفاده از رنگ ها او سهم تحولات اجتماعی را تأثیرگذار می داند به طوری که معتقد است در گذشته از رنگ های طبیعی و اصلی استفاده می شد، از کوه های کرکس کاشان لاجورد تهیه

همدان در آینه هنر

اشاره

شهر باستانی «همدان» به عنوان قدیمی ترین شهر ایران یکی از نمادهای هویت باستانی و دینی کشور به شمار می رود. طبیعت زیبای منطقه تلفیقی از کوهستان، دشت و باغ های زیباست. هر یک از فصل های سال در این شهر ویژگی زیباشناختی خودش را دارد. بهار، تابستان، پاییز و زمستان تابلوهای هنری زیبایی هستند که همواره دستمایه هنرمندان آن دیار برای تولید آثار هنری قرار گرفته اند.

همدان به عنوان شاهراه ارتباطی اقوام نیز نوعی فرهنگ تلفیقی را در خود پرورش داده است. شهری که اقوام ترک، لر، فارس و کرد در مرکز و شهرهای استان بایکدیگر همزیستی مهربانانه و برادرانه ای را تجربه می کنند. نگاهی به آثار تجسمی هنرمندان استان همدان فرصتی برای نگرستن ویژه به مظاهر و نمودهای فرهنگ و طبیعت در «آینه هنر» است.

برای روایت این زیبایی ها، در اینجا گوشه ای از تلاش های هنرمندان بومی استان همدان را که به طور عمده از هنرآموزان و فرهنگیان هنرمند نیز هستند، تقدیم همکاران گرامی می کنیم. باشد که هنرمندان دیار همدان در بهشت زیبایی آفرین هنر خویش جاودان باشند و همواره شاهد تولیدات هنری ارزشمندی از آن ها باشیم. رشد آموزش هنر



طبیعت، حمید معصومی ۵۰x۷۰



زمستان، تقی حجاریان ۸۰x۶۰



طبیعت، حمید معصومی ۵۰x۷۰



زمستان، تقی حجاریان ۹۳x۷۰



میدان امام، تقی حجاریان ۸۰×۶۰



دامنه کوه، سیروس آرام ۶۰×۴۵



افق، علی شهبازی ۱۶۰×۴۰



علی شهبازی ۱۲۰×۸۰



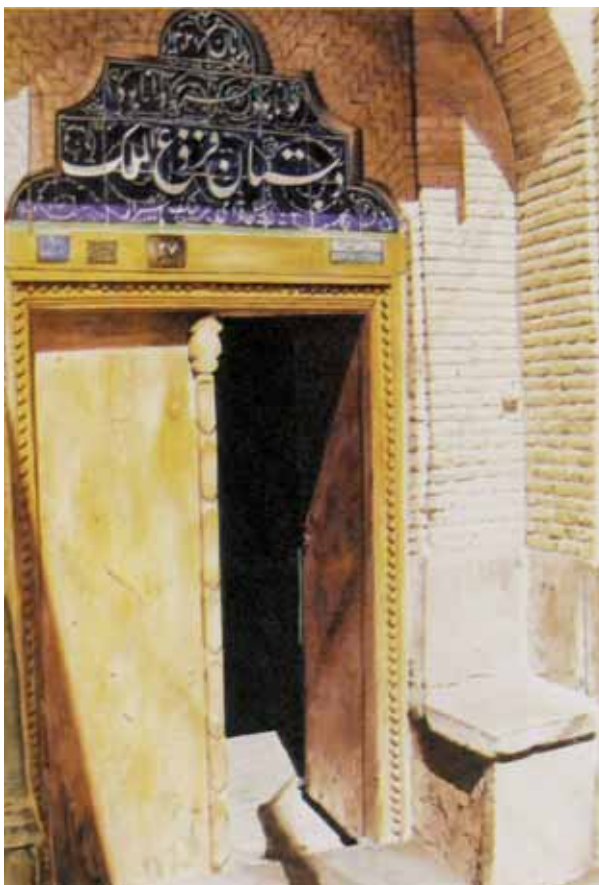
غلامرضا شاملو ۱۰۰×۷۰



غلامرضا شاملو ۱۰۰×۷۰



محمد... رضایی ۷۰×۵۰



سر در مدرسه محمد زائری زاده همدانی ۷۰×۵۰



بازار محمد زائری زاده همدانی ۶۰×۹۰



یوسف رجبی ۵۰×۷۰



سیداف یوسف رجبی ۶۰×۴۵



یوسف رجبی ۶۰×۸۰



نقاشی روی کوزه، مریم جمشیدی



نقاشی روی کوزه، مریم جمشیدی



نقاشی روی کوزه، مریم جمشیدی



نقاشی روی کوزه، مریم جمشیدی



پیرزن، مرید علی مومیوند ۵۰×۴۵



کوچه باغ، مرید علی مومیوند ۳۰×۴۰

هنر

و تعلیم و تربیت

متناسب با زمان

روح‌الله مالمیر
کارشناس ارشد ادبیات نمایشی

اشاره

بی‌تردید در فرهنگ و تمدن بشری، مسئله هنر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در تمامی ابعاد زندگی انسان ظهور و بروز دارد. هنر از اصلی‌ترین مظاهر خلاقیت انسانی و در واقع نحوی از انحا ظهور «حقیقت» است.

با توجه به معنای واقعی هنر، موقعیت آن در دین و مذهب، ویژگی‌هایی که اسلام برای هنر قائل است و نقشی که ایرانیان در گسترده‌ی هنر داشته‌اند، اگر بخواهیم جامعه‌ای دینی، مذهبی و بر مبنای آزادی و آزادی داشته باشیم، نباید از این عامل مهم و حیاتی غافل باشیم؛ زیرا این هنر است که بدون هیچ جبری وارد عمل می‌شود و حرفش را به مخاطب می‌زند و بر او تأثیر می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: هنر، تعلیم و تربیت، معنویت، هنرمند، زمان

هنر چیست؟

کروچه که از فیلسوفان معاصر هنر است، ترجیح می‌دهد به این پرسش با طرح پرسشی دیگر پاسخ دهد: «چه چیزهایی هنر نیست؟» تا شاید در پاسخ آن به تعریف خاصش از هنر برسد. او معتقد است که هنر یعنی دید و شهود. **افلاطون** می‌گوید: هنر طلب حقیقت و جمال و جست‌وجوی نیکی و زیبایی است. در تعریف افلاطونی هنر سایه‌سایه است. سایه نخست تصویر عالم مثال است (عالم واقع) و عالم مثال حقیقت محض است و عالم واقعی سایه آن. هنر چون تصویر واقعیت را می‌سازد و شبیه‌ساز واقعیت است، سایه‌سایه است.^۱

تولستوی در کتاب **هنر چیست** آورده است که هنر راستین هنری است که در خدمت هدفی نیک باشد. او هنر را خدمتگزار اخلاق معرفی می‌کند. **وایسر** معتقد است که هنر یعنی وارد کردن جوهر روحانی زیبایی به درون ماده‌ای بی‌ارزش؛ و ماده‌عاری از زیبایی و خارج از آن، فاقد هرگونه موجودیتی خواهد بود.^۲

تاتار کیویچ، تاریخ‌نگار هنر، می‌گوید: «هنر مجموعه به هم پیوسته‌ای از مفاهیم است که پیشینه آن به روزگاران باستان می‌رسد.» (هنفلینگ، ۱۳۷۷: ۱۱-۹) هنر زبان مردم است؛ بنابراین باید ارزش‌های عرفانی را به مردم منتقل کند و از اینجاست که نقش هنر سنگین‌تر و حساس‌تر می‌شود و باید مردم را با این زبان آشنا کرد.

عارف وارسته‌ای همچون امام خمینی (ره) هنر را دمیدن روح تعهد در انسان‌ها می‌داند. هنر متعهد نظاره‌گر راستی و اقامه‌گر پیراستن است؛ پیراستن از همه آرایه‌های مجاز و جاذبه‌های اسارت.

هنر در اسلام

هنر در اسلام دارای گستردگی است؛ یعنی، شامل تمامی زندگی انسان می‌شود. خانه‌ای که انسان در آن زندگی می‌کند، مسجدی که در آن نماز می‌خواند، بازاری که در آن به کسب مشغول است و حتی قاشقی که با آن غذا می‌خورد، همه و همه مظاهر هنرند و در وسعت و شمولی که هنر دارد،

می‌گنجند.

در آیات قرآن و احادیث مروی از پیامبر (ص)، اشاراتی به هنر دیده می‌شود؛ هر چند نام هنر به‌طور مستقیم نیامده است. مثلاً از خداوند به‌عنوان مصوّر تعبیر شده است: هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی^۳؛ خداوند عالم را به بهترین وجه و زیباترین صورت ممکن آفریده و در آن صورت‌نگری کرده است. برخی از اسماء دیگر الهی نیز با معنای هنر ارتباط پیدا می‌کنند که نمونه آن‌ها در این آیه دیده می‌شود؛ یعنی، خداوند خالق و باری و مصوّر است.

علاوه بر این‌ها اسم بدیع با هنر قرابت دارد. مبدع و ابداع، از دیگر اسماء متقن است؛ یعنی خداوند هنر خود را در نهایت نیکویی و در غایت زیبایی و جمال و حکمت می‌آفریند. به‌طوری‌که بهتر و برتر از آن ممکن نیست.

به‌طور خلاصه در اسلام زیبایی حاصل از هنر، حقیقت است. هدف هنر در اسلام بهره‌ور ساختن محیط انسان و جهان - تا آنجا که به دست انسان ساخته و پرداخته شده - از نظامی است که مستقیم‌ترین جلوه پرتو وحدت الهی است. **تیتوس بوکهارت** در کتاب مبانی هنر معنوی می‌نویسد: «هنر دنیا را صاف و روشن می‌کند و روح را یاری می‌دهد تا از کثرت آشفتگی بخش چیزها قطع علاقه کند و به‌سوی وحدت نامتناهی روی آورد.»^۴

هنر اسلامی یعنی هنری که ضمن اینکه ردپای اسلامیت شخص را در انتخاب‌های بینشی و اجراهای عملی‌اش نشان می‌دهد، لطف همان انتخاب‌ها و همین اجراها را هم تحقق می‌بخشد. ما اینجا در حقیقت نمی‌گوییم هنر اسلام بلکه می‌گوییم هنر اسلامی و قصد ما هنری است که با مایه داشتن از بینش اسلامی به انتخابگری پرداخته و به «تفکر»، منطق و به «اجرا» شایستگی داده است.^۵

اسلام هرگز هنری با شکل و وضع خاص را مطرح نمی‌کند. بلکه به آدمی بینشی معنوی می‌دهد که برآیند اعتقاد مکتبی است. برای مثال، به معمار می‌گوید: پنجره را جایی قرار ده که درون زندگی همسایه را نبینی و به اندازه‌ای

آن را بساز یا بالا و پایین ببر که «لطف» را به خانه وارد کند اما سرّ خانه را به خارج نبرد و مزاحم غیر نیز نباشد، و این، همان هنر معماری است.

ما هم اگر بخواهیم به هنری برگردیم که معنویت را نیز متضمن باشد، باید به تجربه گذشتگان رجوع کنیم. در دنیای علم‌زده و صنعت‌زده امروزی که جایی برای معنویت، عاطفه و لطف نمانده است، باز هم هنر باید به داد انسان‌ها برسد و آن‌ها را به بینش عطف کند.

اسلام يك مکتب تربیتی است و باید بدانیم این مکتب تربیتی چه انتظاری از هنر دارد. اولین انتظار این مکتب از هنر تهیه لباس خوب است که بیش از همه و نزدیک به آدمی و برای آدمی، يك محفظة تربیتی است. جای تأسف است که امروزه به لباس اعتنایی نمی‌شود و از عاملیت لباس در فهم و فکر و عاطفه و حال استفاده نمی‌کنند.

بعد از لباس، وسایلی است که برای استفاده به ما نزدیک‌ترند؛ از قبیل سفره غذا، ظرف غذا، ظرف آب، وسایل تفنن و نظیر این‌ها. بعد نوبت می‌رسد به کوچه و محله و میدان و بعد از آن فضای شهر و آنگاه راه‌ها و معابر و... حتی اخلاق وقتی هنری می‌شود، اثر و نفوذش در دیگران افزایش می‌یابد و معمولاً روش‌های عملی يك آدم خلاق هنرمند بیشتر مقبول می‌افتد. يك سفالگر برای آراستن ظرف آب

از نقش‌هایی بهره

می‌گیرد که استفاده

کننده از آن را به

گونه‌ای به منعم و آبرسان،

که خداست، توجه می‌دهد.

باید بدانیم که اصولاً

هنر اسلامی در خدمت

تطبیق دادن نیات با متن

زندگی است. هنر

کهنه‌شونده نیست،

زمان‌بردار هم

نیست و اصلاً

مقید به هیچ

اصل مادی و

عینی نیست.

هنر همه

زمانه است و

همه جایی و همه



انسانی.

«می‌توان گفت (و هنرمندان مسلمان تأیید می‌کنند) که هنر عبارت است از ساخت و پرداخت اشیا بر وفق طبیعتشان، که خود حاوی زیبایی بالقوه است؛ زیرا زیبایی از خداوند نشئت می‌گیرد و هنرمند فقط باید بدین بسنده کند که زیبایی را عیان سازد. هنر بر وفق کلی‌ترین بینش اسلامی از هنر، فقط روشی برای شرافت روحانی دادن به ماده است.» (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۱۳۴)

«برای مسلمان، هنر به میزانی که زیباست، بدون داشتن نشانی از الهام ذهنی و فردی فقط دلیل و گواهی بر وجود خداست. زیبایی‌اش باید غیرشخصی باشد؛ همانند آسمان پرستاره. در واقع، هنر اسلامی به نوعی کمال می‌رسد که گویی از صانعش مستقل است.» (همان: ۳۷)

«برای هنر چه مضمون و محتوایی ارزنده‌تر از ارزش‌های انقلابی است که آزادی و رستگاری انسان از سلطه طاغوت‌های زورمند و زراندوز را با رهایی وی از جنگ اهریمن هوا و هوس، و تعالی معنوی او را با آراستگی زندگی مادی، و رشد علمی و فنی او را با صفای روحی و عرفانی یکجا تأمین می‌کند و آدمی را در دنیا و آخرت به فوز و فلاح می‌رساند.»^۶

هنر دینی

«هنر دینی هنری است که با توجه به معنی انتزاعی هنر، می‌شود پیوندی میان آن و دین ایجاد کرد. معنی انتزاعی هنر انکشاف حقیقت و انکشاف این عالم دین، انکشاف عالم ربانی، نفسانی، فرشتگانی، شیطانی و یا انکشاف دین در طور و ساحت خیال است.»^۷

از ویژگی‌های هنر دینی، مقدس بودن و سنتی بودن آن است. سنت در اینجا تابعیت از قوانین الهی است و این قوانین الهی هنری ثابت و لایتغیرند. هنر دینی می‌تواند نو و نوآور باشد ولیکن نوآوری در قالب همان قوانین ازلی و ابدی، و هنرمند با بعضی از این قوانین به‌طور فطری آشناست. هنر دینی نوعی معرفت است و از این رو **شلینگ** گفته است: «هنر عالی‌ترین وسیله معرفت است.»

باید بدانیم که اسلام يك ديانت است

و دین از نظر مایه وجودی در کنار هنر و در زمینه وجودی انسانی پایگاه دارد؛ یعنی آن‌ها در کنار هم هستند و با هم زندگی می‌کنند. ما باید این هنر جدا شده به‌صورت کتیبه، تابلو یا آرم و نشان را دوباره به متن زندگی برگردانیم؛ یعنی، از نو زندگی کنیم و در این زندگی رفع نیازمان به‌گونه‌ای صورت گیرد که با هنر توأم باشد و هنر در کنارش زبان، حکایت و رابطه باشد.

در گذشته، هنگام غذا خوردن سفره می‌انداختند و سفره مجمله یا پارچه‌ای بود که غذا را روی آن می‌گذاشتند اما بر آن نقش‌هایی بود که به انسان رغبتی برای غذا خوردن می‌داد یا نوشته‌هایی بود که بر ادب غذا خوردن تأکید می‌کرد. نقش‌هایی بود که می‌توانست در حین غذا خوردن برای روح انسان صفا فراهم آورد و باعث و بانی همه این‌ها چیزی بود که در خدمت همین وسایل رفع نیاز قرار داشت. ما دومرتبه باید به زندگی درست و در عین حال مقبول و لطیف و نیز معطوف بر همه مسائلی که لازمه حیات معنوی ماست برگردیم و واسطه این گردآوری و جمع کردن و نظام دادن را هم فقط هنر می‌دانیم که شمع جمع است و هیچ عاملی غیر از آن چنین گردآوری لطیف و با قاعده و خوبی را نمی‌تواند انجام دهد.

هنرهای قابل خرید و فروش، قابل انتقال و نمایشگاهی که ویتروین‌ها و سطح دیوارها را به خود اختصاص می‌دهند، هیچ موفقیت خاصی برای هنر به ارمغان نمی‌آورند ولی اگر هنر در آرایش، لباس، طرح کار، وسایل کار، ابزار زندگی و محل خورد و خواب و... وجود داشته باشد، می‌تواند همه حرف‌هایش را بزند و همه را در محیطی هنری قرار دهد و مادیت را به معنویت بدل کند. هنر باید قسمت عمده مشکلات مادی و مالی انسان را هم حل کند.

انسان به‌عنوان هنرمند از آن جهت که خلیفه‌ا... و علی‌صورة الرحمن است، جواز پرداختن به هنر را دارد و چهارچوب این پرداختن نیز روشن شده است. خلیفه باید از مستخلف عنه، یعنی خداوند، یاد کند. اگر حقیقت را خدا بگیریم، هنر حقیقی همان هنر دینی است.

«برای تحصیل و ارائه هنر دینی در درجه اول باید هنرمند روحاً، فکر و عملاً مملو از دیانت شود. هر چقدر اعتقادات دینی، احکام دینی و عواطف و احساسات دینی در فرد رسوخ بیشتری داشته باشد، اثر او صیغه و رنگ و عطر دینی‌اش بیشتر می‌شود. این انسان با این درون به‌عنوان مبنا، در شرایط متنوع زمانی و مکانی بروزهایی متناسب با شرایط و برخاسته از آن مبنای درونی خواهد داشت که می‌تواند هنر دینی یا اسلامی نام گیرد.»^۸

هنر و هنرمند

هنرمند با عارف قربت بسیاری دارد. منتها عارف معرفت خود را به‌صورت نوشته درمی‌آورد و هنرمند آن معرفت و حقایق را از راه تصویر و خط و غیره بیان می‌کند. هنرمند با آثار خود سیرت و تفکر و بینش مردم را تغییر می‌دهد و به آنان حال و روحیه می‌بخشد. هنر قدرت زندگی و تحمل مردم را بالا می‌برد و این احساس را در آنان به‌وجود می‌آورد که گویی در محیطی تازه زندگی می‌کنند. بزرگ‌ترین و قوی‌ترین مسئله برای هنرمند، عاطفه است که زمینه‌ساز هنر او نیز هست.

هنرمند بدان اعتبار که در او نفخه‌ای از روح الهی است، هنرمند است و خدا این قدرت را در او به ودیعت گذاشته است. لازمه هنر، عینیت بخشیدن است؛ به بیان دیگر، هنرمند سعی می‌کند به حقایقی که در نفس او هست، جنبه عینی بدهد و به آن‌ها عینیت بخشد. این عینیت بخشیدن توسط هنرمند از طرق مختلفی از جمله موسیقی، خطاطی، شعر و نقاشی تحقق می‌یابد.

«هنرمندان مسلمان با شناخت جایگاه والای خویش و تکیه بر معارف والای اسلام می‌توانند به یکی از تواناترین ابزار[های] موجد روح انقلاب و محبوب‌ترین وسیله هدایت ملت‌ها به‌سوی عدالت‌خواهی و آزادی و خداجویی دست یابند و با ارائه زیبایی‌های آفرینش و به‌صحنه کشیدن آثار روح‌نواز و بدیع حرکت تکاملی جوامع حق‌پوی بشری به‌سوی معبود حقیقی و نبرد تاریخ‌ساز آنان با عناصر باطل، جوشش و حرکت و آفتاب‌زدگی را به ملت‌ها هدیه کنند و دیدگان معصوم

محرومان را فروغی تازه بخشند.»^۹

هنر و ایرانیان

«از مطالعه تولیدات فرهنگی و هنری ایران می‌توان دریافت که هنر سنتی با هنر قدسی و هنر دینی ارتباط داشته و تولیدات هنری در اسلام در حقیقت تذکری بوده است به منشأ الهی پدیده‌ها. در تمدن سنتی گذشته، هنرمند اسلامی اگر آراسته به فضایل معنوی و سیر و سلوک روحانی نبود، قادر به تولید هنر سنتی نمی‌شد. لذا به نظر می‌رسد که در دوران ما لازم است هنرمند از نو تعریف شود. تصور جامعه‌امروزی از هنرمند بیشتر به یک افزارمند یا صنعتگر نزدیک است.» (آزادی‌ور، ۱۳۷۹: ۳۷)

گنجینه‌های هنری ایران از معماری و نقاشی و صنایع دستی و ادبیات شفاهی و... نشانه آن است که سنت هنری یا صنعتی در ایران پشتوانه‌های عظیمی از تکنیک و ذوق و خلاقیت در اختیار داشته است. مثلاً خوش‌نویسی در سنت هنری ایران اگر از مهم‌ترین هنرها نباشد، یکی از مهم‌ترین آن‌هاست؛ به سه دلیل: ۱. خوش‌نویسی انگیزه‌ای برای نوشتن و تکثیر قرآن بوده است. ۲. به علت منع تصویرسازی و شمایل که در میان اهل سنت با سخت‌گیری همراه بوده است، هنرمندان مسلمان توانستند بیشترین توان هنری و تصویرسازی و ذوق و مهارت خود را صرف خوش‌نویسی کنند و ۳. خوش‌نویسی توانست راهی در تزیین و تکامل هنرهای دیگر، به‌ویژه معماری، باز کند. (همان: ۷۴)

خوش‌نویسی قرآنی در ایران نمونه‌ای از هنر قدسی است. در حالی که مینیاتور سنتی به‌گونه‌ای غیرمستقیم‌تر اصول اسلامی را نمود می‌بخشد؛ یعنی همان وحدت، تعادل و هماهنگی را که در جهان هستی جلوه‌گر است، به‌خوبی در برابر دیدگان ما به نمایش می‌گذارد.

اگر هنری را که امروزه غربی‌ها با رنگ و لعابی تازه به خورد ما می‌دهند ریشه‌یابی کنیم، می‌بینیم که با گذشته ما قرابتی چشمگیر دارد.

مثلاً هنر کلاژ امروزه غربی‌ها، که استفاده

از کاغذهای رنگی را به‌جای رنگ کردن آموزش می‌دهد، از هنر قطاعی - یعنی قطعه قطعه کردن اشیا و کار با آن‌ها - که مکتب نگارگری کامل و فراموش شده قرن نهم ماست و در زمینه‌هایی همچون کاشی‌کاری و صحافی نمونه دارد، گرفته شده و معرق‌کاری یکی از شاخه‌های بازمانده همان قطاعی است. آن وقت حیف نیست که جوان‌های ما بروند و بچسبند به مدرنیسم؟ جوان‌های ما باید بدانند که ماتیس و گوگن نگاهشان به هنر شرق بوده و رامبراند بیش از ۲۳ اثر نگارگری ایرانی را حتی بدون تغییر موضوع کار کرده است.

قالی‌بافی، که از هنرهای سنتی و اصیل این مرز و بوم است، هنوز هم که هنوز است در بیشتر خانه‌های روستایی و چادرهای عشایری رواج دارد و هر روز کارگاه‌های بزرگ و وسیعی برای پرداختن به این هنر قدیمی برپا می‌شود. چرا؟ چون قالی‌بافی هم هنری واقعی است و هم اشتغال‌زا و قابل صادر کردن و ارزآور و هم کاملاً مصرفی و قابل استفاده. صنایع دستی ما آن قدر جای کار دارد که حتی به مدد صنایع جدید می‌آید و دست آن‌ها را می‌گیرد.

مگر نه آنکه به قول پروفیسور رضا نوک موشک فضایی ناسا از جنس همان خاکی است که کاشی‌های مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان از آن ساخته شده است. چرا؟ چون باید در دماهای بسیار بالا و بسیار پایین مقاومت کند و مسجد شیخ لطف‌الله قرن‌هاست که این دماهای متفاوت را در تابستان و زمستان تحمل کرده است.

ایرانی همواره هنر را توأم با پیشرفت در خدمت‌زندگی گرفته و شایسته است که فرزندان ایرانی هم چنان کنند که سلف او می‌کرد و چنان باشد که او بوده است.

هنر و نقش آن در فرایند تربیت متناسب با زمان

هیچ اندیشه‌ای بدون هنر ماندنی نیست و به یک معنی، هیچ اندیشه‌ای بدون هنر خلاقیت ندارد. هنرمندان اندیشه می‌سازند و متفکران اندیشه می‌کنند. هیچ فکر و مکتبی نیست که مسبوق به نوعی از هنر یا ادراک هنری نباشد و همچنین هیچ اندیشه و هیچ تحول و هیچ امری، ماندگار نخواهد شد مگر در سایه هنر. هنر قالبی است که امور را جاودانه می‌کند.

انقلاب اسلامی ما بزرگ‌ترین حادثه زمان است و نسل زمان این انقلاب ماندنی نیست. لذا بایستی حماسه‌های این انقلاب و بزرگان این انقلاب به نسل‌های بعدی منتقل شود و بهترین وسیله انتقال آن هنر است. مسئله این است که این احساس حضور در انقلاب باید به آیندگان انتقال یابد و این کار تنها از عهده هنرمند برمی‌آید.

«هنر حساسیت انسان را تغییر می‌دهد؛ برداشت‌هایی از جهان در ذهن او ایجاد می‌کند که رفتارهای خاصی را در او معین می‌کند. جان‌ش را می‌ورزد؛ وقتی که این جان در ژرفنای خود دگرگون شود در بیرون سبک زندگی خاصی را و گونه‌ای زیبا کردن محیط مادی و اجتماعی‌ای را که در آن می‌زید، تحمل می‌کند. در واقع، فرد طبیعت را به‌گونه‌ای بازسازی می‌کند که از آن محیطی برای زندگی خود بسازد که با حساسیت‌هایش - که با هنر تلطیف شده‌اند - همخوان باشد.» (باستید، ۱۳۷۴: ۲۹۰)

پروودن در نظریه‌های خود درباره اصلاح سازمان اجتماعی به نقش مهم هنر اشاره می‌کند. آنچه به نظر وی برای ایجاد تعادل میان عنا صر مادی و

معنوی در اجتماع ضرورت فوری دارد، پرورش روح یا جان آدمیان است. او این کارکرد پرورشی را به هنر محول می‌کند و چاره درد ماشینی شدن آدمیان را توسل به هنر می‌داند (همان: ۳۰۱)

هنر راه ارتباط است. هنرمند با هنرش حرف می‌زند و ایجاد ارتباط می‌کند. وقتی فرهنگ هنری رشد کند، مردم نیز پشتیبان هنر می‌شوند؛ چرا که هنر آیینۀ تمام‌نمای فرهنگ یک ملت است و می‌تواند بین همه وحدت ایجاد کند. تأثیری که رشته‌های هنری بر مخاطب می‌گذارند، یکسان نیست. تأثیری که یک نقاش بر ذهن و روح انسان‌ها می‌گذارد، با تأثیر یک موسیقی‌دان یا بازیگر بسیار متفاوت است.

جدیدترین هنر عصر حاضر، که همان هنر هفتم یا سینماست، تأثیری به مراتب قوی‌تر و بیشتر بر اجتماع دارد؛ زیرا هنرهای قبلی اندیشه یا احساس یک نفر را دربرداشتند اما در سینما جامعه‌شناسی یک گروه تولیدکننده، تعیین‌کننده میزان تأثیر بر مردم است.

هنر بر مجموعه اخلاقیات و آداب و رسوم تأثیر می‌گذارد و آن را دچار تغییر و تحول می‌کند. در واقع، هنر در انسان‌ها نفوذ می‌کند و انسان‌ها امور اجتماعی را تغییر می‌دهند. همان‌طور که هنر می‌تواند روی افراد اثر منفی یا مثبت داشته باشد، می‌تواند جامعه را نیز به‌سوی رشد و تکامل سوق دهد یا آن را از مسیر اصلی و رو به رشد خود خارج کند.

حال با توجه به چنین وظیفه

حساس و خطیری که بر دوش هنر است، از اولین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده، گرفته تا مهدکودک‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌های نوشتاری و تصویری و... همه و همه باید دست به دست هم بدهند و به مسئله هنر بیش از پیش توجه کنند و از این امر مهم غافل نمانند. اگر بخواهیم مردم را تربیت کنیم، آن هم تربیتی که بر مبنای آزادی و آزادگی باشد، تنها عاملی را که به‌عنوان معلم و مربی می‌توانیم به خدمت بگیریم که فقط حرف نزنند و حرفش در مخاطب اثر جبری نداشته باشد بلکه او حرف این معلم عزیز را مثل کلام مادر در گوش جان بگیرد، فقط و فقط واسطه لایق هنر است.

هنر است که می‌تواند به راحتی اوقات فراغت همه اقشار جامعه را پر کند و این اوقات را به لحظه‌هایی شیرین و ماندگار در دوران زندگی بدل سازد.

متأسفانه امروزه در مدارس ما با اینکه ساعتی را به درس هنر اختصاص می‌دهند، کمتر مدرسه‌ای را می‌بینیم که از این ساعت، برای تقویت یا جبران درس‌هایی همچون ریاضیات و زبان انگلیسی استفاده نکند. دبیرانی که در کلاس‌های هنر حاضر می‌شوند، یا اصلاً تجربه و تخصصی در این زمینه ندارند و یا به‌دلیل کم‌توجهی همیشگی به این درس، شور و اشتیاق لازم را از دست داده‌اند.

معلمی که در کلاس هنر حاضر می‌شود، باید با سبک‌ها و شیوه‌های هنری آشنایی کافی داشته باشد و تاریخ هنری را که تدریس می‌کند، کاملاً بداند. او باید در جریان رشد هنرهای مختلف باشد و البته به مسائل تربیتی نیز در ضمن آموزش توجه کند. همچنان‌که استاد **یدالله خوانساری**، از استادان بنام کشور در خوش‌نویسی شکسته، در بیان

خاطرات گذشته و کلاسی که می‌رفته است، می‌نویسد: «استاد تنها دلواپس خط ما نبود بلکه اغلب سخن از انسان دوستی، معرفت، ایمان و محبت بر زبان می‌آورد و از حرمت هنر، و وظیفه هنرمند صحبت می‌کرد.» اگر معلم هنر پیش از آشنا کردن دانش‌آموز با قواعد هنر - حال در هر رشته‌ای که می‌خواهد باشد - او را با طریقت والای هنر، ارزش‌های معنوی هنر و درک مقام هنرمند بودن و هنرمند آشنا کند، در ذهن دانش‌آموز تفکر هنری به‌وجود می‌آید و تفکر هنری یعنی «نه فقط بگو، بلکه نیکو بگو و نه فقط بساز بلکه عالی بساز و نه فقط بنمای بلکه به وجه‌ترین صورت بنمای.»

معلمی که در کلاس هنر حضور می‌یابد، باید بداند که این درس به چه منظور و هدفی در برنامه کلاسی دانش‌آموزان جای گرفته است و کلاس را در آن مسیر هدایت کند. بعضی از اهداف پرورش هنر در مدارس را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. شناخت و پرورش استعدادها
هنری دانش‌آموزان و فراهم ساختن زمینه‌های مناسب برای رشد و شکوفایی این استعدادها؛

۲. ایجاد مهارت و تقویت آن؛

۳. تربیت «دقت» در دانش‌آموزان؛

۴. ایجاد اعتماد به نفس در دانش‌آموزان؛

۵. آشنایی تدریجی دانش‌آموزان با میراث غنی و با ارزش فرهنگی ایران اسلامی؛

۶. ایجاد زمینه‌های مناسب برای استفاده از اوقات فراغت و داشتن سرگرمی‌های مناسب؛

۷. ایجاد زمینه برای رسیدن به نوآوری و خودکفایی؛

۸. آشنایی با اصول و فنون زیباشناسی و... (هراتی، ۱۳۶۵)

در حقیقت، این درس قوه ابتکار و خلاقیت را در دانش‌آموزان بالا می‌برد و زمینه را برای شکوفایی ذهن‌ها آماده می‌کند. پس، لازم است مسئله هنر با جدیت تمام دنبال شود تا فردایی بهتر و پربارتر داشته باشیم.

مسئله هنر نه تنها با ساعت هنر



بلکه با دروس دیگر نیز مرتبط است و از جمله با دروسی مثل فارسی و ریاضیات ارتباط تنگاتنگ دارد. هدف از کلاس درس این نیست که هر آنچه را می‌دانیم به کودک بیاموزیم بلکه باید کودک را به درست اندیشیدن وادار کنیم و این رسالت اصلی هنر است. (سپهر، ۱۳۷۵: ۸۵)

هنر می‌تواند هر فعالیتی را به «لطف‌ت»، «جمال بهتر» و محاسنی بیاراید تا همان فعالیت در آدم‌ها و ناظران و افرادی که با آن در رابطه‌اند، نشاط، حسن نظر، و دیدگاه لطیف‌تر بیافریند. آری، همان وقت که «عامل» در فعالیت است، «هنر» ضمن اجرا به همان اجرا «حسن» نیز می‌بخشد و این، کار هنر است.

هنر خشک و بی‌روحی را که از صفحات آبی رنگ رایانه‌ها و اینترنت‌ها بیرون می‌آید، به هیچ وجه نمی‌توان با هنری که لابه‌لای انگشتان پینه‌بسته بزرگان هنر مشرق زمین پنهان است، قیاس کرد. این هنر راه به فلک می‌برد و راز و رموز هستی را تجربه می‌کند و آن نوع هنر نقش و نگاری است پر زرق و برق و لعابین که می‌کوشد لذت‌های پست و زمینی انسان‌های ماشینی و بی‌احساس را فراهم آورد.

مهم این است که فرزندان ما در راه هنر اهل دل بار بیابند و با همان ذهن کوچکشان معرفت کسب کردن را بیاموزند. آن وقت از هنر پلی می‌سازند و به راحتی از دریای خروشان آفت‌ها و بلاها می‌گذرند و آسوده در ساحل سلامت قدم می‌نهند. باید ارزش‌های والای دینی و ایرانی ما از طریق هنر با ترکیب و طرحی نو در دسترس همه اقشار جامعه قرار گیرد تا مبدا اصل و نسب خویش را به فراموشی بسپاریم و از طریق هنر مبتذل بیگانگان به ورطه از خود بیگانگی کشیده شویم.

برای توجه بیشتر به هنر و رواج آن در جامعه، به خصوص در میان دانش‌آموزان، چه خوب است که در مدارس بزرگ و پرجمعیت - حداقل مدارس شهری - در دوره‌های گوناگون مخصوصاً دوره متوسطه اول که دانش‌آموزان علاقه بیشتری به هنر از خود نشان می‌دهند

و یکی از درس‌های آن‌ها هنر است، کارگاه‌هایی با عنوان کارگاه‌های هنر تشکیل شود. می‌توان از دبیران هنر یا کسانی که در این رشته آگاهی و توانایی لازم را دارند، در این کارگاه‌ها به عنوان راهنمای هنری استفاده کرد و همچنین تا حد امکان وسایل هنری را در زمینه‌های مختلف، از نقاشی و خوش‌نویسی گرفته تا مجسمه‌سازی و موسیقی، در این کارگاه‌ها فراهم آورد. در این صورت، دانش‌آموزان در ساعات تنفس و بیکاری (که دانش‌آموزان دوره اول متوسطه در هفته چندین ساعت با آن روبه‌رو هستند) به این کارگاه‌ها هدایت می‌شوند و از نزدیک با رشته‌های مختلف هنری و وسایل هنری آشنا می‌گردند.

مربی راهنمایی که در این کارگاه‌ها مشغول به کار می‌شود می‌تواند نقش مهمی ایفا کند و دانش‌آموزان را بیش از پیش به سمت هنر سوق دهد. او می‌تواند با استفاده از کتاب‌ها و زندگی‌نامه‌های هنرمندان بزرگ معاصر کشور، وضعیت گذشته و حال این هنرمندان را برای دانش‌آموزان توضیح دهد، آن‌ها را با مقام و منزلت والای هنرمندان در جامعه آشنا کند و از این طریق شور و شوق و انگیزه‌ای در آنان به وجود آورد تا با توجه و علاقه بیشتری در کلاس هنر حاضر شوند و ساعات بیکاری خود را نیز با فعالیت هنری در این کارگاه‌ها پر کنند.

در صورتی که دانش‌آموزان با زندگی واقعی هنرمندان بزرگ ایرانی آشنا شوند، از آن‌ها الگوبرداری می‌کنند و به جای علاقه‌مند شدن به فلان شخصیت خارجی، که فقط ظاهر او را دیده‌اند، به هنرمندان گمنام و افتاده‌ای که در جای جای این مرز و بوم در اوج قله‌های معرفت‌اند، عشق خواهند ورزید و همین انگیزه‌ای می‌شود برای اینکه پا جای پای آن‌ها بگذارند. اگر دانش‌آموزان بدانند که مسیر رسیدن به این هدف تحصیل درست است، انگیزه تحصیل نیز در آن‌ها زنده می‌شود و نمودار افت تحصیلی، که متأسفانه امروزه در بیشتر مدارس دیده می‌شود، تا حدودی تغییر می‌یابد.

برای اوج گرفتن هنر و تعلیم آن در جامعه باید سرمایه‌گذاری‌های زیادی شود؛ از اولیای دانش‌آموزان گرفته تا مدیران و دبیران و همه سازمان‌های دولتی باید آستین همت بالا بزنند و برای پرکردن جای خالی هنر در جامعه، تلاش و کوشش همه‌جانبه‌ای داشته باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. محسن‌فر، مجله نیستان، شماره ۲، ص ۷۴.
۲. گفته وایسر به نقل از کتاب هنر برای کودک، نصرت‌الله سپهر، ص ۸.
۳. سوره حشر، آیه ۲۴.
۴. مبانی هنر معنوی، ترجمه جلال ستاری، ص ۷۹.
۵. رجبعلی، فصلنامه هنر، شماره ۱۲، ص ۵۶.
۶. پیام مقام معظم رهبری در دوران ریاست جمهوری به دهمین جشنواره تئاتر دانشجویی کشور، در تاریخ ۶۵/۸/۱۴.
۷. محمد مددپور، مجله نیستان، شماره ۸، ص ۲۲.
۸. سیدمجتبی حسینی، مجله نیستان، شماره ۱۱، ص ۸.
۹. رک. پی‌نوشت شماره ۶.

منابع

۱. قرآن کریم، سوره حشر.
۲. آزادی‌ور، هوشنگ؛ شیوه بیان هنری در فرهنگ سنتی ایرانی و اسلامی، انتشارات تبیان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
۳. باستید، روزه؛ هنر و جامعه، ترجمه غفار حسینی، نشر توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
۴. بورکهارت، تیتوس؛ هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، انتشارات تبیان، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹.
۵. سپهر، نصرت‌اله؛ هنر برای کودک، انتشارات طاق بستان، چاپ اول، کرمانشاه، ۱۳۷۵.
۶. فصلنامه هنر، انتشارات اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، شماره‌های ۱۷ و ۱۲، ۶۷-۱۳۶۶.
۷. مجله نیستان، چاپ سوره، شماره‌های ۱۱ و ۸، سال اول، تهران، ۱۳۷۵.
۸. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۶۰.
۹. هراتی، محمد مهدی؛ تعلیم هنر، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۶۵.
۱۰. هنفلینگ، اسوالد؛ چیستی هنر، ترجمه علی رامین، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۷۷.

چگونه کلاس هنر خلاق داشته باشیم؟

آزاده دهقانی

دبیر هنر دوره راهنمایی قروه کردستان



اشاره

اقدام‌پژوهی یکی از فعالیت‌های مهم در حوزه آموزش است. که البته در حوزه آموزش هنر کمتر اتفاق افتاده است. اقدام‌پژوهی علاوه بر ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و هنر جو کردن آنان، باعث توانمندسازی معلم و مکتوب شدن تجربه‌ها برای استفاده از آن‌ها در تولید اسناد علمی، تربیتی، فرهنگی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اقدام‌پژوهی، خلاقیت، درس هنر، علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به زنگ هنر، مشارکت و تشویق

اهداف

خلاقیت نوعی توانایی است که تحت تأثیر عوامل متفاوت فردی و اجتماعی قرار دارد؛ عوامل فردی نیز از عوامل متفاوت اجتماعی، مانند خانواده و جو حاکم بر آن تأثیر می‌پذیرند. پس می‌توان گفت عوامل اجتماعی در خلاقیت نقش کلیدی دارند. اهداف من از این پژوهش شامل موارد زیر است.

۱. ایجاد کلاس هنری با نشاط و متفاوت با کلاس درس‌های دیگر در طول سال
۲. کشف استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون و شکوفایی آن‌ها در زنگ هنر
۳. به حداقل رساندن یا از بین بردن اضطراب و نگرانی ناشی از کسب نمره در والدین و دانش‌آموزان
۴. ایجاد رابطه صمیمی و دوستانه بین معلم و دانش‌آموزان در کلاس درس

۵. جلب رضایت والدین و دانش‌آموزان در پایان سال تحصیلی از آموخته‌های کلاس

۶. تقویت خودباوری دانش‌آموزان از طریق نمایش آثار آنان در نمایشگاهی به مناسبت هفته معلم.

توصیف وضعیت موجود و تشخیص مسئله

برای اولین بار کتاب جدیدالتألیف «فرهنگ و هنر» جایگزین کتاب هنر شده است و دانش‌آموزانی که کلاس ششم را پشت سر گذاشته‌اند و وارد پایه اول دوره متوسطه اول، یعنی کلاس هفتم می‌شوند، باید این کتاب را بخوانند. در مدرسه ما که مدرسه خاصی است، دانش‌آموزان در آزمون ورودی بالاترین امتیاز را کسب کرده‌اند و همگی دارای بنیه علمی بالا و تقریباً معدل ۲۰ هستند. با این حال، حجم این درس که در هفته ۲ ساعت آموزشی

را به خود اختصاص داده است، برایشان سنگین است. در ابتدای سال و با شروع تدریس این کتاب و گذشت چند جلسه، متوجه سنگینی جو حاکم بر کلاس شدم. در تماس‌های مکرر والدین با مدیر مدرسه و خودم، دریافتم که دانش‌آموزان درس فرهنگ و هنر را دوست ندارند و این ساعت برایشان با خستگی توأم است. چرا که تمرین‌هایشان را خودشان انجام نمی‌دادند و گاه مشاهده می‌کردم که با دادن دستمزد به هنرمندان شهر، کارهایی در حد حرفه‌ای ارائه می‌دادند. وقتی دلایل این کارشان را می‌پرسیدم، با پاسخ‌هایی از این دست مواجه می‌شدم: آخه نمره درس هنرم کم می‌شه، مامانم اگر نمرم بیست نشه دعوا می‌کنه، این درس از ریاضی سخت‌تره، من این درسو دوست ندارم، هیچ کس در منزل نیست که به من کمک کنه، و... .

- جریان تدریس در هنر؛
- ترس و اضطراب تلقین شده از سال‌های قبل؛
- نبود اعتماد به نفس در دانش‌آموزان؛
- کم‌لطفی والدین نسبت به این درس
- برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان؛
- ترس از کم شدن نمره درس هنر؛
- استفاده از رقابت ناسالم بین دانش‌آموزان در زمینه خلاقیت.
- با توجه به موارد یاد شده، برای رفع این مشکلات تا حد امکان کوشیدیم.
- **انتخاب راه جدید به صورت موقت**
- برای از بین بردن ابهامات و با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات، این بار از خود دانش‌آموزان در مورد چگونگی داشتن کلاسی خلاق و با نشاط نظرخواهی کردم. جواب‌هایی که دادند عبارت بودند از:
- استفاده از فضایی خارج از کلاس
- درس برای زنگ هنر؛
- استفاده از موسیقی در کلاس در صورت امکان؛
- استفاده از تصویرهای متنوع در زمینه‌های هنری؛
- معرفی هنرمندان شهر در صورت امکان؛
- و...

معاونان، مشاور مدرسه، مربی بهداشت و تعدادی از همکاران و صاحب‌نظران و کارشناسان مرتبط با موضوع را به عنوان منابع اصلی برای گردآوری اطلاعات در نظر گرفتم و نظرات هریک از آن‌ها را در جلسات جداگانه‌ای جویا می‌شدم و این نظرات را گردآوری کردم.

تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات

من و همکارانم اطلاعات جمع‌آوری شده را در نشست صمیمی به شیوه مشارکتی مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار دادیم. اهم علل به دست آمده از اطلاعات گردآوری شده عبارت بودند از:

- جایگزین کردن درس‌های دیگر در دوره ابتدایی با درس هنر؛
- تخصصی کار نکردن با دانش‌آموزان در دوره ابتدایی؛
- استفاده نکردن از دبیران و مربیان متخصص در زمینه‌های هنری؛
- خشک بودن کلاس هنر و بی‌توجهی به این درس؛
- مناسب نبودن فضای کلاس برای این درس در مدرسه؛
- بی‌توجهی به روش‌های جدید و نوین برای درس هنر در مدارس؛
- مشارکت‌پذیر نبودن معلمان در

از همه دلایل مهم‌تر اینکه این دسته از دانش‌آموزان که در دوره ابتدایی بسیار مورد توجه معلمان و کادر آموزشی قرار داشته‌اند، در دوره متوسطه اول (راهنمایی)، به دلیل ناشناخته بودن با بی‌توجهی مواجه می‌شوند و این موضوع روی روحیات و میزان خلاقیتشان خیلی تأثیرگذار است. برای من - که حدود هشت سال است در این نوع مدارس به تدریس این درس مشغولم - مواجهه با این موضوعات خیلی سخت بود و با وجود تلاش فراوان خودم، هیچ علاقه و خلاقیتی از سوی دانش‌آموزان احساس نمی‌کردم. از خودم می‌پرسیدم: علل ناتوانی و بی‌ رغبتی این دانش‌آموزان با استعداد و توانمند چیست؟ چگونه می‌توانم با به کارگیری شیوه‌ای مناسب، میزان خلاقیت و علاقه دانش‌آموزان را در درس فرهنگ و هنر افزایش دهم؟

جمع‌آوری اطلاعات (شواهد ۱)

به منظور اثبات وجود مشکل و به دنبال آن، حل این مسئله، نیاز مبرمی به اطلاعات کافی و منطقی و مطالعه مقالات و صحبت با صاحب‌نظران و کارشناسان مرتبط با موضوع احساس می‌کردم. بنابراین، دانش‌آموزان پایه هفتم مدرسه و والدین آن‌ها، مدیر،



بقیه گروه‌ها معرفی کرد که طرح بسیار جالبی بود. بعضی از گروه‌ها با گل‌های روی پارچه‌های متفاوت، گلدان زیبایی طراحی کردند و گروهی دیگر با وسایل دور ریختنی مثل پوست پسته و شانه تخم‌مرغ، گل‌های زیبایی خلق کردند. یک گروه هم نقش گل در سفره‌آرایی را به نمایش گذاشتند و با میوه‌ها گل‌های بسیار زیبایی پدید آوردند.

گردآوری اطلاعات (شواهد ۲)

بعد از اجرای جدید، مجدداً از افرادی که به نوعی از آن‌ها اطلاعات جمع‌آوری شده بود (والدین دانش‌آموزان)، از طریق پرسش‌های شفاهی و بحث و گفت‌وگو نظرخواهی شد و نمرات عملی و نتایج فعالیت‌های دانش‌آموزان نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. از خود دانش‌آموزان نیز به صورت شفاهی و از طریق پرسش‌نامه در مورد این طرح و تأثیرات آن در میزان یادگیری، ایجاد علاقه، انگیزه و خلاقیت برای حاضر شدن و نشستن در کلاس نظرخواهی شد.

اجرای جشنواره آدم برفی، انداختن روزنامه و موکت در کف کلاس و آزادی عمل در نحوه نشستن تا احساس خستگی نکنند. در جریان تدریس و انجام فعالیت‌های عملی دانش‌آموزان اجازه داشتند، خاطرات زندگی و مدرسه‌شان را برای هم‌کلاسی‌ها تعریف کنند. نقش معلم در کلاس راهنما و برطرف‌کننده ابهامات بود و در جریان کارگروه‌ها متکلم وحده نبود. برخی برنامه‌های دیگر کلاس عبارت بودند از: معرفی هنرمندان معروف نام برده در کتاب درسی‌شان در ارتباط با درس‌ها و فرهنگ کشورمان به صورت اجرای نمایش زنده در کلاس، و انجام مباحث درسی و فعالیت‌های کتاب متناسب و مرتبط با فرهنگ بومی کشورمان. در بخش نقش گل‌ها، یکی از گروه‌ها به صورت فعالیت مشارکتی و کار عملی، گل‌های مناطق مختلف ایران را با خاصیت هر کدام روی نقشه ایران و

به جای اسم شهرها چیده بود و به

بر اساس این یافته‌ها، شیوه جدیدی برای تدریس درس هنر اتخاذ کردم که در ابتدا، دانش‌آموزان با آن مشکل داشتند. چرا که کلاس به صورت گروهی اداره می‌شد. البته چینش دانش‌آموزان با کلاس‌های درس‌های دیگر متفاوت شده بود. در هر جلسه این درس، فضای کلاس باید جدیدتر می‌شد تا فضای کلاس برایشان خسته‌کننده و تکراری نباشد. در ابتدای روش جدید، از موسیقی‌های سنتی و ملایم در کلاس استفاده می‌کردم اما کم‌کم دانش‌آموزانی که به هنر موسیقی علاقه‌مند بودند، توانایی و خلاقیتشان را در این زمینه با اجرای زنده فلوت، سه‌تار، تار، گیتار و... در کلاس به نمایش گذاشتند که در نتیجه آن، دانش‌آموزان بسیار راضی و خوش‌حال‌تر از گذشته شدند.

در هر جلسه، دانش‌آموزان در مکانی جدید در کنار هم گروهی‌هایشان قرار می‌گرفتند: در سالن خوابگاه روی فرش، در صورت خوب بودن هوا، حیاط مدرسه و فضای باز، در زمستان





در این مرحله نظر همکاران نیز خواسته شد. بررسی نظرات، نتایج فعالیت‌ها و کارهای عملی همگی حکایت از پیشرفت چشمگیر در خلاقیت و فعالیت‌های هنری داشتند که علت اساسی آن، بهره‌گیری از شیوه جدید تدریس بود.

ارزیابی از تأثیرات اقدام جدید و تعیین درجه اعتبار آن

نتایج به‌دست آمده باید مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند تا اعتبار آن‌ها مشخص شود. بنابراین، به‌منظور اعتباربخشی به یافته‌ها و اطلاعات به‌دست آمده، نمرات دانش‌آموزان و نظرات همکاران، صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها، و مسئول و معاونان مدرسه مجدداً ارزیابی و بازنگری شدند. اسناد و مدارک موجود و به‌طور کلی، نتایج حاصل سودمند بودن این شیوه مشارکتی، گروهی و خلاقانه را به‌روشنی تأیید کردند و اعتبار لازم را به شواهد موجود بخشیدند.

نتایج اجرای طرح

● فعال بودن دانش‌آموزان در امر تدریس و یادگیری؛

● عملکرد معلم در نقش راهنما و هدایتگر فعالیت‌های بخش‌های گوناگون یادگیری؛
● کاهش ترس و اضطراب دانش‌آموزان برای حضور در کلاس هنر؛
● افزایش اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان؛
● برانگیختن دانش‌آموزان به اندیشیدن و دقت کردن؛

● ترغیب، دانش‌آموزان به استفاده از مهارت‌ها و خلاقیت‌هایشان، از طریق آرایش آگاهانه کلاس؛
● شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان در نمایشگاهی به مناسبت هفته معلم که رئیس اداره شهرستان، و فرماندار و والدین دانش‌آموزان از آن بازدید کردند.

پیشنهادهای

● استفاده از دبیران خلاق، مرتبط و متخصص برای تدریس درس هنر؛
● برگزاری دوره‌های آموزشی برای دبیران درس هنر و آشنایی آن‌ها با روش‌های نوین تدریس؛
● استفاده از مدرسان خلاق و با انگیزه برای تدریس در دوره‌های آموزش ضمن خدمت؛

● استفاده از موقت، روزنامه، و... به‌جای نیمکت برای نشستن در کلاس

هنر؛

● ترغیب دانش‌آموزان به تعریف خاطره و داستان در کلاس؛
● طرح سؤالات بحث‌برانگیز در حین تدریس؛

● بهره‌گیری از روش بحث و گفت‌وگو؛
● احترام به نظرات، عقاید و پیشنهادها دانش‌آموزان؛

● ایجاد و تقویت روحیه تحقیق و جست‌وجو در دانش‌آموزان؛

● تقویت اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان؛
● کمک به دانش‌آموزان برای درک ارتباط مسائل درسی با واقعیت‌های زندگی؛

● استفاده از وسایل کمک‌آموزشی تا حد امکان.

منابع

۱. مک نیف، جین، یاملا لوماکس و جک وایتهد؛ اقدام‌پژوهی. ترجمه محمد رضا آهنجیانی. انتشارات رشد. تهران، بی‌تا.
۲. سیف، حسین؛ (۱۳۷۴). بررسی تأثیر نقاشی به روش باز در پرورش خلاقیت کودکان.
۳. فضلی‌خانی، منوچهر؛ روش‌های فعال تدریس (راهنمای معلم، ج ۳). وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی. تهران. ۱۳۷۹.
۴. قاسمی پویا، اقبال؛ راهنمای معلمان پژوهنده. پژوهشکده تعلیم و تربیت، کاج، ۱۳۸۳.
۵. فصلنامه آموزشی-تحلیلی رشد آموزش هنر، تابستان ۱۳۹۱.

پیرمردی که هنوز دست به قلم و خودنویس دارد

پای صحبت مهدی اقبال آل آقا
معلم اخلاق مدار و هنرمند عاشق

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

اشاره

پیرمرد هنوز در نودوسه سالگی دست به قلم و خودنویس دارد. گویی قلم در اثر بیش از هشتادوپنج سال مؤانست به بخشی از انتهای انگشتان او تبدیل شده است. سرمایه هفتادوچند سال کار مستمر او عشق به معلمی، کتاب، هنر و دانش آموز و خانواده است. سینه و اندیشه‌ای مشحون از آیات قرآن، احادیث و اشعار نغز ادب فارسی، دست‌مایه‌های اصلی او برای نگارش قطعات خوش‌نویسی است. با این حال، بزرگ‌ترین ویژگی شخصیت او اخلاق‌مداری است. صفتی که با آن در همه مناسبات و روابط اجتماعی رسم‌تکریم و ادب را به‌جا می‌آورد. گویی هم‌کلامی با او خود کلاس یادگیری اخلاق است.

مهدی اقبال آل آقا (۱۳۰۱ کرمانشاه) مردی وارسته و متواضع است که حتی به مصاحبه و گفت‌وگو نیز به سختی رضایت می‌دهد. با این حال، اصرار نگارنده باعث شد که در گپ و گفتی صمیمانه بخشی از دانسته‌ها و دریافت‌هایش در طول زندگی را به عنوان چراغ راه جوانان و هنرمندان با ما مطرح کند. از ایشان و همسر گرامی‌شان به دلیل این همراهی صمیمانه سپاس‌گزاریم.

● **در محضر استاد مهدی اقبال آل آقا می‌خواهیم مروری داشته باشیم بر خاطرات معلمی و چگونگی روی آوردن ایشان به خط و اینکه در محضر کدام استاد کارشان را شروع کردند. البته لازم است ایشان به کرمانشاه محل تولدشان و خاطرات آنجا نیز اشاره‌ای داشته باشند.**

پدرم، استاد **محمد رضا اقبال آل آقا**، خوش‌نویس بودند که نمونه خط ایشان را به شما ارائه خواهم داد. در کتابی که نوشته‌ام تنها یک فتوکپی از کار ایشان را که امضا کرده‌اند، قرار داده‌ام. قبلاً این‌گونه نبود که هنر و نقاشی و خط اهمیت داشته باشد. ایشان در کلاس‌های مدارس معمولی ۲۵ سال تدریس خوش‌نویسی کردند. بعد از ۲۵ سال تدریس در مدارس کرمانشاه به شغل اداری مشغول شدند و چند سال رئیس اوقاف استان کرمانشاه بودند.

به‌علت خدمات شایان پدرم، درست‌کاری و صحت عمل و دانایی ایشان تمام مساجد و اماکن موقوفه

آباد شدند. زمان دکتر **مصدق** ایشان از اعضای خلع‌ید شرکت صنعتی نفت کرمانشاه بودند. مردم کرمانشاه با پایکوبی و شادی پدرم را به آغوش گرفتند و تابلوی انگلیسی شرکت نفت را پایین کشیدند. بعد از این دوران، ایشان به‌رغم اینکه در این حال و هواها نبود، به‌علت اصرار جمعی از بزرگان کرمانشاه در انتخابات مجلس دوره هفدهم شرکت کرد. به دلیل اصرار بزرگان به پدرم برای نمایندگی مجلس، ایشان از کار خود استعفا کردند. با وجود اینکه هنوز نتیجه استعفای وی مشخص نشده بود، مردم به او رأی دادند و او در آن انتخابات دوم شد و از همان موقع، یعنی سال ۱۳۳۱، ما به تهران آمديم.

● **اولین استاد خوش‌نویسی شما چه کسی بود؟**

پدرم خوش‌نویس بود و من هم البته تمریناتی انجام می‌دادم. سال ۱۳۳۷ برای اولین بار به کلاس‌های آزاد خوش‌نویسی نزد استاد حسین

میرخانی رفتم. خاطرم هست در اولین دیدار، ایشان از هنر جوها خواستند که سرمشقی را بنویسند! من بعد از نوشتن به خیال اینکه خوب نوشته‌ام، نزد ایشان رفتم اما وقتی ایشان دست به قلم بردند، خجالت کشیدم. ایشان استاد خط نستعلیق من و برادرشان استاد خط نسخ و ثلث و استاد **ابراهیم بودری** هم استاد خط شکسته من بودند.

● **چه مدت شاگرد استاد حسین بودید؟**

یک سال در سال ۱۳۳۷ و یک سال هم در سال ۱۳۴۸ شاگرد ایشان بودم. کلاس‌های ایشان در خیابان «صفی علی‌شاه» برگزار می‌شد.

● **استاد حسین را چگونه به یاد می‌آوردید؟**

ایشان بسیار خوب بودند. هم خط بسیار بسیار زیبایی داشتند، و هم سلیم‌النفس و متواضع بودند. خط ایشان به قدری زیبا بود که انسان محو

آن می‌شد. بعد از اینکه در سال ۱۳۴۸ گواهی «ممتاز» گرفتم به من محبتی پیدا کردند.

● در آن سال‌ها شما تدریس هم می‌کردید؟

بله، بعد از هجرت به تهران من دبیر دبیرستان‌ها بودم و ادبیات، عربی و فلسفه و در کل علوم انسانی درس می‌دادم.

● خوش‌نویسی هم تدریس می‌کردید؟

بله، در همان دبیرستان‌ها خط هم درس می‌دادم. خلاصه در سال ۱۳۵۳ از من خواستند که با انجمن خوش‌نویسان همکاری کنم و در سال ۱۳۵۴ هم خواستند عضو مؤسس انجمن باشم. استاد امیرخانی، استاد **خروش**، و استاد **واشقانی** به هیئت مدیره نامه نوشتند که حضور من در آنجا لازم است. بعد از انقلاب اسلامی، استاد امیرخانی جانشین استاد **میرخانی** شدند و از بنده خواستند که اساس‌نامه فرهنگ و هنر نوشته شود. من هم اساس‌نامه جدید انجمن را تنظیم کردم.

● همان اساس‌نامه‌ای که سال‌ها دست دوستان انجمن بود، توسط شما آماده شده است؟

بله، مرتباً اصلاحاتی هم روی آن انجام می‌شد. اولین جلسه مجمع عمومی با حدود ۱۰۰ نفر در سال ۱۳۵۸ تشکیل شد. من در اساس‌نامه، شورای عالی و واحدهای اجرایی را پیش‌بینی کرده و خودم هم مدیر واحدهای حقوقی شده بودم. بعد از آن، انجمن روی روال دیگری افتاد ولی باز همان کلاس‌های خوش‌نویسی را داشتیم و سال ۱۳۴۶ به «انجمن خوش‌نویسی ایران» تبدیل شد.

● استاد، سال‌های معلمی چگونه گذشت؟

من از سال ۱۳۲۴ به‌عنوان دبیر استخدام شدم. سال دوم خدمت از من خواستند ریاست فرهنگ ایلام را بپذیرم. در آن زمان پدر خانم من در ایلام رئیس گمرک و دارایی ایلام بودند. سال ۱۳۳۲ به تهران آمدم و در دبیرستانی مشغول تدریس شدم. تا اینکه در سال ۱۳۴۰ معاونت «دبیرستان محمدعلی فروغی» را به عهده من گذاشتند. زمانی که به‌علت حضور درخشش (وزیر آموزش و پرورش وقت) فرهنگ در حال تحول بود، سه سال در آن مدرسه معاونت کردم. بعد از آن برای ریاست «دبیرستان آرش» - که متعلق به یک گروه فرهنگی بود - دعوت شدم و بعد هم به «دبیرستان کمال» در نارمک رفتم. در سال ۱۳۴۹ بعد از ۲۶ سال خدمت، دوره تدریس و کار من به پایان رسید و بازنشسته شدم.

● شیرین‌ترین خاطره دوره خدمت معلمی، معاونت و ریاست شما چیست؟

بهترین دوران خدمت من مربوط به دبیرستان‌های محمدعلی فروغی، آرش و کمال است. در مدرسه فروغی، یک روز دیدم مبصر کلاس پنجم هراسان پیش من آمد و مرا به کلاسشان برد. دیدم که معلم کلاس دینی به دلیل شیطنیت دانش‌آموزان، به شدت از آن‌ها عصبانی است. از ایشان خواستم به دفتر دبیرستان بروم تا من نزد ایشان بازگردم اما ایشان یک راست از مدرسه بیرون رفت و دیگر به مدرسه بازنگشت. از آنجا که معلم دینی نداشتیم، خودم کلاس‌های دینی را اداره می‌کردم. کلاس به‌گونه‌ای شده بود که نه‌تنها دانش‌آموزان ساکت بودند بلکه حتی

دانش‌آموزان مسیحی که ملزم به شرکت در کلاس‌های دینی نبودند، سر این کلاس‌ها حاضر می‌شدند.

● در واقع تدریس شما مصداق این شعر است، که «درس معلم ار بود زمزمه محبتی / جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را» به‌نظر شما علت چه بود؟

علت این بود که من به دانش‌آموزان همانند فرزندان خودم می‌نگریستم و آن‌ها مرا همانند پدر خود می‌دیدند.

● از دید شما، ۲۶ سال خدمت معلمی چه حاصلی داشته است؟

حاصل آن محبت بود. وقتی در مدرسه کمال مدیر بودم، در کنار صندلی خودم صندلی گذاشتم و به دانش‌آموزان اعلام کردم: هر کس، هر گونه مشکلی دارد، اعم از خانوادگی و درسی، آزادانه می‌تواند آن را با من در میان بگذارد.

● دانش‌آموزان از این طرح استقبال کردند؟

بله، بسیار استقبال شد.

● اگر فرصتی داشته باشید که به گذشته باز گردید، آیا باز هم معلمی را انتخاب می‌کنید؟

بله، حتماً!

● چرا؟

زیرا سالم‌ترین و بهترین محیط، محیط تعلیم و تربیت است. البته در انجمن خوش‌نویسان نیز همین محیط وجود داشت.

● توصیه شما به همکاران فرهنگی و مدرسان چیست؛ برای اینکه لذت معلمی را تجربه کنند و آن را به دانش‌آموزان و هنرآموزان انتقال



دهند.

معلم‌ان طبق مقررات یک سلسله وظایف قانونی دارند. البته وظایف اخلاقی هم دارند که بسیار مهم است. رابطه معلم‌ان با دانش‌آموزانشان باید از جنس رابطه پدر و فرزندی باشد. به غیر از این جواب نمی‌دهد. معلم‌ان باید نسبت به دانش‌آموزان عاطفه و مهر پدری داشته باشند.

● **نظر شما در مورد خط نستعلیق فارسی چیست؟**

زیباترین خط جهان است. تمام شاکله این خط برگرفته از طبیعت است. من وقتی به یک «عین» معکوس برمی‌خورم، آن را مانند قویی زیبا می‌بینم که در دریایی آرام در حال حرکت است.

● **علت اینکه می‌گویند این خط با روح ایرانی سازگار است، چیست؟**

علت این است که تمام شاکله‌های این خط در ذهن همه ما وجود دارند و به آن‌ها عشق می‌ورزیم.

● **استاد، وقتی خط زیبایی می‌نویسید، چه حسی به شما دست می‌دهد؟**

حس بسیار خوبی است؛ نوعی ذوق و شادی درونی است.

● **به خاطر دارم شما تابلوهایی با اندازه جلی می‌نوشتید. از این طریق دوست داشتید چه حسی را به بیننده انتقال دهید؟**

وقتی خطی نوشته می‌شود دو چیز در آن وجود دارد: یکی شاکله خط و دیگری

محتوایی که آن متن دارد و پیامی که به بیننده منتقل می‌کند. من می‌خواستم با پیام غنی حس مثبتی را در مخاطبم ایجاد کنم.

● **اتفاقاً من هم به همین دلیل این سؤال را مطرح کردم. زیرا می‌بینم شما با وجود اینکه شعر هم می‌نویسید، بیشتر احادیث و آیات قرآن را خوش‌نویسی می‌کنید. علت چیست؟**

دوازده ساله که بودم، عمویم در کرمانشاه حسینی‌ای داشت که در آنجا مراسم عزاداری برگزار می‌شد. این حسینی‌ها بعدها خراب شد. در یکی از شب‌های محرم در آن حسینی‌ها از مداحی شنیدم که هر کس برای **امام حسین (ع)** گریه کند، به بهشت



فصل اول: اعجاز قرآن کریم (اعجاز علمی، ادبی و عددی).

فصل دوم: نبی خاتم و رسول مکرم (ص) که در رابطه با ایشان دو موضوع مطرح شده است: یکی اشارات بنی اسرائیل به پیامبری و نبوت آن حضرت، و دیگری، مهر اسلام و رأفت پیامبر خاتم.

فصل سوم: کرامت و تکریم بنی آدم از نظر قرآن.

فصل چهارم: «آمدن از کجا و رفتن به کجاست» که برگرفته از مصرعایی از خیام است.

فصل پنجم: ماجرای خلیج فارس و حوادث آخرالزمان. حضرت علی (ع) بعد از آخرین جنگی که با خوارج داشتند، دل سوخته در مورد آینده عراق سخنرانی می کنند و وضعیت عراق کاملاً با سخنان ایشان مطابقت دارد. مطلب

و خط همواره باقی خواهد ماند. علاقه ای که به خوش نویسی وجود دارد باعث بقای آن خواهد شد. ارزش تابلویی که به خط یک خوش نویس نوشته شده باشد، با خطهای رایجانه ای قابل مقایسه نیست و مردم اولی را انتخاب می کنند.

● **با وجود گرفتاری های بسیاری که داشته اید آیا کتابی را کتابت و مدون کرده اید؟**

اخیراً در حال نوشتن کتابی هستم با عنوان «چشم دل باز کن» که عنوان آن را از هاتف اصفهانی گرفته ام.

● **مضمون کتاب شما چیست؟**
مضمون آن معرفی اسلام واقعی است. در واقع، مطالعات و تجربیات خودم را در قالب این کتاب مدون کرده ام. این کتاب هفت فصل دارد:

می رود. این مطلب ذهن مرا بسیار به خود مشغول کرد. با خودم گفتم: چگونه همه افرادی که در این حسینیه هستند و برای عزاداری آمده اند، با وجود کارهای نادرستی که ممکن است انجام داده باشند، فقط با ریختن اشک برای امام حسین (ع) به بهشت می روند؟! از طرف دیگر، به این موضوع فکر می کردم که اگر در خانواده ای مسیحی یا کلیمی متولد می شدم، خودم هم به دین آن ها بودم. همین مسائل باعث شد که به مطالعه در زمینه دین علاقه مند شوم. از آن موقع مطالعه قرآن و احادیث از علائق من بوده است و تجلی این مطالعات در قطعات خوش نویسی من دیده می شود.

● **آینده خوش نویسی را چگونه پیش بینی می کنید؟**
خوش نویسی هیچ وقت از بین نمی رود

سراسر کشور به وجود آورد و انتخابات را انجام دهد.

● استاد، آیا ما می‌توانیم چندین انجمن خوش‌نویسی با گرایش‌های مختلف داشته باشیم؟

بله می‌توانیم، ولی نه با نام انجمن خوش‌نویسان ایران. هویت اصلی این انجمن باید حفظ شود.

● به خوش‌نویسان چه توصیه‌ای می‌کنید؟

باید مدرس خوب داشته باشند و بسیار تمرین کنند.

● از شما استاد عزیز برای شرکت در این گفت‌وگو کمال تشکر را دارم.

کاملاً، به‌دلیل اینکه خوش‌نویس هیچ‌گاه حرف بیهوده و بی‌محتوایی را نمی‌نویسد. او در مطالعه خود همیشه در پی آن است که گزیده‌ها را بنویسد و خوش‌نویسی کند. بنابراین، خودش در زندگی تربیت خواهد شد.

● با توجه به مشکلاتی که انجمن خوش‌نویسان دارد، به‌عنوان یک منبع اصلی تجربه برای حل مشکلات خوش‌نویسی و با نگاهی خیرخواهانه، چه توصیه‌ای برای خوش‌نویسان دارید؟

وزارت ارشاد باید طرفین را دعوت کند و با گفت‌وگوهای پدراشه آن‌ها را به هم‌فکری و اتحاد بخواند. بعد یک مجمع عمومی از نمایندگان انجمن در

دیگری هم در این فصل وجود دارد با عنوان «جنگ نهایی جهانی» که آن را از آیه‌ای از قرآن استنباط کرده‌ام.

فصل ششم: پرستش و آیین آن در اسلام،

فصل هفتم: بخش دیگری از معارف بلندپایه اسلام.

در نهایت هم منابع و مآخذ را آورده‌ام.

● نقش همسر شما در توفیقات جناب عالی و گرایش‌تان به هنر چه بوده است؟

کتاب «چشم دل باز کن» را به ایشان اهدا کرده‌ام. در مقدمه کتاب بیتی از نظامی آورده‌ام که وصف حال ایشان است:

سایه خورشید سواران طلب
رنج خود و راحت باران طلب
در تمام عمر ایشان این گونه بوده‌اند.

● توصیه شما به جوان‌ها چیست؟ چگونه باید قدم در راه ارزشمندی که شما طی کرده‌اید بگذارند؟

اول اینکه هیچ سخن بی‌دلیلی را قبول نکنند و بعد برای موفقیت در زندگی باید عاشق باشند: اول عاشق خدا، بعد عاشق حقیقت و بعد عاشق همه دنیا:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
این عشق در وجود هر کسی زبانه بکشد، هم او را به آدمیت می‌رساند و هم بر دیگران تأثیر می‌گذارد.

● خوش‌نویسی در این مقوله نقشی دارد؟



سعید دولتی، دبیر هنر



ترکیب مواد، ۱۳۸۷، ۸۰×۱۰۰، ۱۳۸۷

سعید دولتی، متولد ۱۳۵۵، فامنین

- فارغ التحصیل رشته نقاشی از دانشگاه هنر تهران، ۱۳۸۲
- فارغ التحصیل و عضو انجمن خوش‌نویسان ایران، ۱۳۸۰
- سرگروه دبیران هنر استان از سال ۱۳۸۵ تاکنون
- مدرس هنر هنرستان و مراکز فنی حرفه‌ای
- مدرس نگارخانه تجسمی «هنرنو»، ۱۳۸۴
- مدرس اولین سالانه نقاشی، ۱۳۹۰
- مسئول خانه نقاشان حوزه هنری استان از سال ۱۳۸۹ تاکنون
- مسئول انجمن هنرهای تجسمی بسیج هنرمندان از سال ۱۳۸۸ تاکنون
- عضو اصلی هیئت مدیره انجمن کاریکاتور از سال ۱۳۸۷ تاکنون
- برپایی پنج نمایشگاه انفرادی در تهران
- برپایی نمایشگاه و کارگاه آموزشی (ورک‌شاپ) نقاشی در
- شرکت در بیش از ۵۰ نمایشگاه گروهی در داخل و خارج از کشور (فرانسه، انگلیس، اسپانیا، و... و موزه‌های معاصر تهران و اصفهان، خانه هنرمندان ایران، گالری‌های صبا، والی، آریا و برگ، فرهنگ‌سراهای نیاوران و ارسباران، گالری برج میلاد، باغ موزه قصر و...)
- کسب ده‌ها جایزه ملی و بین‌المللی و دریافت لوح و تندیس از ریاست محترم جمهور، وزیر فرهنگ و ارشاد، وزیر آموزش و پرورش، رئیس حوزه هنری کشور و...
- شرکت در آرت اکسپوهای ملی و بین‌المللی
- همکاری با صدا و سیما، مجلات و روزنامه‌های ملی و محلی در زمینه آموزش هنر، نقد، مقاله‌نویسی و...
- داوری و دبیری در مسابقات، کارگاه‌های آموزشی و جشنواره‌های گوناگون استانی و کشوری



ترکیب مواد، ۸۰×۶۰، ۱۳۸۵



ترکیب مواد، ۷۰×۷۰، ۱۳۸۸



ترکیب مواد، ۸۰×۱۰۰، ۱۳۸۹



ترکیب مواد، ۸۰×۱۰۰، ۱۳۸۷



ترکیب مواد، ۸۰×۶۰، ۱۳۸۶



ترکیب مواد، ۷۰×۱۰۰، ۱۳۸۹



ترکیب مواد، ۱۰۰×۸۰، ۱۳۸۹



ترکیب مواد، ۷۰×۱۰۰، ۱۳۹۰



ترکیب مواد، ۸۰×۸۰، ۱۳۸۸

خلق تصویرهای اصیل قوانین را بشکنید

مهسا قبايي

«گفت‌وگو درباره قوانین ترکیب‌بندی پیش از گرفتن عکس، مانند گفت‌وگو درباره قوانین جاذبه زمین است پیش از اقدام به راه رفتن.»
ادوارد وستون

قوانین ساخته شدند تا شکسته شوند

قوانین ترکیب‌بندی را یاد بگیرید و با تمرین یادگیری خود را کامل کنید، اما هرگز از شکستن آن‌ها نترسید. هر عکسی که می‌گیرید، آن را مطابق فرمول‌های از پیش تعیین‌شده ترکیب‌بندی نکنید. در چنین حالتی تصویرهای شما همواره قابل پیش‌بینی خواهند بود.

خط افق را در میان تصویر قرار دهید

با قرار دادن خط افق در میان تصویر شروع کنید. چنین تصویرهایی کاملاً متعادل هستند و چشم با آرامش به آن‌ها نگاه می‌کند. این نوع ترکیب‌بندی به‌ویژه هنگام عکاسی از مناظر طبیعی بسیار کارآمد است؛ به‌ویژه وقتی که تصویر منعکس شده در یک دریاچه آرام را عکاسی می‌کنید. (تصویر ۱)



سوژه اصلی را در میان تصویر قرار دهید

اگر می‌خواهید تصویرهای پرتحرک خلق کنید، قطعاً آخرین انتخاب شما قرار دادن سوژه اصلی در میان تصویر خواهد بود. اما به‌خاطر داشته باشید، گاهی تصویرهای نچواگونه توجه خیلی بیشتری جلب می‌کنند از تصویرهایی که شعارشان را فریاد می‌زنند. (تصویر ۲)



۳



۴



۵

تصویر از کیمیا بارید کلیایی



به لبه تصویر نزدیک شوید

با نزدیک‌ترین سوژه اصلی به لبه کادر، کمی هیجان و نگرانی در تصویر ایجاد می‌کنید؛ چون این چیزی نیست که بیننده انتظار دیدن آن را داشته باشد. بنابراین این کار توجه او را به خود جلب می‌کند؛ به‌ویژه وقتی که باقی تصویر خالی باشد. (تصویر ۳)

حواس را به چالش بکشید

از رنگ‌های تکان‌دهنده و زوایای دید غیرعادی برای خلق تصویرهایی با ترکیب‌بندی‌هایی که حواس را به خود جلب می‌کنند، استفاده کنید. ابتدا با ترکیب‌بندی‌های متعارف و معمولی شروع کنید و بعد هر کاری که می‌توانید بکنید تا آن را تغییر دهید.

کشش ایجاد کنید

عکس‌العمل ما هنگامی که به یک عکس نگاه می‌کنیم، براساس تجارب زندگی و خاطراتی است که آگاهی بصری و حالت‌های احساسی ما را شکل داده‌اند. اما اگر تصویری خلق کنید که تشابه یا تطابقی با هیچ یک از خاطرات و تجربیات قبلی بیننده نداشته باشد، کشش بصری بیشتری ایجاد کرده‌اید. به‌دلیل اینکه بیننده شما هیچ معیار مقایسه‌ای از پیش تعیین‌شده‌ای ندارد.

لنزهای زاویه باز برای عکاسی از چهره

لنزهای زاویه باز باعث کشیدگی در پرسپکتیو تصویر می‌شوند. اگر هنگام عکاسی از چهره با یک لنز واید، به سوژه نزدیک شوید، تصویر چهره سوژه شما دچار کشیدگی و از ریخت افتادگی می‌شود: بینی بزرگ، چشم‌های برجسته و دهان گشاد. (تصویر ۴)



سوژه‌های متروکه

یکی از راه‌های غافلگیر کردن بیننده، عکاسی از عناصر فراموش شده یا سوژه‌هایی است که در زندگی روزمره کمتر کسی به آن‌ها دقت می‌کند؛ نقاشی‌های روی دیوار، باجه‌های تلفن، علائم مغازه‌ها، آشغال‌ها، نیمکت‌های شکسته و غیره. (تصویر ۷)

دوربین را بچرخانید

معمولاً سعی ما بر این است که هنگام عکاسی دوربین را صاف و کاملاً تنظیم‌شده نگه داریم. اما اگر عمداً و آگاهانه دوربین را از حالت صاف و ایستا، خارج کنید و هم‌زمان از یک زاویه غیرمعمول استفاده کنید، نتیجه آن چشم‌گیر خواهد بود. (تصویر ۸)

این چیه؟

تلاش کنید عکس‌هایی بگیرید که بیننده در نگاه اول نفهمد به چه نگاه می‌کند. آن قدر به سوژه نزدیک شوید تا از وضوح خارج شود و یا عمداً با حرکت دادن دوربین، تصویر را از وضوح خارج کنید. البته باید توجه داشت که همه تکنیک‌های تاکنون گفته شده برای خلق تصویرهایی که خارج از عادت معمول چشم بیننده‌اند، در صورتی به تولید عکس‌های بامسما منجر می‌شوند که محتوای عکس هماهنگ با فرم آن باشد. طبیعی است که برای ایجاد جذابیت و یا اسرارآمیز کردن هر سوژه‌ای نباید از این تکنیک‌ها استفاده کرد. (تصویر ۹)

از زوایای غیرعادی عکاسی کنید

معمولاً ما دنیا را از ارتفاع ۱/۵ تا ۲ متری سطح زمین می‌بینیم؛ یعنی از ارتفاعی که چشم‌مان دنیا را می‌بیند. عکس‌هایی هم گرفته می‌شوند، از همین زاویه دید هستند. اما اگر از سوژه‌های آشنا، با زوایای دید غیرعادی عکاسی کنیم، تصویرهای خیلی جالب‌تری خلق می‌شوند. (تصویر ۵)

بخشی از سوژه را حذف کنید

اگر قصد دارید تصویری سرشار از توطئه خلق کنید، بخش مهمی از سوژه را حذف کنید. برای مثال، هنگام عکاسی از چهره، نیمی از تصویر را از کادر خارج کنید. چنین تصویری سرشار از رمز و راز دیده خواهد شد. (تصویر ۶)

یک چیز متفاوت را امتحان کنید

اگر قصد دارید یک تصویر اصیل بسازید، باید به راه‌هایی فکر کنید که کار شما را از کار دیگران متمایز می‌کنند. به‌ویژه که اکنون با وجود دوربین‌های دیجیتالی و پیشرفت‌های فناوریانه، خلق تصویرهایی با نوردهی صحیح و وضوح بالا کار سختی نیست. بنابراین آنچه باعث تمایز کار شماست، تخیل و ایده‌های شماست.

به بالا نگاه کنید، به پایین نگاه کنید

هنگام عکاسی نباید به عکاسی از ارتفاع چشم^۲ اکتفا کنید. در مناطق شهری، جبهانی که در بالای سر شما قرار دارد، موضوعات بسیاری را در اختیار شما قرار می‌دهد. مناظر طبیعی و آنچه در زیر پای شما قرار دارد هم می‌تواند به همان اندازه مناظر روبه‌رویتان جذاب باشند. (تصویر ۱۱)

بالا تر بروید

اگر احتیاج دارید که از زاویه دید بالاتری عکاسی کنید، به دنبال جاهایی بگردید که این امکان را در اختیارتان قرار می‌دهند؛ درختان، بالکون‌ها، دیوارها و یا حتی سقف ماشین‌تان. (تصویر ۱۰)

نردبان‌های کوتاه

بعضی از عکاسان طبیعت یا عکاسان معماری در صندوق اتومبیلشان همواره یک نردبان برای بالا بردن ارتفاع دوربینشان حمل می‌کنند. این امکان تغییر بزرگی در پرسپکتیوی که به دست می‌آورید، ایجاد می‌کند.

۱۰



۱۱



۹



تصویر از کیمیا جهانشاهی

تنبلی نکنید

هرچه بیشتر تلاش کنید، بیشتر به دست می‌آورد. اگر در عکاسی تنبلی کنید، آنچه به دست می‌آورد از متوسط بالاتر نخواهد بود. اما اگر مسافت بیشتری طی کنید، کمی بیشتر زمان صرف کنید و مکان عکاسی‌تان را کاملاً بگردید، نتیجه آن عکس‌های بسیار بهتری خواهد بود. (تصویر ۱۲)

تصویرهای فوری خلق کنید

خلاقیت را تمرین کنید. همواره یک دوربین کوچک^۳ به همراه داشته باشید. به این ترتیب هر زمان و هر جا که بخواهید، می‌توانید آنچه را که توجه شما را جلب کرده است، به تسخیر دوربین خود درآورید. (تصویر ۱۳)

از تکنیک عبور کنید

اگر همه آن چیزی که در تصویر با آن مواجه می‌شوید، تکنیک است، می‌توان گفت که آن تصویر شکست‌خورده است. اما نباید این موضوع مانع خلاقیت شما شود. شما می‌توانید با استفاده از اشباع رنگ^۴ در «فوتوشاپ» تصویری معمولی را به یک تصویر خاص تبدیل کنید. یا بخشی از تصویر را سیاه و سفید کنید و باقی آن را بگذارید رنگی بماند. به تخیل خود اجازه بروز دهید. (تصویر ۱۴)

ریسک کنید

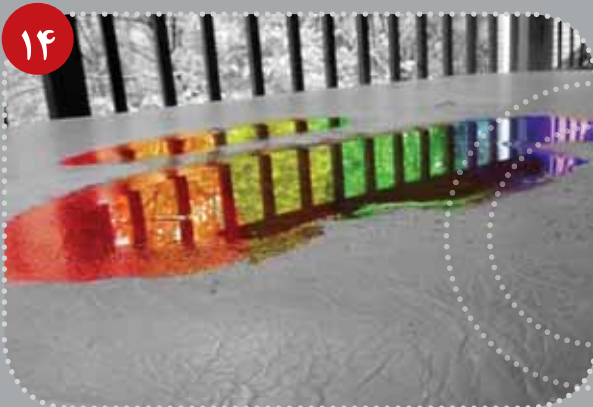
اکثر عکاسان موفق و خلاق کسانی هستند که همواره برای خلق تفاوت‌ها، ریسک می‌کنند. دانستن قوانین در هر کاری الزامی است، اما ماندن در چارچوب این قوانین با روح خلاقیت و هنر در تضاد است.

از کلمات استفاده کنید

اغلب گفته می‌شود که عکس خوب احتیاجی به توضیح و توصیف ندارد. اما گاهی اضافه کردن لغات به یک تصویر آن را به مرحله بالاتری از خلق می‌برد و ارتباط بیشتری بین هنرمند و مخاطبش برقرار می‌کند. پس گاهی عکس‌هایتان را نام‌گذاری کنید و در این نام‌گذاری از عنوان‌های غیرعادی و یا یک بیت شعر استفاده کنید.

پی‌نوشت‌ها

1. wide angle
2. eye level
3. compact
4. Hue/saturation



نقاشی، زبان کودک است

جبارکشاورز

کارشناس آموزش هنر

خانگی دارد، یا عاشق حیوانات است، و یا حتی زیاد به باغ وحش می‌رود، طبیعی است که حیوان بکشد. پس فرهنگ و طرز زندگی کودک در خانواده اهمیت زیادی دارد. گاهی ممکن است کودک احساس گناه و تقصیری را که تجربه کرده و جرئت نکرده است آن را ابراز کند، در نقاشی و در قالب حیوان نشان دهد. مثلاً کودکی ممکن است به دلیل اینکه شب قبل در رخت‌خواب ادرار کرده است و از این نظر احساس گناه می‌کند، در نقاشی‌اش شکل مارمولک بکشد.

کشیدن حیوانات درنده نشانه فشارهای درونی مخفی کودک است. مثلاً کودکی که نسبت به برادر کوچک‌تر تازه به دنیا آمده‌اش حسادت می‌کند، در نقاشی ممکن است گرگ بکشد که این نشان‌دهنده ترس و دلهره کودک از تازه وارد کوچولو است.

توجه داشته باشید که شما نباید موضوع نقاشی کودک خود را تعیین کنید و نباید بالای سر او بنشینید و به میل خودتان به او مدارنگی بدهید. او در نقاشی کردن باید آزادی کامل داشته باشد. در پایان نقاشی از کودک بخواهید که در مورد اجزای آن برای شما حرف بزند. کودکان را به کشیدن تشویق کنید اما آن‌ها را مجبور نکنید که همین الان برای شما نقاشی بکشند.

کودکان در نقاشی خود ماه را با مرگ معنی می‌بخشند.

آسمان و زمین

آسمان به معنی الهام و پاکی، ولی زمین به معنی ثبات و امنیت است. کودکان خیلی کوچک هیچ وقت خطی برای نشان دادن زمین ترسیم نمی‌کنند ولی در پنج یا شش سالگی - که آغاز درک دلایل منطقی است - به کشیدن زمین نیز می‌پردازند.

خودرو

در جامعه امروزی خودرو نشانه قدرت است به همین دلیل در نقاشی‌های کودکان مخصوصاً پسرچه‌ها خودرو زیاد دیده می‌شود. بیشتر نوجوانان به بهانه اینکه کشیدن تصویر آدم حوصله‌شان را سر می‌برد یا سخت است، از کشیدن شکل آدم خودداری می‌کنند. به اعتقاد روان‌شناسان، ترجیح دادن کشیدن خودرو در این دوره خود به خود نشان‌دهنده وابسته بودن شخص به دنیای خارج و زندگی ماشینی است؛ البته این مسائل به سن، فرهنگ، عوامل ذهنی و... نوجوان بستگی دارند.

حیوانات

اگر در نقاشی کودک شما تصویر حیوانات دیده می‌شود، می‌توانید از طریق صحبت با او، به دلیل آن پی ببرید. کودکی که در روستا زندگی می‌کند، یا حیوان

نقاشی زبان کودکان است. کودکان بر خلاف بزرگسالان از طریق نقاشی کشیدن، قصه‌گویی، بازی کردن و... شناخته می‌شوند. نقاشی به ما کمک می‌کند به دنیای درونی و روح کودک پی ببریم و بدانیم چه نیازهایی دارد. آیا کودک ناسازگار یا بیمار است؟ در بزرگسالی می‌خواهد چه کاره شود؟ و...

مادر اینجا مفهوم خورشید؛ ماه، آسمان، زمین، خودرو و حیوانات را بررسی خواهیم کرد. لطفاً توجه داشته باشید که شما به کودک موضوع نقاشی نمی‌دهید و خودش آزادانه نقاشی می‌کند.

خورشید و ماه

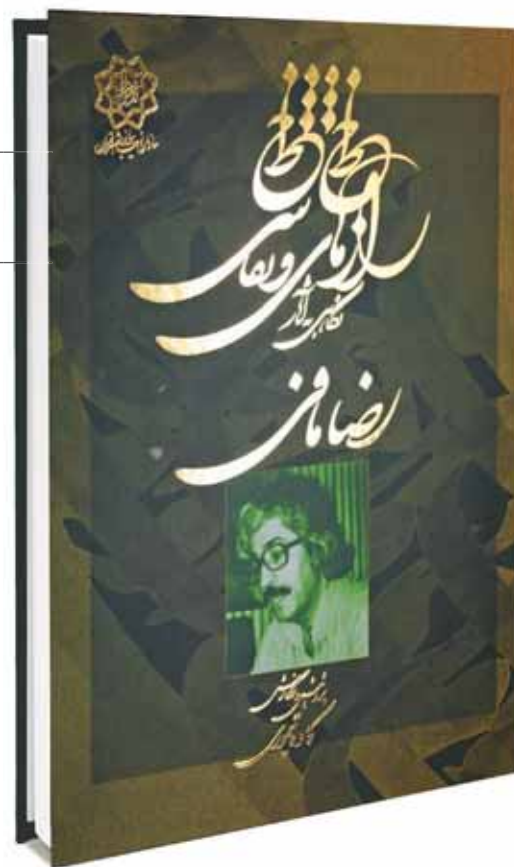
در اغلب نقاشی‌های کودکان خورشید دیده می‌شود. خورشید نشانه امنیت خوش‌حالی، گرما، قدرت و به قول روان‌شناسان خورشید به معنی پدر است. وقتی رابطه کودک و پدر خوب است، کودک خورشید را در حال درخشیدن می‌کشد و وقتی رابطه آن دو مطلوب نیست، کودک خورشید را پشت کوه ناپدید می‌سازد. ترس کودک از پدر به رنگ قرمز تند و یا سیاه در نقاشی دیده می‌شود. البته فقط با یک نقاشی نمی‌توان به قضاوت پرداخت بلکه باید چند نقاشی کودک را بررسی کرد. ماه نشانه نیستی است. کودکان غالباً ماه را کنار قبر و قبرستان می‌کشند.

رازهای خط و نقاشی خط

مجتبی بابائیان



نقاشی خط اثر مافی ۱۳۵۳، منبع: کتاب اکسپوی اکتبر ۲۰۰۸



میرزا غلامرضا اصفهانی، راه پیشرفت و سلوک هنری خط را به خوبی طی کند. ذهن پویا، جست‌وجوگر و خلاق مافی به این همه قانع نبود و مدام به دنبال پیدا کردن راهی نو برای ارائه توانایی‌های خود در حیطه خط بود.

آشنایی و دوستی مافی با هنرمندان معاصر خود مانند مرحوم پیل آرام، زنده رودی، سهراب سپهری، محمد احصایی و... بهانه‌ای دیگر بود که او را مجاب می‌کرد تا دست به کارهای نو بزند و با تمایل به نقاشی خط کارهای خود را به سمت این شیوه سوق دهد. حضور پررنگ مافی در آفرینش آثار فاخر و خلاق نقاشی خط و برپایی چند نمایشگاه، خیلی زود او را به عنوان یک خوش‌نویس نوگرا در کشور مطرح ساخت اما متأسفانه ایشان در اوج شکوفایی و در آغاز دوران پختگی هنری، بر اثر یک حادثه خیلی زود سر در خاک فرو برد و به جایگاه ابدی پر

در این میان نقش محققان و دلسوختگان فرهنگ و هنر ایرانی در اشاعه، روشنگری و معرفی هنر و هنرمندان نقاشی خط غیرقابل‌انکار است. آنان با تعصب و دلسوزی تمام مشکلات این کار طاقت‌فرسا را به جان می‌خرند و با کنکاش و جست‌وجوگری در آثار تأثیرگذاران و نام‌آوران هنر هر دوره، باعث ماندگاری هنرمندان و آثار آن‌ها و همچنین چراغ راهی برای ادامه‌دهندگان این راه می‌شوند.

بدون شك یکی از هنرمندان پیشگام خلاق و تأثیرگذار در حیطه خط و نقاشی خط کشورمان زنده یاد استاد رضا مافی است که در عمر کوتاه هنری خود نقش بسزایی در تحول خط و نقاشی خط داشته است. مافی توانست پس از فراگیری آموزش کلاسیک خوش‌نویسی نزد استادان بنام زمان خویش و بهره‌گیری از شیوه‌های قدما، خصوصاً

رازهای خط و نقاشی خط، نگاهی به آثار رضا مافی، پژوهش و نگارش کاوه تیموری رحلی بزرگ، گالینگور، کاغذ گلاس، ۱۳۹۳ ناشر سازمان زیباسازی شهرداری تهران

خط و نقاشی خط با توجه به جایگاه والایی که در فرهنگ ما دارد، همواره مورد توجه بوده و هنری مقدس قلمداد شده است. همچنین از تأثیرگذاران در روند تکامل، پرورش و پختگی خط و خوش‌نویسی به عنوان هنرمندان ماندگار و نخبه زمان خویش یاد شده است. حس خلاق و نوآور هنرمند ایرانی در گذر زمان همواره سعی کرده است، خلاقیت و نوآوری را دستمایه کار خود قرار دهد تا بتواند نقش خود را به عنوان هنرمندی جست‌وجوگر و پویا به خوبی ایفا کند. سیر تحول خط و نقاشی خط ایرانی در این راستا خود شاهد گویایی بر چنین ادعایی است.



سیاه مشق روی ورق طلا سال ۱۳۵۴ از مجموعه خانواده طاهباز ۲۱×۱۱



کارت تبریک چاپ موزه نگارستان، دهه پنجاه



نقاشی خط روی بوم از مجموعه محمد مافی ۱۰۰×۸۰

جمع‌بندی قابل قبول و تحسین‌برانگیزی از آثار او ارائه شده و در فصل پنجم بخش دیگری از آثار وی معرفی شده است. نکته قابل توجه در این کتاب که بسیار حائز اهمیت است و محقق به خوبی از عهده آن برآمده‌اند، تطابق آثار مافی با آثار دیگر هنرمندانی است که به نحوی از ایشان الهام گرفته‌اند و این تأثیرپذیری در آثارشان مشهود است. در این کتاب ۲۷۰ اثر از زنده یاد مافی معرفی شد که ۱۳۰ اثر برای اولین بار مقابل چشم مخاطبان قرار گرفته است. این حرکت محقق در جهت معرفی و حفظ چهره‌های تأثیرگذار در هنر کشور، خصوصاً خط و نقاشی خط، بسیار مبارک است و امیدواریم تدوین این دست کتاب‌ها به قلم ایشان ادامه‌دار باشد. لازم است از اهتمام سازمان زیباسازی در چاپ نفیس و نشر این اثر نیز تشکر شود.

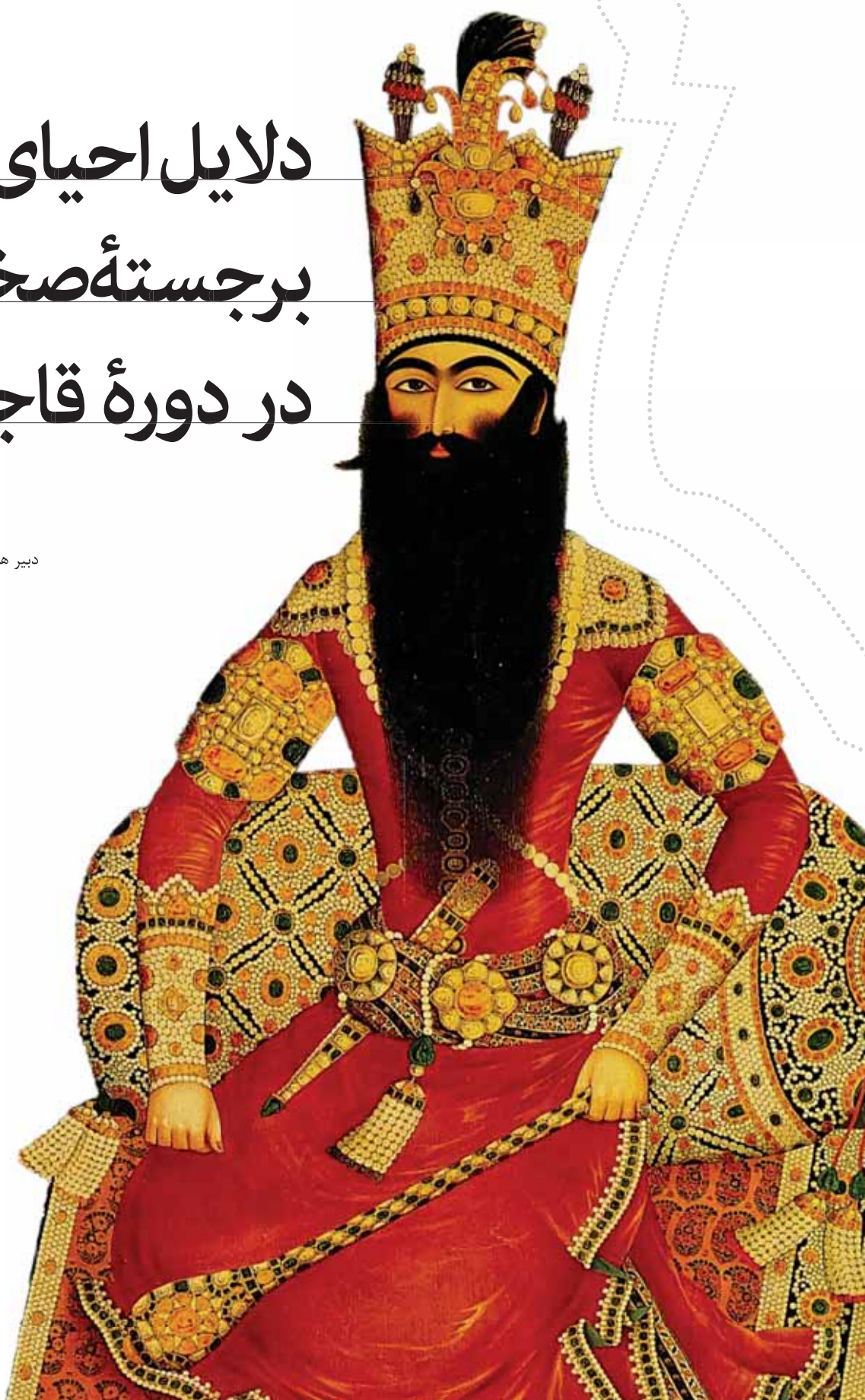
تیموری در يك تلاش طاقت‌فرسای چند ساله، با جمع‌آوری تعداد بسیاری از آثار مرحوم مافی و با تجزیه و تحلیل قابل تحسین علمی و نقد و بررسی آثار ایشان در قالب کتابی نفیس با عنوان «رازهای خط و نقاشی خط، نگاهی به آثار مافی»، نسبت به شناخت واقعی او اهتمام ورزید و با این کار دو هدف اصلی، یکی معرفی چهره واقعی رضا مافی به جامعه هنری و دیگری معرفی آثار دیده نشده، تأثیرگذار و الهام‌بخش او را تحقق بخشید. این کتاب پنج فصل دارد. در فصل اول به مراحل زندگی زنده یاد مافی، شرایط جامعه و دلایل روی آوردن این هنرمند به خوش‌نویسی اشاره شده است. در فصل دوم به سبک و مراحل و تحول هنری مافی پرداخته شده و در فصل سوم آثار مافی به صورت علمی، عمیق و دقیق مورد واکاوی قرار گرفته است. در فصل چهارم نتیجه‌گیری و

کشید. بعد از فوت مافی هر چند از او به نیکي یاد می‌شد و هر از چند گاهی تحلیل، و نقد و بررسی مختصری نسبت به بعضی از کارهای او در جریده‌های محدودی مطرح شد، ولی به صورت جدی هیچ‌گاه به آثار او پرداخته نشد و تعداد محدودی از کارهای شاخصش همیشه در معرض دید همگان قرار می‌گرفت. اینک خوش‌بختانه شاهد آن هستیم که توسط، کاوه تیموری، نقاب از چهره هنرمند خلاق و صاحب سبک معاصر، استاد رضا مافی برداشته شد و حق این نابغه دوران معاصر به درستی ادا شد. چرا که او از شروع کنندگان اصلی راهی بود که حرکتی عظیم در گستره خط و نقاشی خط ایجاد کرد و هم اکنون در آثار بسیاری از هنرمندان این وادی، الهام و تأثیرپذیری از کارهای مافی را شاهد هستیم.

دلایل احیای نقوش برجسته‌صخره‌ای در دوره قاجار

مهدی علی‌آبادی

دبیر هنر آموزش و پرورش ناحیه ۱ شیراز



چکیده

مطالعه نقوش برجسته صخره‌ای، در شناسایی تاریخ ایران اهمیت به‌سزایی دارد. چرا که از طریق این مطالعات به بسیاری از سنت‌ها و دیدگاه‌های مردمان دوره‌های گذشته و نوع بیان زیبایی شناسانه آن‌ها می‌توان پی برد. این تحقیق، با روش پژوهشی تاریخی-توصیفی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و نیز مطالعات میدانی، به بررسی عوامل به وجود آورنده و نیز انگیزه‌های شکل‌گیری این نقوش پس از وقفه‌ای طولانی پرداخته است. از میان این عوامل می‌توان به گرایش **فتحعلی‌شاه** به تاریخ ایران پیش از اسلام، اقامت فتحعلی‌شاه به‌عنوان ولیعهد **آقا محمدخان** و والی فارس در شیراز، علاقه و توجه سیاحان اروپایی، همچون **سر رابرت کرپورتر** به آثار هخامنشی و ساسانی و تأثیر آن‌ها بر شاه قاجار، وقوع ناآرامی‌های متعدد در داخل کشور و نیز تجاوز کشورهای خارجی، از جمله روسیه به ایران و عواقب نامطلوب ناشی از آن‌ها و نیز گرایش روشن‌فکران آن روز ایران به تاریخ پیش از اسلام ایران اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: قاجاریه، نقوش برجسته، صخره‌های استان فارس، دروازه قرآن شیراز

مقدمه

ساخت نقوش برجسته صخره‌ای همواره در تاریخ ایران از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار بوده است. چنانچه از همان ابتدای تاریخ این مرز و بوم، حاکمان به ایجاد نقوش برجسته صخره‌ای اهمیتی در خور توجه نشان می‌داده‌اند.

سنت ساخت نقش برجسته صخره‌ای که از «دوره لولوبی» (اواخر هزاره سوم قبل از میلاد تا هزاره اول قبل از میلاد) آغاز شده بود، در دوران عیلام (اوایل هزاره سوم قبل از میلاد تا سده هفتم قبل از میلاد)، هخامنشی (۳۳۰-۵۵۰ ق م) و اشکانی (۲۳۸ ق م تا ۲۲۴ م) ادامه می‌یابد و با توجه به سنت طولانی‌اش، در دوره ساسانی (۶۵۱-۲۲۴ م) به اوج شکوفایی می‌رسد. ایجاد نقوش برجسته در تاریخ ایران ادامه می‌یابد تا اینکه دین جدید اسلام از سرزمین عربستان ظهور می‌کند و با گسترش آن به سرزمین‌های اطراف و از جمله به ایران، عقاید و اصول جدیدی مطرح می‌شود؛ از جمله ممنوعیت تصویرگری که این خود باعث فترتی طولانی در ایجاد هنر نقش برجسته شد.

حاکمان ایران بعد از اسلام، با توجه به این موضوع رغبت چندانی به ایجاد نقوش برجسته صخره‌ای نشان نمی‌دهند تا اینکه بعد از



نقش برجسته نقش رستم دروازه قرآن

تخت سلطنت تکیه زد.

دوران فتحعلی‌شاه، یعنی نیمه اول قرن سیزدهم (مقارن با نیمه اول قرن نوزدهم میلادی)، از جهاتی چند بخشی از مهم‌ترین قسمت‌های تاریخی ایران است، زیرا در این ۵۰ سال وقایع و حوادثی بزرگ در اروپا روی داد که اثرات آن از حدود اروپا گذشت و در سایر قطعات عالم وارد شد. ایران نیز به نوبه خود از اثرات آن حوادث مهم، مانند انقلاب کبیر فرانسه و جهان‌داری ناپلئون کبیر و لشکرکشی‌ها و فتوحات او بی‌نصیب نماند (شمیم، ۱۳۷۴: ۵۴-۵۳).

در داخل کشور نیز فتحعلی‌شاه با حوادث و رویدادهای بسیاری روبه‌رو شد که شاید اگر جنگ‌های ایران و روسیه آغاز نمی‌شدند و به‌واسطه آن‌ها حس همدردی و اتحاد ایرانیان بیدار نمی‌شد، چه بسا استقرار سلطنت فتحعلی‌شاه امکان‌پذیر نمی‌گردید.



نقش برجسته تنگه واخی

گذشت حدود دوازده قرن، در دوران قاجاریه (۱۳۴۴-۱۲۱۰ ه. ق) و به‌ویژه دومین شاه این سلسله، یعنی **فتحعلی‌شاه**، شاهد ظهور و بروز تمایل به ایجاد نقوش برجسته صخره‌ای هستیم. تاکنون هشت نقش برجسته از عهد قاجار شناسایی شده‌اند که قدیمی‌ترین آن‌ها به فرمان فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۳۳ ه. ق در کنار «رودخانه ساواشی» واقع در دهکده «جلیزجند» در ناحیه فیروزکوه نقش شده است. (حاجی علی‌لو، ۱۳۸۴: ۵۰-۳۰).

قاجاریه

پس از آنکه **آقا محمدخان قاجار** توانست دو شعبه «یوخاری‌باش» و «آشاقه‌باش» ایل قاجار را یکپارچه کند و نیرویی توانمند به وجود آورد و توانست بر رقبای داخلی خود از ایل قاجار، زند و افشار و نیز رقبای خارجی همچون روس‌ها و عثمانیان چیره شود، حکومتی را ایجاد کرد که نزدیک به ۲۵۰ سال ادامه یافت (اژند، ۱۳۸۵: ۴۱-۳۴).

آقا محمدخان قاجار سرانجام در «قلعه شوشی»، هنگام نبرد برای تسخیر گرجستان به دست سه تن از خدمتکارانش، یعنی **خداداد فراش**، **صادق گرجی** و **عباسعلی مازندری** (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۴۴۱) کشته شد. هنگامی که این خبر به گوش ولیعهد، یعنی **فتحعلی میرزا** رسید که در این هنگام حاکم فارس بود، بی‌درنگ به سمت تهران حرکت کرد و پس از ورود به تهران، در شوال سال ۱۲۱۲ بر

جمشید، نقش رستم و ... از عواملی است که می‌تواند در کنار دیگر عوامل ذکر شده، شاه جوان ایران را به فکر ایجاد نقوشی همانند آنان برانگیخته باشد.

از میان ۳۷ نقش برجسته به‌جا مانده از دوران ساسانیان، ۲۹ نقش در استان فارس، خاستگاه ساسانیان قرار دارد. این نقش برجسته‌ها در مناطق تنگاب فیروزآباد (۱۵ کیلومتری فیروزآباد)، نقش رستم، نقش رجب (۲ کیلومتری شمال تخت جمشید)، تنگ چوگان (شمال بیشاپور و ۲۳ کیلومتری غرب کازرون)، تنگ قندیل (۲۰ کیلومتری جنوب غربی بیشاپور)، داراب گرد (۸ کیلومتری داراب)، برم دلك (۱۲ کیلومتری جنوب شرقی شیراز)، گویم (۳۰ کیلومتری غرب شیراز)، سرمشهد (۳۰ کیلومتری غرب جره در جنوب کازرون) و سراب بهرام (۹ کیلومتری نورآباد ممسنی) واقع هستند (رضائی‌نیا، ۱۳۸۶: ۹۵).

یقیناً وجود این آثار ایلامی و ساسانی، و نیز آثار هخامنشیان در تخت جمشید، نقش رستم و ... می‌توانست تأثیر عمیقی به روی فتحعلی‌شاه داشته باشد.

۳. علاقه و توجه سیاحان اروپایی همچون سر رابرت کرپورتر به آثار هخامنشی و ساسانی و تأثیر آن‌ها بر شاه قاجار
سر رابرت کرپورتر در سال ۱۷۷۷ در

دلایل احیای نقوش برجسته صخره‌ای در دوران فتحعلی‌شاه قاجار

برای احیای نقوش برجسته صخره‌ای در زمان فتحعلی‌شاه می‌توان دلایل گوناگونی را ذکر کرد که در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

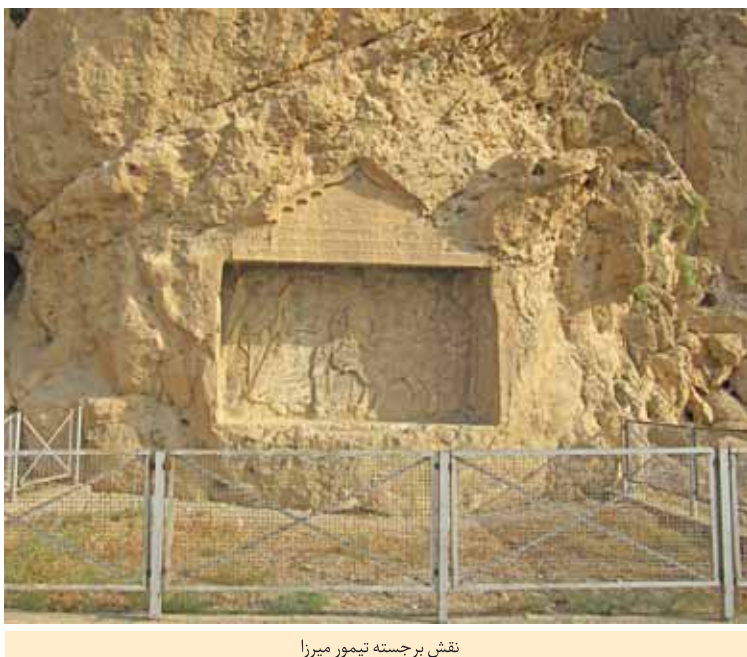
۱. گرایش فتحعلی‌شاه به تاریخ ایران پیش از اسلام

نقش برجسته‌های به جای مانده از فتحعلی‌شاه و پسران وی که در دوره اسلامی آثاری منحصر به فرد به شمار می‌آیند، بارزترین نشانه‌های گرایش و تأثیرپذیری از هنر ایران باستان در عصر قاجارند. فتحعلی‌شاه قاجار علاقه فراوانی به تاریخ داشت. پسرش **محمودولی میرزا**، همواره برایش کتاب‌های تاریخی می‌خواند (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۵۵). از طرف دیگر شاه قاجار علاقه فراوانی داشت که نامش در تاریخ بماند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۳۸). به همین سبب مورخان متعددی را، یکی پس از دیگری به نگارش تاریخ سلطنت خود ترغیب و مأمور می‌کرد. تنها در چند سال آخر سلطنت ۳۹ ساله او، تاریخ‌هایی چون «تاریخ جهان آرای وقایع‌نگار» **مروزی**، «تاریخ صاحبقرانی» **محمود میرزا**، «تاریخ فتحعلی‌شاه قاجار» **اورجانی** و «تاریخ ذوالقرنین» **خاوری**، به رشته تحریر درآمدند (قدیمی قیداری، ۱۳۸۹: ۲۱-۱۰).

۲. اقامت فتحعلی‌شاه به‌عنوان ولیعهد آقا محمدخان و والی فارس در شیراز

همان‌گونه که اشاره شد، فتحعلی‌شاه در دوران ولیعهدی خود در زمان آقا محمدخان قاجار به‌عنوان حاکم فارس، از نزدیک با نقوش برجسته در «نقش رستم» و «نقش رجب» و نیز «تخت جمشید» آشنا شده بود و این می‌توانست تأثیر عمیقی بر وی به‌عنوان شاه جوان ایران داشته باشد.

وجود نقش برجسته‌های زیاد از دوره‌های متفاوت تمدن ایران زمین در استان فارس، از جمله آثار ایلامی به‌جا مانده در نقش رستم (۲/۵ کیلومتری شمال تخت جمشید) و «حاجی آباد» (در نزدیکی نقش رستم) و نیز آثار باقی‌مانده از هخامنشیان در تخت



نقش برجسته تیمور میرزا



نقش برجسته شکل شاه در مازندران

بیستون و طاق بستان را از نزدیک واریسی کرد و از پیکره‌های آن نقاشی کشید. کریپوتر در سال ۱۸۱۹ به تهران بازگشت و به پاس نگاره بسیار زیبایی که از فتحعلی‌شاه کشیده بود، نشان رسمی شیر و خورشید را از او دریافت کرد. وجود این افراد در اطراف شاه قاجار می‌تواند در علاقه وی به تاریخ باستان و نیز به‌طور خاص علاقه به نقوش برجسته صخره‌ای تأثیری قابل ملاحظه داشته باشد.

(وبگاه: oldiranian)

۴. وقوع ناآرامی‌های متعدد در داخل کشور و نیز کشورهای خارجی از جمله روسیه به ایران و عواقب نامطلوب ناشی از آنها

به‌طوری که اشاره شد، دوران فتحعلی‌شاه با حوادث و کشمکش‌های داخلی و خارجی بسیاری همراه بوده است که به اختصار از این فرارند:

جنگ‌ها و ناآرامی‌های دوران فتحعلی‌شاه

الف) طغیان‌های داخلی:

- کشمکش با صادق‌خان شقاقی در حوالی قزوین و سلطانیه (۱۲۱۴-۱۲۱۳ ه.ق)؛

خانواده‌ای هنرپرور در شهر «درهم» در انگلستان چشم به جهان گشود. او برادر رمان‌نویسان نامدار «آناماریا پوتر» و «جین پوتر» بود. از همان روزگار کودکی کریپوتر شیفته هنر شد. چنانچه مادرش در سال ۱۷۹۰ او را به لندن برد تا در «آکادمی شاهی» زیر نظر «بنجامین وست» هنر نقاشی بیاموزد (وبگاه oldiranian). سررابرت کریپوتر پس از اینکه با عباس میرزا در تبریز ملاقات می‌کند، همراه وی به تهران می‌آید و به حضور فتحعلی‌شاه می‌رسد و از وی نگاره‌ای می‌کشد. وی در سال ۱۸۱۹ میلادی تخت سلیمان را دیده است (کلادیس، ۱۳۴۸: ۳۶۱-۳۷۲). سررابرت کریپوتر اولین کسی بود که نام پاسارگاد را مطرح و طرح‌های خوبی از آن تهیه کرد که علی‌رغم کمی و کاستی بسیار ارزشمند است (مافی، ۱۳۸۴: ۷۹-۹۴). وی از دشت مرغاب و نقش رستم بازدید کرد. کریپوتر در ۲۳ ژوئن ۱۸۱۸ به پرسپولیس وارد شد طرح‌های گوناگونی از آن تهیه کرد و در پایان سفرش و در راه برگشت نیز،



صفر ۱۲۲۲ (۴مه ۱۸۰۷) با امپراتور فرانسه منعقد شد (همان: ۶۳).

عهدنامه گلستان: بین ایران و روسیه در سال ۱۲۲۸ ه. ق مطابق با ۱۸۱۳ م منعقد شد (همان: ۸۰).

عهدنامه ترکمانچای: این عهدنامه در ۱۶ فصل و یک قرارداد الحاقی در ۹ فصل نوشته شد و در تاریخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ مطابق با ۱۰ فوریه سال ۱۸۲۸ به امضای نمایندگان ایران و روسیه رسید (همان: ۱۰۱).

عهدنامه آرزنه الروم: این عهدنامه در سال ۱۲۳۹ ه. ق در یک مقدمه و ۷ ماده و یک خاتمه در ارزروم بین ایران و عثمانی منعقد شد (همان: ۱۲۰).

با توجه به اینکه ناآرامی‌ها و کشمکش‌های داخلی و نیز تهاجم نیروهای خارجی به بستن عهدنامه‌هایی انجامید که تماماً به ضرر ایران تمام می‌شد، فتحعلی‌شاه به‌منظور جبران

• درگیری با حکام محلی خراسان در ربیع‌الاول ۱۲۱۴ ه. ق؛

• **قیام محمدخان**، پسر زکی‌خان زند در جنوب ایران و غلبه او بر اصفهان؛

• طغیان **حسین قلیخان**، برادر فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۱۲ ه. ق (شمیم، ۱۳۷۴: ۵۴-۵۳)؛

• کشمکش هرات در سال ۱۲۴۵ ه. ق.

مدت پنج سال از دوره سلطنت فتحعلی‌شاه (از ۱۲۱۲ تا ۱۲۱۷) را می‌توان دوره کشمکش‌های داخلی و نضج و قوام سلطنت قاجار دانست. در این مدت، علاوه بر طغیان‌های شدیدی که از طرف سرداران قدیم آقامحمدخان و منسوبین قاجاریه علیه سلطنت بروز کرد، بیشتر حکام محلی آذربایجان و از همه مهم‌تر، «امرای دنبلی» در خوی و ماکو اسباب سرگرمی سرداران فتحعلی‌شاه را فراهم می‌کردند. در تمام این مدت، فتحعلی‌شاه در آذربایجان و خراسان و سرداران او در فارس و ولایات غربی ایران به قلع و قمع سرکشان اشتغال داشتند. سرانجام بقایای دو دولت افشاریه و زند به دست این پادشاه مضمحل و منقرض شدند (همان: ۵۸).

ب) جنگ با کشورهای خارجی:

۱. دوره اول جنگ‌های ایران و روسیه ۱۲۲۸-۱۲۱۹ ه. ق. مطابق با ۱۸۱۳-۱۸۰۴ م.

• تعرض نیروی روس به گنجه، شوال ۱۲۱۸ ه. ق.

• جنگ‌های سال ۱۲۱۹ (شوره‌گول-ایروان).

• نبردهای عسکران، گنجه و بادکوبه در سال‌های ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ ه. ق.

• جنگ‌های ۱۲۲۸-۱۲۲۲ ه. ق.

۲. دوره دوم جنگ‌های ایران و روس در ذی‌الحجه سال ۱۲۴۱.

۳. جنگ مریوان در سال ۱۲۲۱ ه. ق.

۴. تعرض قوای ایران به بغداد در سال ۱۲۲۷ ه. ق.

۵. جنگ توپراق قلعه در سال ۱۲۳۷ ه. ق (همان: ۱۲۰-۵۵).

عهدنامه‌های دوران فتحعلی‌شاه

عهدنامه فین‌کن‌اشتاین: این عهدنامه متضمن یک مقدمه و ۱۶ ماده در تاریخ ۲۵



نقش برجسته فتحعلی‌شاه دروازه قرآن

بازگشت به آداب و رسوم و فرهنگ ایران باستان می‌دانستند. از جمله این روشن‌فکران **میرزا فتحعلی آخوندزاده** است که در کتاب «مکتوبات کمال‌الدوله‌ای‌ها» به انتقاد از سیاست، فرهنگ و مذهب جامعه ایران پرداخت. او علت عقب‌ماندگی ایرانیان را در دوری از آداب و رسوم و فرهنگ پیش از اسلام می‌داند. بعید به نظر نمی‌رسد که فتحعلی‌شاه با احساس ضعف ناشی از شکست از روس‌ها و سپس آگاهی از عقب‌ماندگی کشورش در مقایسه با کشورهای اروپایی، از ایده راه‌حل روشن‌فکران تأثیر پذیرفته و با جاری نقوش برجسته از خود، به نحوی تلاش کرده باشد که خود را همانند پادشاهان ایران باستان جلوه دهد و از این طریق در قدرت آن‌ها سهیم شود (حاجی علی‌لو، ۱۳۸۴: ۵۹-۳۰).



نقش برجسته محمد علی میرزا طاق بستان کرمانشاه

حیثیت از دست رفته خود، به ایجاد نقوش برجسته صخره‌ای دست زد تا بتواند نام خود را در تاریخ جاودانه سازد. او با ایجاد نقوش برجسته گوناگون در مناطق مختلف، می‌توانست به این مطلوب خود برسد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مواردی که در بالا بیان شد، می‌توان دلایل احیای نقوش برجسته صخره‌ای در دوران فتحعلی‌شاه قاجار را به شرح زیر بیان کرد:

- گرایش فتحعلی‌شاه به تاریخ ایران پیش از اسلام؛
- اقامت فتحعلی‌شاه به‌عنوان ولیعهد آقامحمدخان و والی فارس در شیراز؛
- علاقه و توجه سیاحان اروپایی، همچون سر رابرت کرپورتر به آثار هخامنشی و ساسانی و تأثیر آن‌ها بر شاه قاجار؛
- وقوع ناآرامی‌های متعدد در داخل کشور و نیز تجاوز کشورهای خارجی از جمله روسیه به ایران و عواقب نامطلوب ناشی از آن‌ها؛
- گرایش روشن‌فکران آن روز ایران به تاریخ پیش از اسلام ایران.

منابع

۱. آژند، یعقوب. دیوارنگاری در دوره قاجار. هنرهای تجسمی. شماره ۲۵. ۱۳۸۵.
۲. حاجی‌علی‌لو، سولماز. بررسی اثرپذیری و موارد الگوبرداری از ایران پیش از اسلام در عصر قاجار با تکیه بر نقش برجسته‌های قاجاری. نامه انسان‌شناسی. شماره ۸. ۱۳۸۴.
۳. رضایی‌نیا، عباس. سیر تحول هنری نقوش برجسته‌های صخره‌ای ایران. گلستان‌هنر. شماره ۱۰.

۵. گرایش روشن‌فکران آن روز ایران به تاریخ پیش از اسلام ایران

عامل دیگری که می‌توان ذکر کرد، گرایش روشن‌فکران قاجاری به دوران پیش از اسلام به‌عنوان عصر زرین فرهنگ ایران است. در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه، پس از شکست‌های سنگینی که سپاه ایران به‌علت فقدان تسهیلات جنگی از روس‌ها متحمل شد، ایرانیان از ضعف خویش در مقابل دانش روز اروپا آگاه شدند و اولین گروه دانشجویان از طرف **عباس‌میرزا** برای تحصیل علوم و فنون نظامی و آشنایی با فناوری روز به اروپا اعزام شدند. همچنین، از این دوره اروپاییان بیشتر از پیش به ایران سفر می‌کردند و ایرانیان در برخورد با اروپاییان در مقابل پیشرفت‌های صنعتی و علمی و ساختار منسجم و منظم جوامع اروپایی احساس ضعف و شکست می‌کردند.

دانشجویان تحصیل‌کرده در اروپا که روشن‌فکران آن روز ایران را تشکیل می‌دادند، (به غلط) راه حل عقب‌ماندگی ایران را در



نقش برجسته چشمه‌علی در ری

۱۳۸۶.

۴. شمیم، علی اصغر. ایران در دوره سلطنت قاجار.

مؤسسه انتشارات مدبر. چاپ دهم، تهران. ۱۳۷۴.

۵. قدیمی قیداری، عباس. بررسی وقایع نگاری
ناشناخته‌ای از صدر قاجار (تاریخ فتح‌علی‌شاه قاجار به
قلم اورجانی) فصل‌نامه گنجینه اسناد: سال بیستم.

دفتر اول. ۱۳۸۹.

۶. عضدالدوله، احمد میرزا. تاریخ عضدی. زرین.

تهران. ۱۳۷۹.

۷. کلادیس، تخت‌سلیمان و زندان سلیمان. مجله
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره

۶۸. ۱۳۴۸.

۸. مافی، فرزاد. بررسی و تحلیل مطالعات
باستان‌شناختی پاسارگاد مجله پیام باستان‌شناس.

شماره ۳. ۱۳۸۴.

۹. مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من یا تاریخ

اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. زوار. تهران. ۱۳۷۱.

۱۰. هدایت، رضاقلی‌خان. تاریخ روضه الصفا ناصر

(ج ۹). انتشارات اساطیر. چاپ اول. تهران. ۱۳۸۰.

11. <http://www.oldiranian.blogspot.com>



نقش برجسته کوه سرسره

مسجد شیخ لطف‌الله، یادگاری کم‌نظیر از دوران صفویه

شب‌نم گلزار

کارشناس ارشد صنایع دستی

چکیده

مسجد شیخ لطف‌الله از جمله شاهکارهای معماری ایران در عصر صفوی است که ساخت آن در سال ۱۰۱۲ هـ.ق، به فرمان شاه عباس اول آغاز شد و در سال ۱۰۲۸ هـ.ق به پایان رسید. آنچه این بنا را از همتاهای خود متمایز می‌سازد، نداشتن صحن، رواق و گلدسته است. توفتگی بنا نسبت به میدان نقش جهان در مقابل پیش‌آمدگی عالی قاپو در روبه‌روی آن، نکته جالب دیگری است که در هماهنگی این دو بنای متقابل به کار رفته است. درباره ویژگی‌ها و زیبایی‌های مسجد شیخ لطف‌الله بسیار گفته و شنیده شده است؛ از پلان معماری متفاوتش نسبت به مساجد هم‌عصر خود تا کاشی کاری منحصر به فرد گنبدخانه نیمه تاریک آن که با پرتوهای نور گذرکرده از پنجره‌ها، جلوه‌ای شکوهمند می‌یابد. در این نوشتار تلاش شده است نکته‌های دیگری به غیر از آنچه تاکنون ذکر شده‌اند، ارائه شود؛ با این هدف که نگاهی عمیق‌تر به ارزش‌های این بنای هنری بیندازیم و در پی یافتن مفاهیمی باشیم که لایه‌لای نقش‌ها و در معماری آن به کار رفته‌اند تا آثار باستانی و تاریخی ایران را هر چه بیشتر پاس بداریم.

کلیدواژه‌ها: هنر صفوی، معماری، مسجد شیخ لطف‌الله، کاشی کاری

تا زمان **شاه صفی** و مؤلف کتاب «عالم آرای عباسی»، محل اقامت شیخ لطف‌الله را در حریم مسجد ذکر می‌کند. **لطف‌الله هنرفر** نیز، مدرسه‌ای را که امروز وجود ندارد و آثار اندکی از آن در زمین خالی پشت مسجد باقی است، محل زندگی شیخ لطف‌الله می‌داند. برخی نیز این اتاق را محل استراحت خادمان و مراقبان درون مسجد می‌دانند.

در انتهای راهروی دوم نیز اتاق کوچک دیگری بدون محراب قرار دارد که کاربری آن مشخص نیست. طبقه دوم مسجد که قسمتی از آن را بالای در ورودی گنبدخانه مشاهده می‌کنیم، شامل چند اتاق و راهرو و فضای کوچکی با محراب است که برخی آن را محل تدریس شیخ لطف‌الله می‌دانند اما با وجود مدرسه کنار مسجد،

نمایاندن خود نمی‌کند. گنبد آن کوتاه و شبیه به کلاهخود قزلباشی است و رنگ خاص نخودی آن در تضاد با گنبد‌های فیروزه‌ای مسجدهای دیگر است. فضای درون تاریک است و به مدد چراغ‌های تعبیه شده در راهرو و نورهای کم‌رمقی که از پنجره‌های مشبک سنگی به درون می‌تابند، راه نمایان می‌شود.

این فضا، فضای آشنای مساجد معمول نیست. پلان آن چهارطاقی ساسانی است که در پیوند با مفاهیم اسلامی، جلوه‌گری می‌کند. اتاق کوچکی را که در سمت چپ راهروی ورودی اول و در کنار راه پله پشت‌بام قرار دارد و دارای محراب است، «چله‌خانه شیخ لطف‌الله» می‌نامند. در حالی که **اسکندر بیگ ترکمان**، منشی و مؤرخ دربار صفویه

نام مسجد از **شیخ لطف‌الله میسی** **عاملی** گرفته شده که از علمای شیعی لبنانی بود و به دعوت شاه‌عباس اول به اصفهان سفر کرد و در این مسجد و مدرسه کنار آن اقامت گزید و به تدریس علوم دینی پرداخت اما نام‌های دیگری نیز برای این مسجد ذکر شده است؛ از جمله، **شاردن** از آن با نام «مسجد صدر»، «مسجد مجتهد بزرگ» و «مسجد سلطنتی» نام برده است.

هنگام ایستادن روبه‌روی مسجد شیخ لطف‌الله، محصور بودن آن را به‌خوبی می‌توان دریافت. بنا در ظاهر، تلاشی برای



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماه‌نامه و نه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوآموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)
- رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۰۲۱



فضای درون گنبدخانه، مأخذ: نگارنده

چه لزومی داشته است که شاگردان در طبقه دوم مسجد بنشینند و درس بیاموزند؟

درون گنبدخانه، دنیایی غریب است با زیبایی خیره‌کننده؛ کاشی‌کاری‌های معرق و هفت رنگ با رنگ‌های فاخر و جلوه یافته با تالو اشعه‌های نور. نخستین محلی که جلب توجه می‌کند، طرح زیر گنبد است که برخی آن را به طاووس مانند می‌کنند و نمونه کامل‌تر و زیباتری است از آنچه در بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی دیده می‌شود؛ شامل ۳۲ طرح خمیده لوزی مانند که پیرامون ترنج مرکزی قرار گرفته‌اند و هر چه به دیوارها نزدیک می‌شوند، اندازه‌شان بزرگ‌تر می‌شود. نقش چلیپا بر چهار گوشه گنبدخانه، نقشی باستانی است که رمز و رازهای بسیار دارد و بیشتر در رابطه با نور و تقدس آن به کار می‌رود. در این میان، «ازاره»^۱ها که با کاشی‌کاری هفت رنگ و استفاده از رنگ آبی و نقش مایه‌های ختایی (گل و برگ) متفاوت با سایر قسمت‌های بنا تزئین شده‌اند، ناهماهنگ به نظر می‌رسند. نکته قابل توجه این است که **شوالیه شاردن** در سفرنامه خود، از سنگ یشم بودن ازاره‌ها و منبر قابل حمل مسجد سخن گفته است، اما اکنون کاشی‌کاری به جای سنگ یشم خودنمایی می‌کند.

از دیگر نکات جالب در مورد بنا، بازی با اعداد در طراحی آن است. فضای چهارگوش که با چهار «فیلیپوش»^۲ به هشت تبدیل شده و گنبد بر آن سوار شده است، ۳۲ طرح ترنج زیر گنبد، ارتفاع ۳۲ متری گنبد از کف گنبدخانه، ۱۶ پنجره زیر گنبد که به همراه ۳ پنجره دیوارها، عدد ۱۹ را می‌سازند که با اندازه ضلع گنبدخانه برابر است. تعداد پله‌هایی که به پشت‌بام می‌رسند، ۳۲ تاست که پس از طی ۱۶ پله، به طبقه دوم و ۱۶ پله بعدی، به بام می‌رسیم.

نکته قابل توجه دیگر درباره ساختار بنا و قرارگیری پنجره‌ها و هماهنگی‌شان با تزیینات، به خصوص کتیبه‌های اطراف فیلیپوش‌ها، تابش نور در ساعات خاص به کتیبه‌هاست. هنگام طلوع خورشید از شرق، نور آفتاب بر فیلیپوش غربی و کتیبه آن - که



چلیپای فیلیپوش : مأخذ : نگارنده

سوره «انفطار» را در خود دارد-می‌تابد و نوید آغاز روشنایی روز را می‌دهد. معانی آیه‌های اول و دوم این سوره به این شرح‌اند: «و هنگامی که آسمان شکافته شود (۱)، و ستارگان آسمان فرو ریزند (۲)». سپس با گردش خورشید به سمت مغرب برای فرو شدن، هنگام غروب، نور آن به فیلیپوش شرقی که با «سوره شمس» زینت یافته است، می‌تابد؛ با این مضمون که: «قسم به آفتاب و تابش آن هنگام رفعتش (۱)، قسم به ماه که پیرو آفتاب تابان است (۲)، قسم به روز هنگامی که جهان را روشن سازد (۳) و به شب وقتی که عالم را در پرده سیاهی کشد (۴)». این مطلب مَهر تأیید دیگری است بر عزم و هنر سازنده، برای بازنمایی عظمت و تقدس نور که به هنرمندانه‌ترین شکل بروز یافته است.

این همه نشان از بنایی قابل توجه و ارزشمند دارند که سرشار از مفاهیم و معانی متفاوت و ترکیب‌بندی هماهنگ و زیباست. این حجم از هنر و نوآوری به توجه و تفکر بیشتری نیاز دارد. زیرا هرچه بیشتر از هنر و تاریخ خود آگاه شویم، در حفظ و نگهداری آن نیز کوشاتر خواهیم بود. هنگام بازدید از مسجد شیخ لطف‌الله، عمیق‌تر به معماری و تزیینات آن توجه می‌کنیم؛ به کاشی‌کاری معرق محراب که برای برداشتن برخی از قطعات آن، محتاج پَس می‌شویم و با وجود این، با کمال ظرافت در کنار یکدیگر قرار گرفته و درخشش فضا را دوچندان کرده‌اند. پس بیهوده نیست که معمار بنا با اقتدار نام خود را در کتیبه داخل محراب نقش می‌زند - جایی که همه رو به سوی آن دارند- تا هنر و هویت خود را به ثبت برساند و ارزش آن را یادآور شود.

پی‌نوشت

۱. آن قسمت از دیوار اتاق یا ایوان که از کف طاقچه تا روی زمین باشد (فرهنگ معین).
۲. سه کنج، گوشه، گوشواره یا فیلگوش (فیلیپوش)، یکی از اجزای معماری ایرانی و بعدها اسلامی است که برای مستقر کردن گنبد روی چهار دیوار مربع به کار می‌رود.

منابع

۱. اسکندربیک، ترکمان؛ عالم‌آرای عباسی (ج ۲)، به کوشش ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۰.
۲. شاردن، ژان؛ سفرنامه: قسمت شهر اصفهان، ترجمه حسین عریضی، چاپخانه راه نجات، تهران، ۱۳۳۰.
۳. هنرفر، لطف‌الله؛ اصفهان، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶.

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

♦ نام مجلات درخواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان:

شهرستان:

خیابان:

پلاک:

شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

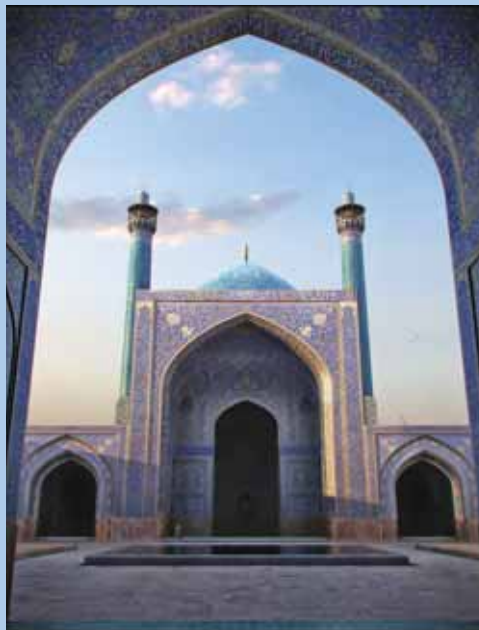
♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

♦ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال



مسجد جامع اصفهان

مسجد جامع اصفهان بخشی از تحولات معماری دوره‌های اسلامی تاریخ ایران را در مدت هزار سال نشان می‌دهد. این بنا که به «مسجد جامع عتیق» و «مسجد جمعه» نیز شهرت دارد، در بخش قدیمی اصفهان و انتهای بازار بزرگ واقع شده و یکی از برجسته‌ترین آثار معماری ایران و جهان است. چهار ایوان اطراف میدان شاخصه شیوه مسجدسازی ایرانیان است که پس از احداث آن، در سایر مساجد نیز رواج یافته است. این ایوان‌ها که به نام‌های صفة صاحب در جنوب، صفة درویش در شمال، صفة استاد در مغرب و صفة شاگرد در مشرق نامیده می‌شوند، با تزئینات مقرنس‌سازی و کاربندی یکی از فنون بسیار جالب معماری ایران را بیان می‌دارند.

قدیمی‌ترین بنای تاریخی اصفهان، «مسجد جامع اصفهان» است که مجموعه‌ای است از ساختمان‌ها و آثار هنری دوره‌های گوناگون. صحن چهار ایوانی، شبستان‌ها، مدرسه مظفری، صفة‌های کوچک دوره دیلمی، گنبد نظام‌الملک، گنبد تاج‌الملک، محراب اولجایتو، چهار ایوان معروف صاحب، استاد، شاگرد و درویش از جمله بناهای متعدد این مسجد هستند. در کاوش‌های باستان‌شناسی، آثار قبل از اسلام نیز در این مسجد کشف شده است.



